

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سرمدیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: ناصر نبی زاده

مدیر داخلی: حامد رضایی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه عرفان

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات فکربر

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمدباقر آخوندی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد اکبری بورنگ
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر سمیرا پور
استادیار دانشگاه کوثر بجنورد	- دکتر علیرضا حسینی
استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند	- دکتر رضا دستجردی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمدعلی رستمی نژاد
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر علی زارعی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر سامان فرزین
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر حسین شکوهی فرد
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
استادیار دانشگاه کوثر بجنورد	- دکتر ابراهیم کنعانی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر احمد لامعی گیو
دانشیار دانشگاه مازندران	- دکتر حسن هاشمی زرج آباد



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه:

شهر سبزوار)

مریم مصطفوی، اعظم مهدوی‌پور، شفیعه قدرتی ۷

وضعیت اعتیاد به اینترنت و نقش پیش‌بینی‌کننده آن در سلامت اجتماعی دانشجویان؛

(مورد مطالعه: دانشگاه بیرجند)

هادی پورشافعی، فاطمه نادری ۳۳

بازتاب تحولات سیاسی جامعه در شعر حماسی اخوان ثالث (مورد مطالعه: شعر زمستان)

مجتبی عطارزاده ۵۷

نقوش انسانی در کنده‌نگاره‌های شرق ایران

سارا صادقی، حمیدرضا قربانی، حسن هاشمی زرج‌آباد ۹۱

ملک‌الشعراء بهار در آیین‌های اندوهیادها

مژگان میرحسینی ۱۲۳

تبیین نابرابری‌های نظام آموزشی در توزیع فرصت‌ها (مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی)

یعقوب زارعی ۱۴۷



دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق و عوامل مرتبط با آن

مورد مطالعه: شهر سبزوار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

مریم مصطفوی^۱

اعظم مهدوی پور^۲

شفیعه قدرتی^۳

چکیده

طلاق پدیده‌ای است که به سرعت وضعیت اجتماعی- اقتصادی افراد را دست خوش تغییر قرار می‌دهد. چگونگی مواجهه با شرایط پس از طلاق در میان زنان و مردان متفاوت است. از آنجا که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان هستند، در مواجهه با شرایط پس از طلاق و پیامدهای آن، مشکلات بیشتری تجربه می‌کنند. هدف از این تحقیق بررسی دغدغه‌های زنان و برخی عوامل مرتبط با آن پس از تجربه‌ی طلاق می‌باشد. برای انجام این پژوهش از روش ترکیبی استفاده کردیم. به این ترتیب که ابتدا با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمد. در گام بعدی از خلال گفته‌های آنان پرسشنامه‌ای تنظیم شد و از روش پیمایش استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که هیچ یک از متغیرهای مرتبط با خانواده‌ی آنها تأثیر معنی‌داری بر کاهش نگرانی‌های اجتماعی آنان نداشته است. از دیگر سو، نگرانی‌های اقتصادی زنان تحت تأثیر ویژگی‌های خانواده‌ی آنان است و تحصیلات پدر و مادر، تعداد فرزندان زنان، و نحوه‌ی دریافت نفقه، رابطه‌ی معنی‌دار و کاهنده‌ای با نگرانی‌های اقتصادی آنان دارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت وجوه اجتماعی نگرانی‌ها، ابعاد عمیق‌تری دارد. بررسی عوامل مرتبط با نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی نشان داد که نقش خانواده در کاهش نگرانی‌های اقتصادی زنان می‌تواند مهم باشد، اما

۱. کارشناس ارشد مطالعات زنان و مدرس مدعو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور سبزوار، نویسنده مسؤول
maryammostafavi770@gmail.com

۲. استادیار جزا و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی
amahdaviipoor@yahoo.com

۳. استادیار جمعیت‌شناسی مرکز پژوهشی علوم جغرافیا و مطالعات اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری
shghodrat@gmail.com

نگرانی‌های اجتماعی زنان را تخفیف نمی‌دهد. به عبارت دیگر، نگرانی‌های اجتماعی زنان ابعاد ساختاری دارد و از حوزه‌ی عاملیت زنان و خانواده‌ی آنان فراتر می‌رود.

واژگان کلیدی: زنان، طلاق، نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی، روش آمیخته، سبزوآر

مقدمه

جامعه ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار تغییرات اساسی را در حیطه همه‌ی نهادها از جمله نهاد خانواده تجربه می‌کند (والچاک و برنز، ۱۳۶۶: ۱۲-۱۳). یکی از تغییرات اساسی در خانواده‌های ایرانی، افزایش قابل توجه نرخ طلاق است. این پدیده به‌عنوان یک فرایند تعریف می‌شود و نه یک رویداد. این تعریف نه تنها به عامل زمان اشاره دارد، بلکه به چندبعدی بودن و پیچیدگی آن نیز می‌پردازد.

نظریه‌پردازان و پژوهشگران، طلاق را به‌عنوان فرایندی ترکیب شده از مراحل مختلف نگریسته‌اند. این مراحل، تفاوت‌های کیفی در نوع مواجهه با مسائل طلاق و درجه سازگاری افراد با آن را نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۷۹، نقلدر اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). فرایند طلاق نه سریع است و نه آسان؛ دست کم دو سال طول می‌کشد تا طرفین قدرت از دست رفته را بازیابند و زمانی بسیار طولانی‌تر نیاز است تا بر ویرانه‌های بر جای مانده بنایی نو نهند (Clapp, 1992: 57). عوامل تنش‌زا و بحرانی که زوجین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند، چرخه‌ای از مسائل و مشکلات را برایشان پدید می‌آورد که ناخواسته نیازمند تغییر و تحولات بی‌شمار و سازگاری با آنهاست. مسأله طلاق پیامدهای اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای زنان دارد. پیامدهای این تغییرات، همه‌ی زمینه‌های زندگی را از امور روزمره تا وضعیت اقتصادی، اجتماعی، روانی، هویتی و حتی اهداف زن و مرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

زنان پس از طلاق بیش از مردان احساس شکست می‌کنند و این موضوع آسیب‌پذیری بیشتر زنان را نسبت به مردان در جامعه نشان می‌دهد. اضطراب، احساس دل‌تنگی، غمگین بودن، احساس خستگی و عصبانی بودن در بین زنان بیش از مردان است (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۶). زندگی زنان مطلقه نیز جدا از این بحث نیست. زنان مطلقه

به‌عنوان بخشی از این اجتماع نمی‌توانند به دور از هراس‌های فرهنگی و فشارهای اجتماعی به زندگی خود ادامه دهند.

نهاد خانواده در ایران همواره از استحکام و غنای خاصی برخوردار بوده است و بیشتر مسائل فرهنگی و شخصیتی و اجتماعی ما در کانون خانواده شکل می‌گیرد. از این‌رو، مطالعه طلاق از یک‌سو می‌تواند روشنگر برخی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ما باشد و از سوی دیگر، به شناخت و برنامه‌ریزی در جهت حفظ، ثبات و استحکام نهاد خانواده یاری رساند.

در مورد پیامدهای طلاق، عمده‌ی مطالعات به بحث فرزندان طلاق و آسیب‌هایی از جمله کودک‌آزاری و اعتیاد پرداخته‌اند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶؛ قره‌باغی، ۱۳۸۹؛ ویزه و دیگران، ۱۳۸۷؛ یعقوبی، سهرابی و مفیدی، ۱۳۹۰). تأکید پژوهش حاضر بر روی تجربه زنان است و به بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی طلاق روی آنها می‌پردازد. شناخت درست و درک عمیق از این موضوع می‌تواند به شناخت بهتر این زنان کمک کند. انسان‌هایی که به‌خاطر پسوند "مطلقه بودن"، با مشکلات و فشارهای اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند. فشارهای اجتماعی می‌تواند باعث بروز مشکلات اقتصادی مانند عدم اشتغال آنها و یا مشکل یافتن مسکن و سرپناه شود. لذا بررسی شرایط زنان پس از طلاق، حائز اهمیت بسیار است.

سبزوار یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که از نظر جمعیت، پس از شهر مشهد، دومین شهر استان محسوب می‌شود. داده‌های مربوط به سازمان ثبت احوال کشور، حاکی از روند افزایشی نرخ طلاق در این شهرستان است. جدول ۱ تغییرات نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور و شهرستان سبزوار را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این نسبت روند افزایشی دارد و این افزایش در شهرستان سبزوار، سریع‌تر از کل کشور است.

جدول (۱) نسبت طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج در کشور و شهرستان سبزوار

سال	کل کشور	سبزوار
۱۳۸۵	۱۲/۱	۱۰/۳
۱۳۹۰	۱۶/۳	۱۷/۵
۱۳۹۳	۲۲/۶	۲۶/۸

منبع: سازمان ثبت احوال

در این بخش به مرور تحقیقات پیرامون طلاق می پردازیم. اخوان تفتی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن» با استفاده از روش پیمایشی به بررسی تجربه‌ی زنان و مردان پس از طلاق در شهر تهران می‌پردازد. بررسی نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی، تأثیر مشابهی بر زنان و مردان داشته است، اما نگرانی زنان از آینده اقتصادی و فرزندان و نیز نگرانی از نگرش مردم، بیشتر از مردان بوده است. هم زنان و هم مردان، احساس مشابهی از رهایی پس از طلاق، خوش‌بینی نسبت به آینده و عدم تمایل به مشورت با دوستان درباره جدایی‌شان داشته‌اند. به‌علاوه دشواری مراحل طلاق برای مردان و زنان تجربه مشابهی بوده است، اما زنان آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتری از طلاق دارند.

قطبی و دیگران (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد» به این نتیجه رسیدند که پس از طلاق، زنان بیشتر با والدین و مردان بیشتر به‌تنهایی زندگی می‌کنند. هم‌چنین عدم امنیت اجتماعی در زنان بارزتر و احساس افسردگی در مردان شایع‌تر است.

نصیری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه‌خانه‌دار در مناطق ۲۲ گانه تهران» به این نتیجه رسید که یکی از راه‌های کاهش فقر و محرومیت، توجه ویژه در زمینه احداث مسکن مناسب برای گروه‌های کم‌درآمد با تأکید بر زنان مطلقه‌خانه‌دار است که یکی از نیازهای ضروری، لزوم دخالت دولت در تأمین مسکن است.

صادقی فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی» به بررسی درک کنشگران از ابعاد گوناگون زندگی پس از طلاق به تفکیک جنسیت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد طلاق برای زنان پیامدهای متعددی در حیطه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی، جنسی، ارتباطی و فرزندان به همراه دارد که این پیامدها، برای زنان و مردان متفاوت است.

شیخی و دیگران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن: مطالعه‌ای کیفی» به بررسی علل پنهانی طلاق پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین جنبه از جنبه‌های مثبت طلاق، شامل بازیابی استقلال، رهایی از قید حیات ناجور و گسترش فردگرایی مثبت در جامعه می‌باشد. به‌علاوه محققان به این نکته اشاره کردند که جنبه مثبت طلاق، به معنی رهایی وجود شری به نام ازدواج ناجور است.

زارعی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «طلاق از دید زن مطلقه: پژوهش کیفی» به این نتیجه رسیدند که درک مفهوم طلاق برگرفته از باورهای جامعه است. به‌عبارتی، طلاق نه تنها یک مقوله اجتماعی- فرهنگی است، بلکه یک تعیین کننده اجتماعی مؤثر بر سلامت زنان نیز می‌باشد.

تحقیقی توسط آقاجانیان و مقدس (Aghajanian & Moghaddas: 1998) در شهر شیراز انجام گرفت. این تحقیق به روش پیمایشی است و نتایج آن نشان می‌دهد که بی‌ثباتی اجتماعی حاصل از جنگ، شرایط را برای افزایش نرخ طلاق در ایران فراهم کرد و این روند افزایشی بعد از آتش بس و شروع گفتگوهای صلح، رو به کاهش نهاد. تحلیل پیامدها و تعیین کننده‌های طلاق در ایران نشان می‌دهد که تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یافته‌های مطالعات انجام شده در کشورهای غربی دارد. بر خلاف ایالات متحده، رابطه معکوسی بین سن ازدواج و طلاق در ایران وجود ندارد. در حقیقت، زنان ازدواج کرده در سنین بالاتر از شانس طلاق بالاتری برخوردارند. تحصیلات بالاتر و نقش‌های خارج از خانه برای زنان، تأثیر مثبتی بر طلاق را نشان می‌دهد. در کل پیامدهای اقتصادی طلاق برای زنان ایرانی جدی است. زنان بعد از طلاق فرصت‌های بسیار کمی برای کار

کردن دارند و می‌توان گفت که فقط شبکه‌های خانوادگی و غیررسمی به حمایت از زنان مطلقه می‌پردازند. همان طوری که اکثر مطلقه‌ها از خانواده‌های کارگری هستند، بنابراین مراقبت از زنان مطلقه برای این خانواده‌ها، از لحاظ اقتصادی بسیار مشکل است. هم‌چنین این مطالعه بیان‌گر اثرات روان‌شناختی عمیقی است که طلاق بر زنان مطلقه و فرزندان‌شان در ایران می‌گذارد.

مولینا (Molina, 2000) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر پدیده‌ی طلاق بر زنان مطلقه پرداخته است. او نتیجه می‌گیرد زنان مطلقه در معرض مشکلات مالی و احساسی‌اند، چرا که از حقوق کم و عدم حمایت فرزندان و کمبود خرجی برخوردار هستند. عوامل فرهنگی از قبیل اعتقاد به خدا، اخلاق کاری و روابط خانوادگی بسته و تلاش برای رسیدن به موفقیت از عوامل تغییر در نگرش به طلاق است.

مطالعه هیک و اپ (Heik & Opp: 2007) به بررسی شرایطی می‌پردازند که در آن افراد فکر می‌کنند که زوجین باید طلاق بگیرند یا نه. محققان با استفاده از نظریه‌ای در مورد ظهور هنجارها استدلال می‌کنند که فشارهای بیرونی در مورد طلاق و ازدواج و یکپارچگی در شبکه‌های اجتماعی حامی طلاق، تعیین‌کننده‌های مهمی در ظهور این هنجارها هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگر کیفیت ازدواج نامطلوب باشد، هر دو طرف روابط خارج از ازدواج داشته باشند و فرزندی نداشته باشند، در این صورت یک هنجار طلاق ساده‌گیر با اقبال مواجه می‌شود.

در مطالعه خود به بررسی تجربیات ۳۱ زن مطلقه پرداخته است. این پژوهش در ترکیه انجام شده و با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌مبنایی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر چند طلاق باعث مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود، اما از طرفی زندگی را بهبود می‌بخشد

بدین ترتیب می‌توان گفت پدیده‌ی طلاق و رشد سریع آن در سبزوار، قابل تأمل است و مسأله‌ی پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تجربه‌ی طلاق برای زنان در این شهر است. به عبارت دیگر، سؤال این است که زنان پس از طلاق با چه نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو هستند و عوامل تأثیرگذار بر آن چه می‌باشد؟

هدف اصلی تحقیق، بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تجربه‌ی طلاق بر روی زنان است. اهداف جزئی تحقیق عبارت است از:

- ۱- بررسی نگرانی‌های اجتماعی زنان پس از طلاق؛
- ۲- بررسی نگرانی‌های اقتصادی زنان پس از طلاق؛
- ۳- بررسی تأثیرات متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی بر نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان مطلقه.

نظریات تحقیق

نظریات متعددی در مورد طلاق و عوامل مرتبط با آن ارائه شده است، اما مطالعه‌ی حاضر به پیامدهای طلاق توجه دارد و از این‌رو در این قسمت به مرور مفاهیم نظری پیرامون پیامدهای طلاق می‌پردازیم و از مرور نظریات مربوط به عوامل مرتبط با طلاق صرف نظر می‌کنیم. مفاهیم مورد بررسی از نظریه‌ی برچسب‌زنی، نظریه یوهانن^۱ و ویس^۲ اخذ شده است.

نظریه‌ی برچسب‌زنی در پاسخ به این سؤال که چرا برخی افراد برچسب کج‌روی در جامعه می‌خورند، ارائه شده است. طبق این نظریه، کسانی که نماینده نیروهای نظم و قانون‌اند، می‌توانند تعاریف اخلاق را به دیگران تحمیل کنند و در نتیجه، منابع اصلی برچسب‌زنی را فراهم کنند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

از نظر بکر^۳، کج‌رفتاری تعریفی است که جامعه آن را می‌سازد، یعنی گروه‌های اجتماعی با ساختن قوانینی که خدشه‌دار کردن آنها کج‌روی به حساب می‌آید، مفهوم کج‌روی را می‌سازند. بدین ترتیب، انحراف عملی نیست که واقع شده، بلکه نتیجه‌ی اعمال آن قانون از جانب دیگران، نسبت به فردی است که آن را مرتکب شده است (شرافتی‌پور، ۱۳۸۴: ۵۰). افراد دارای رفتار بهنجار، چون منفعت خود را در رفتار بهنجار می‌بینند، طبق عرف جامعه عمل می‌کنند، در حالی که کافی است فردی به دلیل بی‌اطلاعی از قانون یا

1. Bohannon

2. Weiss

3. Becker

خرده فرهنگ خاص، خود عملی انجام بدهد و انگ انحراف بخورد. برای برچسب خوردن، کافی است که فرد یکبار جرمی را مرتکب شود. از آنجا که وی برچسب عدم رعایت قوانین را خورده است، سایر انحرافات را به وی نسبت می دهند و کم کم او از جامعه دور می شود و به کج روی بیشتر می گراید (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

حال این سؤال به وجود می آید، آیا طلاق برچسب اجتماعی است که موجب منزوی شدن افراد می شود؟

نظریه یوهانن

به اعتقاد یوهانن، چنانچه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند، تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک و نگرش زندگی باید طی شود. وی شش مرحله متداخل طلاق را متمایز می سازد که زوجی که از یکدیگر جدا می شوند، ناچارند آنها را پشت سر بگذارند. همه این مراحل ممکن است دشواری ها و تنش هایی پدید آورد که بر زن، شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستان آنها تأثیر بگذارد. در این مراحل، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی طلاق بیان شده است. این شش مرحله عبارتند از:

- طلاق عاطفی: بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است. تنش فزاینده زن و شوهر معمولاً به جدایی می انجامد.
 - طلاق قانونی: متضمن زمینه ها و دلایلی است که بر پایه آن به ازدواج پایان داده می شود.
 - طلاق اقتصادی: به تقسیم ثروت و دارایی ها مربوط می شود.
 - طلاق هماهنگی میان والدین: مسائل نگهداری کودک و حتی ملاقات را دربرمی گیرد.
 - طلاق اجتماعی: به تغییر در دوستی ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می شود که فرد طلاق گرفته با آن سروکار دارد.
 - طلاق روانی: از طریق آن فرد باید پیوندها و وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن روبه رو شود.
- همان طور که می بینیم طلاق عاطفی سرچشمه انواع دیگر طلاق است. در مورد مراحل

اول و دوم، زن و مرد کم و بیش آسیب‌پذیرند، اما در مراحل سه تا شش آسیب‌پذیری زن در جامعه بسیار بیشتر از مرد است. این بیانگر فاصله‌ای است که بین زن و مرد در جامعه ما وجود دارد و آسیب‌های بعدی را برای زن در طول زندگی و پس از طلاق به‌دنبال می‌آورد (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۱).

نظریه رابرت ویس

ویس معتقد است که طلاق باعث تحول ارتباطات اجتماعی زوجین طلاق گرفته با دوستان خانوادگی می‌شود. این نظریه هم‌چون نظریه یوهانن به فرایندی که زنان پس از طلاق تجربه می‌کنند، پرداخته است. به نظر وی تغییر در روابط و پایگاه اجتماعی افراد پس از طلاق، دارای مراحل است که عبارتند از:

مرحله اول: توجه و همدردی بیش از حد آنها که حتی گاه موجب مزاحمت می‌شود.
مرحله دوم: تغییر دیدگاه آنها در مورد فرد و اعتقاد به تغییر مسیر وی.
مرحله سوم: جدایی تدریجی به علت حذف اشتراک‌های قبلی و این که ادامه ارتباط نفعی به حال هیچ‌یک از طرفین ندارد (Weiss, 1975). نقل در اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

تغییر در روابط اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر زندگی زنان مطلقه است و پیامدهایی هم به‌دنبال دارد. در بررسی عوامل مرتبط با تجربه و نگرانی‌های زنان پس از طلاق، به بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان و خانواده‌ی آنها، نحوه‌ی دریافت نفقه و برخی متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن زنان در هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان آنها می‌پردازیم. هدف از این تحقیق، مطالعه‌ی پیامدهای طلاق برای زنان است و از این‌رو، متغیر وابسته به صورت نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان تعریف شده است.

فرضیات تحقیق که شامل روابط بین متغیرهای پیش‌بین و دو متغیر نگرانی‌های اجتماعی و نگرانی‌های اقتصادی است، به شرح زیر می‌باشد:

۱- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان)

- و نگرانی‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان) و نگرانی‌های اقتصادی، رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی زنان (تحصیلات والدین، تحصیلات فرد و وضعیت شغلی فرد) و نگرانی‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی زنان (تحصیلات والدین هنگام ازدواج و طلاق، تحصیلات فرد و وضعیت شغلی فرد) و نگرانی‌های اقتصادی، رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین نحوه‌ی دریافت نفقه و نگرانی‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین نحوه‌ی دریافت نفقه و نگرانی‌های اقتصادی، رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش آمیخته یا ترکیبی^۱ انجام شده است. روش آمیخته یا ترکیبی روشی است که در آن، روش کمی و کیفی با هم ترکیب می‌شود. لازارسفلد و واگنر^۲ این دیدگاه را توسعه دادند. بر طبق نظر آنها می‌توان در مطالعات به روش کمی، از روش‌های تحقیق کیفی نیز بهره گرفت. در این صورت است که با استفاده از داده‌های کیفی به مثابه مبنا، پرسشنامه می‌تواند به واقعیت نزدیک‌تر شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۵۰). این دیدگاه چنین استدلال می‌کند که هیچ‌گاه به صرف گردآوری و تحلیل داده‌های کمی و یا گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی نمی‌توان مطمئن بود که حقیقت به چنگ آمده است (Gephart, 1988). رویکردهای روش‌شناختی مدعی است که پس از جنبش‌های روش‌شناختی کمی و کیفی، سومین جنبش روش‌شناختی را به راه انداخته است (Tashakkori & Teddli, 2003: 3). پدیده طلاق تک علتی نیست و به دلیل زمینه‌مند بودن با تغییر بستر اجتماعی، تغییر پیدا می‌کند. بدین ترتیب، به منظور مطالعه‌ی آن روش آمیخته انتخاب گردید. این روش از یک سو، به بستر مطالعه و تضمینات فرهنگی، اجتماعی آن پای‌بند است و از سوی دیگر، قابلیت

1. Mixed method

2. Lazarsfeld & Vagner

تعمیم نتایج را محدود نمی‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، ابتدا به کمک روش کیفی، با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه عمیق^۱ انجام شد و به کمک مفاهیم و مقولاتی که از مصاحبه‌ی عمیق استخراج شد، پرسشنامه‌ای تدوین گردید. سپس به کمک روش پیمایش و ابزار پرسشنامه، داده‌ها جمع‌آوری شد. روش پیمایش روشی است برای گردآوری داده‌ها که در آن از گروه معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص که برای همه افراد یکسان است، پاسخ دهند. این پاسخ‌ها، مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶).

براساس نظریه یوهانن و مفهوم‌پردازی آن از مراحل طلاق (طلاق اجتماعی و روانی) و همچنین نظریه برجسب‌زنی (نگرانی زنان از نگاه جامعه و اطرافیان نسبت به آنها) مفهوم «نگرانی‌های اجتماعی زنان» استنباط شد و در قالب سؤالاتی سنجش شد. سنجه‌های مفاهیم مذکور براساس یافته‌های مصاحبه‌های عمیقی است که پیش از پیمایش انجام شد. بدین ترتیب، در ابتدا با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه عمیق انجام شد و در مصاحبه‌ها از مصاحبه نیمه استاندارد استفاده شده است.

بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ی عمیق، سنجه‌های طراحی شده برای سنجش مفهوم نگرانی‌های اجتماعی زنان پس از طلاق شامل نگرانی از حرف مردم، نگرانی از موقعیت اجتماعی خود بعد از طلاق، نگرانی از تنهایی و همچنین نگرانی در مورد عدم ازدواج می‌باشد.

نگرانی‌های اقتصادی نیز در قالب نگرانی از وضعیت اقتصادی و مالی، نگرانی از موقعیت شغلی و نگرانی از تأمین مسکن سنجش شده است.

متغیرهای پیش‌بین شامل متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اجتماعی^۲ زنان و خانواده‌ی آنها و نحوه‌ی دریافت نفقه است. متغیرهای زمینه‌ای شامل سن زنان در هنگام ازدواج و طلاق و تعداد فرزندان است. پایگاه اجتماعی زنان به کمک متغیرهای تحصیلات زنان، وضعیت

1. Indepth Interview

۲. در ابتدا محققین تصمیم بر سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان داشتند، اما به دلیل حساسیت زنان و عدم پاسخ به پرسش مربوط به میزان درآمد، مجبور به حذف پایگاه اقتصادی شدند.

شغلی آنها و تحصیلات والدین آنها سنجش می‌شود. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق عبارت است از کلیه زنان مطلقه‌ای که ساکن شهر سبزوار هستند. انتخاب شهر سبزوار توسط محقق به‌عنوان میدان مورد مطالعه، به‌دلیل آشنا بودن وی با بستر اجتماعی و فرهنگی این شهر است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری گلوله‌برفی است و به‌خاطر حساسیت موضوع، بیشتر از این نوع نمونه‌گیری استفاده شده است. نمونه‌گیری گلوله‌برفی نمونه‌گیری است که در آن پژوهشگر یک شرکت کننده را از طریق شخص دیگری پیدا می‌کند. اگر آگاهی‌دهندگان به‌راحتی در دسترس نباشند و یا در مواردی که ناشناس و گمنام بودن آنها مورد نظر باشد، پژوهشگران از نمونه‌برداری گلوله‌برفی استفاده می‌کنند (هومن، ۱۳۹۱: ۸۹).

نمونه این تحقیق عبارت است از ۱۵۰ نفر از زنانی که از همسران خود جدا شده‌اند. این نمونه‌گیری در سال ۱۳۹۴ و طی چهار ماه صورت گرفت.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا به تحلیل توصیفی و سپس آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بین پاسخگویان، بیشترین فراوانی ازدواج در سن ۱۶ تا ۱۹ سالگی است (۴۴٪). طلاق در سن ۲۵ تا ۳۱ سالگی بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده است (۳۶٪). اکثر طلاق‌ها به درخواست زنان صورت گرفته است که اغلب دارای سواد متوسط هستند. بیشتر زنان مطلقه ۳ تا ۵ سال است که از همسران خود جدا شده‌اند.

جدول ۲، توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب گروه سنی در زمان ازدواج را نشان می‌دهد. برطبق این جدول، قریب به ۱۷٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۲-۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. ۴۴٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۶-۱۹ سال ازدواج کرده‌اند که اکثر پاسخگویان در این گروه سنی قرار دارند. ۲۸/۷٪ از زنان در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال ازدواج کرده‌اند که پس از گروه دوم، بیشترین درصد فراوانی را به‌خود اختصاص

داده است. گروه چهارم هم مربوط به افرادی است که در بازه ی سنی ۲۵-۳۱ سال قرار می گیرند که کمترین افراد پاسخگو، به این گروه اختصاص دارد. میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان ۱۹/۰۶ سال می باشد. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، دو نفر به سؤال فوق پاسخی نداده اند.

جدول ۲) توزیع فراوانی پاسخگویان براساس سن در هنگام ازدواج

گروه های سنی	فراوانی	درصد
۱۲-۱۵	۲۵	٪۱۶/۷
۱۶-۱۹	۶۶	٪۴۴
۲۰-۲۴	۴۳	٪۲۸/۷
۲۵-۳۱	۱۴	٪۹/۳
کل	۱۴۸	٪۹۸/۷

جدول ۳، نشانگر توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن زنان در زمان طلاق است. بر طبق این جدول، بیشتر زنان در گروه های سنی ۲۰-۲۴ سال و ۲۵-۳۱ سال از همسران خود جدا شده اند. تنها ۲٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۲-۱۵ سال طلاق گرفته اند که کمترین افراد پاسخگو در این گروه قرار دارند. میانگین سن زنان هنگام طلاق، ۲۷/۰۱ سال است. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، یک نفر به سؤال فوق پاسخی نداده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی پاسخگویان براساس سن هنگام طلاق

گروه های سنی	فراوانی	درصد
۱۲-۱۵	۳	٪۲
۱۶-۱۹	۸	٪۵/۲
۲۰-۲۴	۵۲	٪۳۴/۶
۲۵-۳۱	۵۴	٪۳۶
۳۲-۳۶	۲۱	٪۱۴/۱
۳۷ سال به بالا	۱۱	٪۷/۴
کل	۱۴۹	٪۹۹/۳

جدول ۴، میزان تحصیلات زنان پاسخگو و سطح تحصیلات والدین آنها را نشان می‌دهد. بر طبق این جدول، ۳۶٪ از زنان پاسخگو هنگام جدایی از همسر، سواد کمتر از سیکل داشته‌اند و ۴۲/۷٪ از آنان در حد متوسطه و تنها ۲۱/۳٪ از آنها دارای سواد دانشگاهی بوده‌اند. دو ستون بعدی جدول نیز سطح تحصیلات پدر و مادر پاسخگویان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم ۲۴٪ از پدران افراد پاسخگو و ۳۹/۴٪ از مادران افراد پاسخگو، بی‌سواد هستند. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر، دو نفر از افراد به سؤال مربوط به سطح تحصیلات پدر و یک نفر به سؤال مربوط به سطح تحصیلات مادر، پاسخی نداده‌اند.

جدول (۴) توزیع فراوانی نمونه تحقیق براساس میزان تحصیلات پدر و مادر

تحصیلات زن		تحصیلات پدر		تحصیلات مادر	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۰	۰	۳۶	۲۴٪	۵۹	۳۹/۴٪
۵۴	۳۶٪	۹۳	۶۲/۱٪	۷۴	۴۸/۶٪
۶۴	۴۲/۷٪	۱۶	۱۰/۸٪	۱۴	۹/۶٪
۳۲	۲۱/۳٪	۳	۲/۱٪	۲	۱/۴٪
۱۵۰	۱۰۰٪	۱۴۸	۱۰۰٪	۱۴۹	۱۰۰٪
کل		کل		کل	

جدول ۵، توزیع فراوانی پاسخگویان را براساس تعداد فرزندان نشان می‌دهد. براین اساس، بیشتر پاسخگویان هیچ فرزندی ندارند (۳۹٪). پس از آن بیشترین درصد فراوانی مربوط به زنانی است که یک فرزند دارند که ۳۲٪ را شامل می‌شود. ۲۱٪ زنان دو فرزند دارند. کمترین مقدار هم مربوط به زنان دارای سه فرزند و یا بیشتر از آن است که ۸٪ می‌باشد.

جدول (۵) توزیع فراوانی پاسخگویان براساس تعداد فرزندان

تعداد فرزندان	فراوانی	درصد
بدون فرزند	۵۸	۳۹٪
دارای یک فرزند	۴۸	۳۲٪
دارای دو فرزند	۳۲	۲۱٪

دارای سه فرزند و یا بیشتر	۱۲	۸٪
کل	۱۵۰	۱۰۰٪

جدول ۶، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال آنان را نشان می دهد. بر این اساس، ۶۰٪ از زنان شاغل و تنها ۴۰٪ بیکار هستند. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، پنج نفر به سؤال فوق، پاسخی نداده اند.

جدول ۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت شغلی

موقعیت شغلی پاسخگویان	فراوانی	درصد
شاغل	۸۷	۶۰٪
بیکار	۵۸	۴۰٪
کل	۱۴۵	۱۰۰٪

جدول ۷، توزیع فراوانی و درصدی مربوط به نحوه دریافت نفقه است. داده ها حاکی از آن است که تنها قریب ۶٪ از زنان نفقه دریافت می کنند و حدود ۹۴٪ از آنان نفقه ای دریافت نکرده اند. لازم به ذکر است که از مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگو، سیزده نفر به سؤال فوق پاسخی نداده اند.

جدول ۷) توزیع فراوانی و درصدی نحوه دریافت نفقه

	فراوانی	توزیع درصدی
دریافت نفقه	۸	۵/۸٪
بخشش نفقه	۹۲	۶۷/۲٪
عدم پرداخت	۳۷	۲۷/۰٪
مجموع	۱۳۷	۱۰۰٪

جدول ۸، نگرانی های اجتماعی و اقتصادی زنان پاسخگو پس از طلاق را نشان می دهد. در این طیف پنج قسمتی، بیشترین نمره پنج و کمترین نمره یک است. در این جا از مجموع پاسخ های "خیلی زیاد" و "زیاد"، می توان درصد نگرانی های اجتماعی پاسخگویان در هر گویه را سنجید. بر همین اساس ۵۵/۴٪ از پاسخگویان، نگران حرف

مردم هستند. ۶۴/۶٪ نگران موقعیت اجتماعی خود و ۵۸/۶٪ از تنها ماندن خود در آینده هراس دارند. هم‌چنین ۳۴/۷٪ از افراد پاسخگو، برای عدم امکان ازدواج مجدد خود نگران هستند. ترکیب چهار گویه مذکور (میانگین چهارگویه)، متغیر نگرانی‌های اجتماعی زنان را ساخته است. میانگین این متغیر ۳/۳۹ است که نشان می‌دهد نگرانی‌های اجتماعی زنان، بیش از حد متوسط (۲/۵) می‌باشد. سطر بعدی جدول ۸، توزیع فراوانی پاسخگویان براساس نگرانی‌های اقتصادی زنان مطلقه را نشان می‌دهد. براساس داده‌های جدول و از مجموع پاسخ‌های "بسیارزیاد" و "زیاد" می‌توان درصد پاسخ‌های زنان را به‌دست آورد. بدین ترتیب ۷۲/۶٪ نگران وضعیت اقتصادی و مالی خود هستند. ۶۷/۴٪ نگران تأمین مسکن هستند و ۵۳/۳٪ نگران موقعیت شغلی خود هستند. ترکیب این سه گویه (میانگین گویه‌ها) متغیر نگرانی‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. میانگین این متغیر ۳/۷ است که نشان می‌دهد نگرانی‌های اقتصادی زنان از حد متوسط (۲/۵) بالاتر است.

جدول ۸) توزیع فراوانی نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق

مؤلفه ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	هرگز
نگرانی‌های اجتماعی	حرف مردم	فراوانی: ۵۵٪ درصد: ۳۶/۷٪	فراوانی: ۲۸٪ درصد: ۱۸/۷٪	فراوانی: ۱۷٪ درصد: ۱۱/۳٪	فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪
	موقعیت اجتماعی	فراوانی: ۵۹٪ درصد: ۳۹/۳٪	فراوانی: ۳۸٪ درصد: ۲۵/۳٪	فراوانی: ۲۵٪ درصد: ۱۶/۷٪	فراوانی: ۱۲٪ درصد: ۸٪
	تنهایی در آینده	فراوانی: ۵۹٪ درصد: ۳۹/۳٪	فراوانی: ۲۹٪ درصد: ۱۹/۳٪	فراوانی: ۱۹٪ درصد: ۱۲/۷٪	فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪
	عدم ازدواج مجدد	فراوانی: ۳۷٪ درصد: ۲۴/۷٪	فراوانی: ۱۵٪ درصد: ۱۰٪	فراوانی: ۲۰٪ درصد: ۱۳/۳٪	فراوانی: ۲۹٪ درصد: ۱۹/۳٪

وضعیت اقتصادی و مالی	فراوانی: ۶۸٪ درصد: ۴۵/۳٪	فراوانی: ۴۱٪ درصد: ۲۷/۳٪	فراوانی: ۱۲٪ درصد: ۸٪	فراوانی: ۱۷٪ درصد: ۱۱/۳٪	فراوانی: ۱۲٪ درصد: ۸٪
تأمین مسکن	فراوانی: ۷۰٪ درصد: ۴۶/۷٪	فراوانی: ۳۱٪ درصد: ۲۰/۷٪	فراوانی: ۲۳٪ درصد: ۱۵/۳٪	فراوانی: ۱۵٪ درصد: ۱۰٪	فراوانی: ۱۰٪ درصد: ۶/۷٪
پیدا کردن شغل و یا حفظ آن	فراوانی: ۵۳٪ درصد: ۳۵/۳٪	فراوانی: ۲۷٪ درصد: ۱۸٪	فراوانی: ۱۷٪ درصد: ۱۱/۳٪	فراوانی: ۲۱٪ درصد: ۱۴٪	فراوانی: ۱۹٪ درصد: ۱۲/۷٪

جدول های ۹ و ۱۰، مربوط به آزمون روابط بین متغیرهای پیش بین و ملاک است. متغیرهای پیش بین به دو دسته تقسیم می شوند و شامل پایگاه اجتماعی زنان و متغیرهای زمینه ای است. متغیرهای وابسته نیز عبارت از نگرانی های اجتماعی و نگرانی های اقتصادی است.

جدول ۹ آزمون همبستگی بین متغیرهای زمینه ای و متغیرهای وابسته را نشان می دهد. همان گونه که در این جدول مشاهده می شود، از بین متغیرهای زمینه ای، تنها متغیر سن زنان در هنگام طلاق رابطه ی معنی داری با نگرانی های اجتماعی زنان دارد و جهت رابطه، معکوس می باشد. ضرایب همبستگی در متغیرهای دیگر، معنی دار نیست. ضرایب همبستگی بین متغیرهای زمینه ای و نگرانی های اقتصادی زنان نشان می دهد که سن زنان در هنگام ازدواج و تعداد فرزندان آنها، رابطه ی معنی دار معکوسی با نگرانی های اقتصادی دارد و سن زنان در هنگام طلاق، رابطه ی معنی داری با متغیر مذکور ندارد. سطر بعدی جدول ۹، آزمون روابط بین تحصیلات پاسخ گویان و پدر و مادر آنها از یک سو و نگرانی های اقتصادی زنان را از سوی دیگر نشان می دهد که این رابطه سنجی، به وسیله ی آزمون همبستگی انجام شده است. نتایج نشان می دهد که تحصیلات زنان، رابطه ی معنی دار و معکوسی با نگرانی های اجتماعی آنها دارد، اما ضرایب مربوط به تحصیلات پدر و مادر معنی دار نیست. ضرایب همبستگی مربوط به نگرانی های اقتصادی زنان نشان می دهد که تحصیلات زنان و تحصیلات پدران آنها اثرات معکوس و معنی داری بر نگرانی های اقتصادی زنان دارد. در تمام روابط، ضرایب همبستگی کمتر از ۰/۲ بوده و بنابراین همبستگی ضعیفی بین آنها برقرار است.

جدول ۹) آزمون همبستگی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و پایگاه اجتماعی

نگرانی‌های اقتصادی		نگرانی‌های اجتماعی			
سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیرهای پیش بین	
۰/۰۳۸	-۰/۱۷۹	۰/۲۸۰	-۰/۰۹۱	سن زنان در هنگام ازدواج	متغیرهای زمینه‌ای
۰/۱۵۵	-۰/۱۲۳	۰/۰۲۱	-۰/۱۹۲	سن زنان در هنگام طلاق	
۰/۰۴۶	-۰/۱۶۵	۰/۹۹۸	۰/۰۰۰	تعداد فرزندان	
۰/۰۴۶	-۰/۱۶۵	۰/۰۴۵	-۰/۱۵۴	تحصیلات زن	پایگاه اجتماعی
۰/۰۲۹	-۰/۱۸۸	۰/۹۹۸	۰/۰۰۰	تحصیلات پدر	
۰/۰۶۳	-۱/۶۰	۰/۱۷۶	-۰/۱۱۳	تحصیلات مادر	

جدول ۱۰، آزمون تفاوت میانگین (T) بین وضعیت اشتغال زنان و نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان را نشان می‌دهد. مقایسه‌ی میانگین نگرانی‌های اجتماعی در زنان شاغل و بیکار نشان می‌دهد که نگرانی‌های اجتماعی زنان بیکار اندکی بیش از زنان شاغل است، اما این تفاوت معنی‌دار نیست. میانگین نگرانی‌های اقتصادی در بین زنان شاغل اندکی بیش از زنان بیکار است، اما این تفاوت نیز معنی‌دار نیست.

جدول ۱۰) آزمون تفاوت میانگین وضعیت شغلی زنان و نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی آنها

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی‌داری
نگرانی‌های اقتصادی	شاغل ۸۴	۳/۷۳۴	۱/۳۳۲	۰/۶۷۰
	بیکار ۴۷	۳/۷۰۲	۱/۲۹۹	
نگرانی‌های اجتماعی	شاغل ۸۴	۳/۳۰۴	۱/۲۲۱	۰/۲۳۰
	بیکار ۵۷	۳/۵۵۳	۱/۰۱۶	

جدول ۱۱، آزمون تحلیل واریانس مربوط به نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی و دریافت نفقه است. بر این اساس، نگرانی‌های اجتماعی در بین زنانی که نفقه‌ی خود را دریافت می‌کنند و زنانی که آن را بخشیده‌اند و یا از سوی همسر سابق پرداخت نمی‌شود، وجود ندارد. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که نحوه‌ی دریافت نفقه می‌تواند با نگرانی‌های

اقتصادی زنان مرتبط باشد که در اینجا تفاوت معنی‌داری وجود دارد. آزمون تعقیبی مربوط به تحلیل واریانس نشان داد که تفاوت نگرانی‌های اقتصادی در بین زنانی که نفقه را دریافت نموده‌اند و زنانی که آن را بخشیده‌اند و یا به‌دلایلی به آنها پرداخت نمی‌شود، معنی‌دار است، اما تفاوت نگرانی‌های اقتصادی بین زنانی که نفقه را بخشیده‌اند و یا آن را دریافت نمی‌کنند، معنی‌دار نیست.

جدول (۱) آزمون تحلیل واریانس بین متغیرهای وابسته و نحوه‌ی دریافت نفقه

سطح معنی‌داری	کمیت F	مجذور میانگین	مجموع مجذورات		
۰/۲۷۵	۱/۳۰۴	۱/۸۱۹	۳/۶۳۷	واریانس بین گروهی	نگرانی‌های اجتماعی
		۱/۳۹۵	۱۸۹/۷۲۵	واریانس درون گروهی	
۰/۰۳۲	۳/۵۵۳	۶/۰۹۹	۱۲/۱۹۷	واریانس بین گروهی	نگرانی‌های اقتصادی
		۱/۷۱۷	۲۱۴/۵۸۰	واریانس درون گروهی	

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق پدیده‌ای است که منجر به تغییرات سریع و شدیدی در وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد می‌گردد. از آنجا که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان هستند، در مواجهه با شرایط پس از طلاق و پیامدهای آن، مشکلات بیشتری تجربه می‌کنند و لذا شناخت وضعیت آنان می‌تواند به بهبود شرایط زندگی آنها کمک کند. هدف از این مطالعه بررسی دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پس از طلاق و عوامل مرتبط با آن بود و بدین منظور از روش آمیخته استفاده شد. در ابتدا با ۲۰ نفر از زنان مطلقه مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمد و درگام بعدی از خلال گفته‌های آنان، پرسشنامه‌ای تنظیم شد و بین ۱۵۰ نفر از زنان مطلقه پخش گردید.

یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داد که بیشترین ازدواج به ترتیب در گروه‌های

سنی ۱۹-۱۶ سال و ۲۴-۲۰ سال بوده و بیشترین طلاق در بازه‌ی سنی ۲۵ تا ۳۱ سال می‌باشد. بدین ترتیب درصد زیادی از پاسخ‌گویان پس از طلاق، هنوز در سنین جوانی بوده‌اند و توانایی ادامه تحصیل و یا فعالیت اقتصادی داشته‌اند. سهم بالای اشتغال در بین پاسخ‌گویان (۶۰٪)، نشان می‌دهد که شرایط زنان پس از طلاق، منجر به تلاش آنها برای ورود به بازار کار و انجام فعالیت اقتصادی شده است.

توزیع تعداد فرزندان نشان داد که اکثریت زنان، یعنی ۳۸/۷٪ فرزندی ندارند و بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های پس از طلاق که مربوط به وضعیت فرزندان است، در این زنان تجربه نشده است.

یافته‌های مربوط به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی طلاق حاکی از آن است که این دغدغه‌ها برای زنان جدی است و نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان بیش از حد متوسط می‌باشد. میانگین نگرانی‌های اقتصادی زنان، اندکی بیش از میانگین نگرانی‌های اجتماعی آنان است که نشان می‌دهد دغدغه‌های اقتصادی برای آنان، مهم‌تر می‌باشد. بررسی مؤلفه‌های نگرانی‌های اجتماعی نشان داد که بیشترین نگرانی مربوط به جایگاه آنان در جامعه است و ۶۴/۶٪ از زنان، نگران موقعیت اجتماعی خود هستند. به عبارتی، همان‌گونه که یوهانن استدلال می‌کند، زنان پس از جدایی از همسر و تجربه‌ی طلاق، در مراحل بعدی، طلاق اجتماعی را تجربه می‌کنند. هراس از آینده، دومین نگرانی اجتماعی زنان است و نشان می‌دهد که تلاش‌های آنان برای بهبود شرایط، آنچنان موفق نبوده است و به عبارت دیگر، امکانات و توانایی‌های آنان نمی‌تواند آینده‌ی روشنی برای آنها رقم بزند و آنها نگران تنهایی خود هستند. نگرانی از حرف مردم، سومین دغدغه‌ی زنان است و بیش از نیمی از زنان آن را تجربه می‌کنند. مطابق با نظریه‌ی برچسب‌زنی، زنان فشارهای اجتماعی زیادی را صرفاً به دلیل برچسب طلاق تحمل می‌کنند. کمترین نگرانی پاسخ‌گویان مربوط به ازدواج مجدد است. توزیع پاسخ‌های زنان در مورد مؤلفه‌های نگرانی اقتصادی، نشان می‌دهد که بیشترین نگرانی زنان به ترتیب در مورد وضعیت مالی، مسکن و موقعیت شغلی آنان است. سهم بالای نگرانی از وضعیت مالی (۷۲/۶٪)، نشان می‌دهد که تلاش‌های زنان برای بهبود شرایط اقتصادی

و حمایت‌های خانواده از آنان، منجر به کاهش دغدغه‌های اقتصادی زنان نشده است. سنجش رابطه بین نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی و متغیرهای پیش بین نشان داد که گرچه روابط برخی از متغیرهای پیش بین معنی‌دار نیست، تمام متغیرهای پیش بین رابطه‌ی معکوسی با دو متغیر مذکور دارند و به عبارتی، در راستای کاهش نگرانی‌های زنان عمل می‌کنند. سن زنان در هنگام ازدواج رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اجتماعی زنان ندارد، اما آزمون همبستگی این متغیر با نگرانی‌های اقتصادی، معنی‌دار بود و هرچه زنان در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند، نگرانی‌های اقتصادی آنان پس از طلاق کمتر است. آزمون همبستگی این متغیر به تفکیک مؤلفه‌های نگرانی‌های اقتصادی نشان می‌دهد که این متغیر رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی از وضعیت مسکن دارد و با دیگر متغیرها، رابطه‌ای ندارد. سن زنان در هنگام طلاق، رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اقتصادی آنان ندارد، اما زنانی که در سنین بالاتری از همسر خود جدا شده‌اند، نگرانی‌های اجتماعی کمتری دارند. آزمون همبستگی بین متغیر مذکور و مؤلفه‌های نگرانی‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که سن زنان در هنگام طلاق، رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی از حرف مردم و نگرانی از ناتوانی در ازدواج مجدد دارد و با دیگر مؤلفه‌ها، همبستگی معنی‌داری ندارد. به نظر می‌رسد طلاق در سنین پایین، فشار اجتماعی بیشتری دارد و زنانی که در سنین پایین‌تر از همسر خود جدا می‌شوند، بیش از زنانی که در سنین بالاتر جدا شده‌اند، نگران حرف مردم هستند. تعداد فرزندان نیز رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اجتماعی زنان ندارد، اما تأثیر کاهنده‌ی آن بر نگرانی‌های اقتصادی، معنی‌دار است.

یکی از متغیرهای پیش بین، پایگاه اجتماعی زنان بود که به کمک تحصیلات زنان و پدر و مادر آنها و نیز وضعیت اشتغال زنان سنجیده شد. تحصیلات زنان تأثیر کاهنده و معنی‌داری بر نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان دارد و این امر نشان می‌دهد که زنان با تحصیلات بالاتر، توانایی بیشتری در مهار نگرانی‌های خود دارند. تحصیلات پدر و مادر رابطه‌ی معنی‌داری با نگرانی‌های اجتماعی زنان ندارد، اما تأثیر کاهنده‌ی آن بر نگرانی‌های اقتصادی، معنی‌دار است. این موضوع نشان می‌دهد که خانواده بیش از آن که

قادر به کاهش نگرانی‌های اجتماعی زنان باشد، می‌تواند نگرانی‌های اقتصادی آنان را کاهش دهد. وضعیت اشتغال زنان تأثیر معنی‌داری بر نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان ندارد و این در حالی است که نگرانی‌های اقتصادی زنان شاغل و نگرانی‌های اجتماعی زنان بیکار، اندکی بیشتر است.

یافته‌ها نشان داد که ۹۴٪ از زنان، نفقه‌ای دریافت نمی‌کنند که رقم قابل توجهی است. نحوه‌ی دریافت نفقه با نگرانی‌های اقتصادی زنان مرتبط است و تفاوت معنی‌داری بین دریافت نفقه و عدم دریافت نفقه وجود دارد، اما ارتباط معنی‌داری بین دریافت نفقه و عدم دریافت نفقه با نگرانی‌های اجتماعی وجود ندارد. نتایج تحقیق با یافته‌های اخوان تفتی (۱۳۸۲)، صادقی فسایی و ایشاری (۱۳۹۱) و آقاجانیان و مقدس (Aghajanian & Moghadas: 1998) هم‌خوانی دارد.

در مجموع، متغیرهای مرتبط بر نگرانی‌های اجتماعی زنان، شامل تحصیلات و سن آنها در هنگام طلاق می‌شود. به عبارت دیگر، هیچ یک از متغیرهای مرتبط با خانواده‌ی آنها تأثیر معنی‌داری بر کاهش نگرانی‌های اجتماعی آنان نداشته است. از دیگر سو، نگرانی‌های اقتصادی زنان تحت تأثیر ویژگی‌های خانواده‌ی زنان است و تحصیلات پدر و مادر، تعداد فرزندان زنان و نحوه‌ی دریافت نفقه، رابطه‌ی معنی‌دار و کاهنده‌ای با نگرانی‌های اقتصادی آنان دارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت وجوه اجتماعی نگرانی‌ها، ابعاد عمیق‌تری دارد. ارزش‌ها، نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و کلیشه‌ها، وجوه اجتماعی-فرهنگی‌اند که بیشتر بعد ساختاری دارند و به همین خاطر به نظر می‌رسد برای کاهش نگرانی‌های اجتماعی زنان پس از جدایی از همسر، لازم است فرهنگ‌سازی صورت گیرد و نگرش جامعه به زنان مطلقه تغییر یابد.

منابع

- اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲). "پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن". فصلنامه مطالعات زنان، سال اول، ش ۳ (زمستان): ۱۲۷-۱۵۱.
- استراوس، آنسلم؛ کوربین، ژولیت (۱۳۹۰). فنون و تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران. تهران: پژوهاک جامعه.
- بیکر، ترزال (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: روشن.
- زارعی، فاطمه، و دیگران (۱۳۹۲). "طلاق از دیدگاه زن مطلقه: پژوهش کیفی". تحقیقات کیفی در علوم سلامت، دوره دوم، ش ۳ (پاییز): ۲۳۴-۲۴۷.
- سیف، سوسن (۱۳۷۸-۱۳۷۹). اصول مشاوره‌ی خانواده (جزوه درسی). تهران: دانشگاه الزهرا: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی [چاپ نشده].
- شرافتی‌پور، جعفر (۱۳۸۴). "بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۶). "مقایسه وضعیت بهداشت روانی نوجوانان طلاق و یتیم محروم از مادر و عادی سنین بین ۱۵ تا ۱۸ سال شهر اصفهان". فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، سال دوم، ش ۸ (تابستان): ۷۱-۹۸.
- شیخی، خالد، و دیگران (۱۳۹۰). "درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن: مطالعه‌ای کیفی". فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده (ویژه‌نامه خانواده و طلاق)، ش ۱ (تابستان): ۶۴-۷۷.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۱). "تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی". زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، ش ۳ (پاییز): ۵-۳۰.
- قره‌باغی، فاطمه (۱۳۸۹). "نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در

- نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک". پژوهش‌های روان‌شناختی، سال سوم، ش ۱ (تابستان): ۸۹-۱۰۸.
- قطبی، مرجان، و دیگران (۱۳۸۳). "وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد". فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۱۲ (بهار): ۲۷۳-۲۸۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۲). بررسی آسیب‌های اجتماعی روسپیگری. تهران: یادآوران.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۶). "توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه خانه‌دار در مناطق ۲۲ گانه تهران". فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴ (بهار): ۲۲۳-۲۴۰.
- والچاک، ایوت؛ برنز، شیلا (۱۳۶۶). طلاق / از دید فرزند. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- ویزه، اورزولا، و دیگران (۱۳۸۷). "بررسی مقایسه‌ای شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموران مقطع متوسطه بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده". فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، ش ۱۴ (تابستان): ۱۴۵-۱۶۵.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱). راهنمای عملی پژوهش‌های کیفی. تهران: سمت.
- یعقوبی، کژال؛ سهرابی، فرامرز؛ مفیدی، فرخنده (۱۳۹۰). "بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی". فصلنامه مطالعات روانشناختی، دوره هفتم، ش ۱ (بهار): ۹۷-۱۱۰.
- Aghajanian, Akbar; Moghaddas, Ali Asghar (1998). "Correlates and Consequences of Divorce in An Iranian City". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol. 28, Issue 3-4: 53-71.
- Clapp, Genevieve (1992). *Divorce and New Beginnings*. New York: Wiley.

-
- Gephart, R. P. (1988). *Ethnostatistics: Qualitative foundations for quantitative research*. Newbury Park: Sage.
 - Heik, Diefenbach; Opp, Karl-Dieter (2007). "When and why do people think there should be a divorce: An application of the factorial survey". *Rationality and Society*, Vol. 19, No.4: 485-517.
 - Kavas, Serap (2010). "Post- Divorce Experience Of Highly Educated And Professional Women". In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Doctor Of Philosophy In The Department Of Sociology. Middle East Technical University.
 - Molina, Olga (2000). "African American women's Unique Divorce Experiences". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol. 32, Issue 3-4: 93-99.
 - Tashakkori, A.; Teddli, C. (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*. Thousand Oaks: Sage.
 - Weiss, Robert S. (1975) *Marital Separation*. New York: Basic Books Inc.

وضعیت اعتیاد به اینترنت و نقش پیش‌بینی‌کننده آن در سلامت اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه بیرجند)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۰

هادی پورشافعی^۱

فاطمه نادری^۲

چکیده

استفاده از فناوری‌های نوین از جمله اینترنت را باید هم فرصت و نیز تهدید تلقی نمود. صرف نظر از فرصت‌های فراهم شده، این ابزار ارتباطی می‌تواند کارکردی سالم و یا این‌که سلامت روانی و جسمانی کاربران از جمله دانشجویان را با تهدید روبه‌رو سازد. هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت اعتیاد به اینترنت و نقش پیش‌بینی‌کننده آن در سلامت اجتماعی در دانشجویان دانشگاه بیرجند است. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه بیرجند مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ است که از میان آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، تعداد ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش، دو پرسشنامه استاندارد اعتیاد به اینترنت یانگ (IAT) (۱۹۹۶) و پرسشنامه سلامت اجتماعی کییز (۱۹۹۸) می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌وسیله آزمون آماری تی تک‌نمونه‌ای، واریانس یک‌طرفه، همبستگی، تی مستقل و رگرسیون در سطح معنادار $P \leq 0.05$ بررسی شدند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان رابطه معنادار منفی وجود دارد و از زیرمقیاس‌های سلامت اجتماعی، زیرمقیاس‌های پذیرش اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی و انطباق اجتماعی با استفاده از اینترنت، رابطه معناداری در جهت معکوس نشان دادند. همچنین بین اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی دختران و پسران، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج می‌توان گفت اعتیاد به اینترنت، قادر به پیش‌بینی سلامت اجتماعی دانشجویان

می‌باشد. هم‌چنین می‌توان گفت پدیده اعتیاد به اینترنت یک معضل برای سلامتی است که گریبان‌گیر افراد جامعه شده است، لذا مسؤولین دانشگاه باید در امر سلامت دانشجویان مخصوصاً سلامت اجتماعی آنان تلاش کرده و در زمینه فرهنگ‌سازی مناسب و آموزش صحیح استفاده از اینترنت و شبکه‌ها برنامه‌ریزی کنند.

واژگان کلیدی: اعتیاد به اینترنت، سلامت اجتماعی، دانشجویان

مقدمه

سلامت، بنیادی‌ترین عنوانی است که حیات انسان به آن استوار است. آرامش و سلامت، به‌عنوان مفهومی اساسی در زندگی انسان از بدو پیدایش بشر و در قرون متمادی مطرح بوده است (هزارجریبی و ارفعی عین‌الدین، ۱۳۹۱: ۲). اما هرگاه سخن از سلامت به میان آمده است، بیشتر به ابعاد جسمانی و روانی پرداخته‌اند و کمتر به بعد اجتماعی پرداخته شده است (W.H.O. ¹, 2008: 12). سلامت اجتماعی با محور قرار دادن فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. سلامتی فقط عاری بودن از بیماری‌های جسمی و روانی نیست، بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی از اجتماع نیز به‌عنوان معیارهای ارزیابی سلامت فرد و در سطح کلان جامعه به‌شمار می‌رود (Keyes & Shapiro, 2004: 352). تعالی جامعه در گرو تندرستی آن جامعه و شناسایی عوامل تعیین‌کننده و مرتبط با آن در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطوح جامعه اعم از خرد و کلان از مسائل اساسی هر کشوری است (مروندی، ۱۳۷۹: ۲۰). سلامت اجتماعی، «ارزش‌گذاری شرایط یک فرد و کارایی او در جامعه است» - که این بازتابی از سلامت اجتماعی مثبت می‌باشد - تعریف شده است. این تعریف نشانگر این حقیقت است که سلامت اجتماعی بازتاب درک افراد از تجربیات‌شان در محیط اجتماعی است (Keyes, 1998: 3).

سلامت اجتماعی به‌نوعی به بهداشت روانی، فردی و اجتماعی گفته می‌شود که در صورت تحقق آن، شهروندان دارای انگیزه و روحیه شاد بوده و در نهایت، جامعه شاداب

و سلامت خواهد بود. در واقع، زندگی سالم محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب‌های فردی از یک سو و محیط اجتماعی و اقتصادی احاطه کننده افراد از سوی دیگر است. (Lareson, 1993: 258) داشتن تفکرات اجتماعی صحیح و برخورداری فرد از ذهنیت مثبت نسبت به جامعه برای داشتن زندگی اجتماعی بهتر، اولین و مهم‌ترین مرحله از سلامت اجتماعی است که متأسفانه توجه کافی به آن در جامعه نمی‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۲).

سلامت اجتماعی در واقع همان ارزیابی شرایط و کار فرد در جامعه است. برخی از چالش‌های اجتماعی، ابعاد مختلف سلامت اجتماعی را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و چسبندگی اجتماعی (Raymond & Wedding, 2004: 105). لارسون (Lareson, 1993: 285) سلامت اجتماعی را استنباط فرد از کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی عضوی از آنهاست، تعریف می‌کند و معتقد است که مقیاس سلامت اجتماعی بخشی از سلامت و پاسخ‌های درونی فرد (احساس، تفکر و رفتار) را می‌سنجد که نشانگر رضایت یا فقدان رضایت فرد از زندگی و محیط اجتماعی‌اش است.

کییز (Keyes, 1998) پنج ملاک پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انطباق اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انسجام اجتماعی را برای سلامت اجتماعی بر می‌شمرد. در پژوهش حاضر نیز این پنج ملاک برای ارزیابی سلامت اجتماعی کاربران مورد استفاده قرار گرفته است که عبارتند از:

۱- **یکپارچگی (انسجام) اجتماعی:** منظور از یکپارچگی اجتماعی، ارزیابی یک فرد با در نظر گرفتن کیفیت همراهی او با جامعه اطرافش است که در این جا احساس تعلق می‌تواند جنبه‌ای محوری از سلامت باشد (Ryff, Ronal & Kessler, 2003: 76). لذا یکپارچگی با دیگران در محیط و جامعه اطراف می‌بایست حاصل یک تجربه مشترک باشد (Keyes & Shapiro, 2004: 123). افراد سالم احساس می‌کنند که جزئی از جامعه‌اند، لذا یکپارچگی اجتماعی میان احساس

اشتراک فرد با دیگری است که واقعیت اجتماعی او را می‌سازند و به جامعه خود تعلق دارند (Keyes, 1998: 123).

۲- **مشارکت اجتماعی:** عبارت است از ارزیابی ارزش اجتماعی که فرد دارد و این که آیا فرد جزئی مهم از جامعه است و چه ارزشی را به جهان خود اضافه می‌کند. مشارکت اجتماعی با مفاهیم بازدهی مسئولیت‌پذیری، شباهت دارد. بازدهی فردی به این معنا است که عقیده داشته باشیم می‌توانیم رفتار خاصی را از خود نشان دهیم و به اهداف ویژه‌ای برسیم. کیز و شپیرو (Keyes & Shapiro, 2004: 5) معتقد است که مشارکت اجتماعی، با مفهوم سودمندی فردی که باندورا (Bandura, 1977) مطرح می‌کند، همپوشانی دارد و نیز می‌تواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود.

۳- **پذیرش اجتماعی:** شامل پذیرش تکثر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها است که باعث می‌شود فرد در کنار دیگران احساس آرامش داشته باشد (Keyes & Shapiro, 2004: 123). افرادی که نگرش مثبتی به شخصیت خود دارند و جنبه‌های خوب و بد زندگی را توأمان می‌پذیرند، نمونه‌هایی از سلامت روانی و اجتماعی هستند (Ryff, Ronal & Kessler, 2003: 76). منظور از پذیرش اجتماعی، درک فرد از جامعه با توجه به خصوصیات سایر افراد است (Keyes, 1998: 140).

۴- **انطباق اجتماعی:** درک فرد از کیفیت جهان اجتماعی خود و شیوه سازماندهی و عملکرد آن است (همانجا). انطباق اجتماعی شامل دیدگاه‌هایی در این باره است که جامعه قابل سنجش و قابل پیش‌بینی است. از حیث روان‌شناختی، افراد سالم زندگی شخصی خود را با معنا و منسجم می‌بینند (Ryff, Ronal & Kessler, 2003: 76). افرادی که سالم‌ترند به ماهیت دنیای اجتماعی خود علاقه‌مندند و می‌توانند شیوه عملکرد آن را درک کنند (Keyes, 1998: 7).

۵- **شکوفایی اجتماعی:** شامل درک افراد از این است که آنها از رشد اجتماعی سود خواهند برد و این که نهادها و افراد در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند که این

خود نوید توسعه بهینه را می‌دهد، هرچند این امر برای همه افراد درست نیست (Keyes & Shapiro, 2004: 123).

شواهد حاکی از آن است که انسان‌هایی که بیشتر جذب اجتماع خود می‌شوند، یا با آن یگانگی می‌یابند، از عمر طولانی‌تری برخوردارند و به هنگام بیماری، در نتیجه‌ی حمایت‌هایی که از آن برخوردار می‌شوند، زودتر بهبود می‌یابند، لذا برخورداری از مهارت‌های اجتماعی، کیفیت ایفای نقش‌های اجتماعی و هویت در این‌جا اهمیت می‌یابد (ویلنکسون و مارموت، ۱۳۸۳: ۳۷).

متغیرهای سلامت اجتماعی با توجه به خصوصاتی که دارند می‌توانند با عضویت و استفاده از ابزارهای الکترونیکی، اینترنت و ... تحت تأثیر قرار بگیرند (برات دستجردی، داورپناه و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). یکی از آسیب‌های فردی و تا حدودی اجتماعی می‌تواند اعتیاد به اینترنت و یا استفاده بیش از حد از آن باشد که گاهی از این بیماری تحت عنوان اعتیاد مجازی و یا اختلال اعتیاد به اینترنت نام برده می‌شود (بحری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۷). اختلال اعتیاد به اینترنت یک پدیده بین‌رشته‌ای است و علوم مختلف پزشکی، رایانه‌ای، جامعه‌شناسی، حقوق، اخلاق و روانشناسی هر یک از زوایای مختلف این پدیده را بررسی کرده‌اند (جعفری ندوشن و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷). اعتیاد به اینترنت به‌عنوان یک اختلال روان‌شناختی در علم روانشناسی و پزشکی مطرح است، به‌طوری که متخصصان بالینی مواردی از این اختلال را در مراکز درمانی خود گزارش می‌کنند (Wang, 2001: 923). اینترنت به خودی خود ابزاری ضروری است، اما استفاده بیش از حد و نادرست از آن خطر اعتیاد به اینترنت را در پی دارد که این پدیده، مشکل عمده‌ای برای سلامت روانی جامعه ایجاد کرده است. با این وجود تحقیقات ضد و نقیضی در زمینه اثرات اینترنت بر کاربران وجود دارد (ناستی‌زایی، ۱۳۸۸: ۵۷). دیل (Dell, 2001: 22) معتقد است اینترنت مانند فناوری‌های دیگر که سبب تبدیلی‌های جسمی می‌شوند، کم‌حرکی را تقویت نموده و تلاش برای برقراری روابط با دیگران را در دنیای واقعی کاهش می‌دهد و در نتیجه، می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی گردد. اعتیاد به اینترنت شکلی از اختلال است که به‌عنوان شکل جدیدی از اعتیاد در

سال‌های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (Wang, 2001: 22). یانگ (Yung, 1996: 240) اولین فردی بود که استفاده مشکل‌ساز و افراطی از اینترنت را تحت عنوان اعتیاد به اینترنت معرفی کرد. از نظر او اعتیاد به اینترنت اصطلاح گسترده‌ای است که گستره وسیعی از رفتارها و مشکلات را در بر می‌گیرد (park, Kim & Cho, 2008: 897) دیگر محققان استفاده مفرط از اینترنت را به شکل سندرمی از اشتغال ذهنی شدید با اینترنت (Caplan, Williams & Yee, 2009: 1314)، صرف وقت فراوان برای برخط بودن و استفاده وسواس‌گونه از اینترنت (Caplan, 2005: 723)، مشکل در مدیریت زمان و احساس بی‌حوصلگی در خارج از اینترنت (Kraut, et al., 1998) و احساس شدید تنهایی و افسردگی (Li & Zhang, 2004: 663) تعریف کرده‌اند.

اعتیاد به اینترنت با عباراتی نظیر اختلال ناشی از استفاده بیش از حد از اینترنت، یا استفاده نامعقول و بیمارگونه از اینترنت تعریف می‌گردد. گاهی از این بیماری با عنوان اختلال اعتیاد به اینترنت، یا اعتیاد مجازی نیز نام برده می‌شود. اعتیاد به اینترنت شامل اعتیاد به اتاق‌های گفتگو، هرزه‌نگاری و قمار برخط است که می‌تواند منجر به تخریب سلامت عمومی، احساسات و در نهایت، روح و روان افراد گردد (فلاح مهنه، ۱۳۸۶: ۲۷). توجه به وضعیت سلامت جسمی و روانی، اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه و فراهم آوردن زمینه لازم برای تحقق یک زندگی پویا و سالم، ضامن سلامتی آن جامعه برای سال‌های آینده می‌باشد. برای دستیابی به چنین هدف ارزشمندی، پیشگیری از بروز اختلالات جسمانی و اجتماعی امری لازم و اساسی می‌باشد. این اختلالات علاوه بر اثرات نامطلوب شخصی در جوانان، مشکلات اجتماعی عدیده‌ای را برای جوامع در برخواهند داشت (Keyes & Shapiro, 2004: 123). محققان بر این باورند که امروزه موضوع شیوع اعتیاد به اینترنت در جوانان، می‌تواند به منزله بحرانی جدی در زندگی فردی و اجتماعی آنان مورد بحث قرار گیرد. در این ارتباط بیان شده است که محیط‌های آموزشی نظیر دبیرستان و دانشگاه‌ها محل مناسبی برای اعتیاد به اینترنت هستند (ویزش‌فر، ۱۳۸۳: ۱۰، نقل در حسینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸۳).

در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان تنیدگی‌های دوره تحصیلی، تضادهای قومی و فرهنگی، تبعیض سیاسی، عقیدتی و نژادی وجود دارد و در کشور ما نیز گاهگاهی این موارد به صورت حاد درآمده و بر جنبه‌های مختلف زندگی دانشجویان اثر گذاشته و سلامتی این قشر را به خطر می‌اندازد (باباپور خیرالدین، طوسی و حکمتی، ۱۳۸۸: ۱۰). با توجه به مطالعات صورت گرفته، پژوهش‌های بسیاری، رابطه‌ی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت بر جنبه‌هایی چون سلامت روان، سلامت عمومی، افسردگی و اضطراب را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این جا به برخی از این پژوهش‌ها که تأثیر و نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را در جنبه‌های دیگر بررسی کرده‌اند، اشاره می‌شود.

حسینی و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی وضعیت سلامت روان و ارتباط آن با اعتیاد به اینترنت پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافتند که بین اعتیاد به اینترنت با سلامت روان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. فرهادی‌نیا و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و سلامت عمومی دانشجویان پرداختند. یافته‌ها نشان داد بین نمرات اعتیاد به اینترنت با نمرات سلامت عمومی و مؤلفه‌های آن، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. شهابی‌راد و میردریکوند (۱۳۹۳) در پژوهشی به رابطه اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سلامت روان و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان پرداختند. یافته‌ها نشان داد اعتیاد به اینترنت با افسردگی رابطه مثبت و با سلامت روان رابطه منفی داشت، اما از نظر جنسیت و وضعیت تأهل، از نظر اعتیاد به اینترنت تفاوت معناداری مشاهده نشد. حال آن‌که میزان اعتیاد به اینترنت در دانشجویان غیربومی بیشتر از دانشجویان بومی بود.

با توجه به اهمیت و لزوم تأمین سلامت اجتماعی افراد جامعه، خصوصاً نسل جوان (دانشجویان) در کنار سایر ابعاد سلامت، بررسی رابطه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر سلامت اجتماعی، موضوعی مهم و قابل توجه می‌باشد که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. با مرور پژوهش‌های انجام شده مشخص شد که تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی رابطه استفاده از اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان

انجام نشده است و تنها یک پژوهش به بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی فیس‌بوک^۱ و سلامت اجتماعی توسط برات‌دستجردی، داورپناه و اسماعیلی (۱۳۹۵) در این زمینه صورت گرفته است و به این نتایج دست یافتند که بین استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک و سلامت اجتماعی دانشجویان، رابطه معنادار معکوس وجود دارد. هم‌چنین از بین زیرمقیاس‌های سلامت اجتماعی، زیرمقیاس‌های انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی و شکوفایی اجتماعی، رابطه منفی معناداری با استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک داشتند و تنها زیرمقیاس مشارکت اجتماعی، رابطه مثبت معناداری با استفاده از شبکه فیس‌بوک داشته است. لذا با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده و نقش محوری اینترنت در ایجاد تغییراتی در مؤلفه‌های سلامت اجتماعی، مسأله اصلی در پژوهش حاضر آن است که به بررسی رابطه اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه بیرجند بپردازد. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش برای پاسخ‌گویی به یک سؤال و چهار فرضیه برآمده و آنها را مورد آزمون قرار داده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه بیرجند است که حدود ۱۲۰۰۰ نفر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده‌اند که از بین آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، تعداد ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری برابر جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. نحوه نمونه‌گیری به این صورت بود که ابتدا تعداد دانشجویان در دانشکده‌های مختلف اعم از ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی و روانشناسی، علوم پایه، کشاورزی، آمار، مهندسی، برق و کامپیوتر، منابع طبیعی و زیست محیطی، تربیت‌بدنی و علوم ورزشی و ریاضی و آمار در نظر گرفته شده و از بین این دانشکده‌ها، دانشجویانی که نیمی از تحصیل خود را گذرانده بودند، به‌صورت تصادفی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پرسشنامه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (Yung, 1996) یک پرسشنامه استاندارد می‌باشد. این مقیاس مشتمل بر ۲۰ عبارت است و با استفاده از مقیاس درجه‌بندی لیکرت به صورت همیشه (نمره ۵)، بیشتر اوقات (نمره ۴)، اغلب (نمره ۳)، گاهی اوقات (نمره ۲) و بندرت (نمره ۱) دسته‌بندی شده است. دامنه نمرات این آزمون از ۱۰۰-۰ می‌باشد. در این پرسشنامه، هر چه نمره فرد بیشتر باشد، وابستگی و اعتیاد به اینترنت بیشتر است. میزان اعتیاد بر اساس نمرات به سه طبقه اعتیاد خفیف (نمرات ۳۹-۲۰)، اعتیاد متوسط (نمرات ۶۹-۴۰) و اعتیاد شدید (نمرات ۱۰۰-۷۰) تقسیم‌بندی می‌شود. نسخه فارسی این مقیاس در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته است. روایی صوری و محتوایی و پایایی آن در مطالعات قبلی با آلفای ۰/۹۰ گزارش شده است (شهابی‌راد و میردیریکوند، ۱۳۹۳؛ رحمتی و کرامتی، ۱۳۹۵). ناستی‌زایی (۱۳۸۸) پایایی آن را با آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و قاسم‌زاده، شهرآرای و مرادی (۱۳۸۶) با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ تأیید کردند. در این مطالعه پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد. این پرسشنامه استاندارد است و روایی آن در مطالعات بحری و دیگران (۱۳۹۰) تأیید و گزارش شده است.

برای سنجش سلامت اجتماعی از پرسشنامه سلامت اجتماعی کییز و شیپرو (Keyes & Shapiro, 2004: 123) استفاده شد که اصل این پرسشنامه ۳۳ گویه بوده و ۵ زیرمقیاس یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما باید متذکر شد که در این پژوهش، تنها از ۲۰ گویه این پرسشنامه استفاده شده است. باباپور خیرالدین، طوسی و حکمتی (۱۳۸۸: ۱۳) برای بررسی پایایی این ابزار از همسانی درونی استفاده و گزارش کردند که آلفای به دست آمده برای کل مقیاس ۰/۷۸ است و برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب عبارت بود از ۰/۷۴ مشارکت اجتماعی، ۰/۷۴ پذیرش اجتماعی، ۰/۷۱ همبستگی اجتماعی، ۰/۷۰ شکوفایی اجتماعی و ۰/۷۷ برای انسجام اجتماعی که نشان می‌دهد این ابزار از پایایی مطلوبی برخوردار است. هم‌چنین روایی محتوایی این پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفته است. اهری

(۱۳۹۲) پایایی آن را بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ گزارش کرده است. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع مقیاس لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه به صورت کاملاً مخالفم (نمره ۱)، مخالفم (نمره ۲)، نظری ندارم (نمره ۳)، موافقم (نمره ۴) و کاملاً موافقم (نمره ۵) می‌باشد. شیوه نمره‌گذاری در مورد سؤالات شماره ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ معکوس می‌باشد. زیرمقیاس‌ها، بعد شکوفایی اجتماعی (سؤالات ۱ تا ۴)، انطباق اجتماعی (سؤالات ۵ تا ۷)، یکپارچگی اجتماعی (سؤالات ۸ تا ۱۰)، پذیرش اجتماعی (سؤالات ۱۱ تا ۱۵) و مشارکت اجتماعی (سؤالات ۱۶ تا ۲۰) را می‌سنجند. در این مطالعه، پایایی مقیاس سلامت اجتماعی با آلفای کرونباخ ۰/۷۰ و زیرمقیاس‌های شکوفایی اجتماعی ۰/۷۰، انطباق اجتماعی ۰/۶۸، یکپارچگی اجتماعی ۰/۸۴، پذیرش اجتماعی ۰/۶۷ و مشارکت اجتماعی ۰/۶۹ به دست آمد.

یافته‌ها

در این پژوهش ابتدا یافته‌های توصیفی پژوهش و سپس یافته‌های استنباطی ارائه می‌شود. یافته‌های توصیفی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱) توزیع فراوانی نمونه به تفکیک سن و مقطع تحصیلی

متغیر	فراوانی	درصد
جنس	پسر	۴۸/۶۶
	دختر	۵۱/۳۳
سن	۱۸-۲۰	۲۰
	۲۱-۲۳	۳۰
	۲۴-۲۶	۳۳/۳۳
	۲۷ به بالا	۱۶/۶۶

مقطع تحصیلی	کارشناسی	۱۴۵	۴۸/۳۳
	کارشناسی ارشد	۱۰۷	۳۵/۶۶
	دکتری	۴۸	۱۶

جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی (دموگرافیک) گروه نمونه (جنس، سن و مقطع تحصیلی) را نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها نشان داد که بیشترین گروه سنی استفاده کننده از اینترنت بین گروه سنی ۲۱ تا ۲۶ با ۷۴٪ بوده است. از لحاظ جنسیت نیز دانشجویان پسر با ۶۲٪ بیشتر از دانشجویان دختر از اینترنت استفاده می‌کردند.

در جدول ۲ اطلاعات توصیفی در مورد متغیر سلامت اجتماعی و زیرمقیاس‌های آن آورده شده است.

جدول ۲) میانگین و انحراف معیار سلامت اجتماعی و زیرمقیاس‌های آن

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
سلامت اجتماعی	۹۰/۳۸	۷/۷۳
شکوفایی اجتماعی	۲۱/۲۲	۲/۵۵
انطباق اجتماعی	۱۸/۲۳	۲/۰۵
یکپارچگی اجتماعی	۱۸/۴۶	۲/۶۰
پذیرش اجتماعی	۱۹/۳۲	۲/۹۰
مشارکت اجتماعی	۱۷/۸۶	۲/۴۶

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین سلامت اجتماعی در کاربران ۹۰/۳۸ می‌باشد که نشان دهنده نمره متوسط به بالا در سلامت اجتماعی کاربران بوده است. از میان زیرمقیاس‌های سلامت اجتماعی، مقیاس شکوفایی اجتماعی با میانگین ۲۱/۲۲، بالاترین نمره و مقیاس مشارکت اجتماعی با میانگین ۱۷/۸۶، کم‌ترین نمره را نشان دادند.

نتایج سؤال پژوهش: اعتیاد به اینترنت در بین دانشجویان در چه وضعیتی است؟ از ۳۰۰ نفر مورد مطالعه، ۳۷ نفر (۰/۱۲) اعتیاد شدید، ۶۸ نفر (۰/۲۳) اعتیاد خفیف و

۱۹۵ نفر (۰/۶۵) عدم اعتیاد داشتند. بررسی وضعیت اعتیاد به اینترنت در این پژوهش نشان داد که هر سه گروه (اعتیاد شدید، اعتیاد خفیف و عدم اعتیاد) وجود داشت. برای بررسی وضعیت اعتیاد به اینترنت دانشجویان از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد و نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳) مقایسه نمره اعتیاد به اینترنت در گروه نمونه با نمره معیار

حد بالا	حد پایین	t	سطح معناداری
۱/۴۴	۱/۱۹	۲۱/۰۴	$p < ۰/۰۰۱$

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری بین میانگین ادعا شده برای جامعه (با نمره فرضی ۳) و میانگین داده‌ها در آزمون اعتیاد به اینترنت برای دانشجویان وجود دارد.

نتایج فرضیه اول: بین اعتیاد به اینترنت در مقاطع تحصیلی دانشجویان تفاوت وجود دارد. میانگین نمرات آزمون اعتیاد به اینترنت در کل ۳۳/۹۱ بود که در بین دانشجویان دوره کارشناسی با ۳۳/۰۳ کمترین میانگین و در بین دانشجویان کارشناسی ارشد با ۳۸/۵۶ بیشترین میانگین بود. پس از آزمون نرمال بودن توزیع نمرات، ابتدا با آزمون F برای واریانس‌ها مورد تأیید قرار گرفت ($F = ۴/۶۳$ و $P = ۰/۰۱$)، سپس از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای سنجش تفاوت سه گروه استفاده شد. نتایج این فرضیه در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴) نتایج تحلیل واریانس جهت بررسی معناداری مقاطع تحصیلی

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۳۹۰/۳۹۰	۲	۱۹۵/۱۹۵	۱/۷۰۳	۰/۱۹۵
درون گروه‌ها	۴۴۷۰/۰۶۲	۳۹	۱۱۴/۶۱۷		
کل	۴۸۶/۲۵۴	۴۱			

جدول ۴ نشان داد، نمرات اعتیاد به اینترنت بین مقاطع تحصیلی دکتری با کارشناسی ارشد و کارشناسی ارشد با کارشناسی، تفاوت معنی‌داری نداشت.

نتایج فرضیه دوم: بین اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی و زیرمقیاس‌های آن در دانشجویان، رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی و زیرمقیاس‌های آن، از روش همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵) آزمون همبستگی اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی و زیرمقیاس‌های آن در دانشجویان

مؤلفه‌ها	شاخص ضریب همبستگی	سطح معناداری
سلامت اجتماعی	$-0/223^{**}$	$0/000$
شکوفایی اجتماعی	$0/289$	$0/016$
انطباق اجتماعی	$0/321^{**}$	$0/001$
یکپارچگی اجتماعی	$0/215^*$	$0/002$
پذیرش اجتماعی	$0/342^*$	$0/000$
مشارکت اجتماعی	$0/254$	$0/012$

$p < 0/01^{**}$ $p < 0/05^*$

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد ($r = 0/223$ و $p = 0/001$)، ولی این رابطه در جهت معکوس می‌باشد. بدین معنا که با افزایش اعتیاد به اینترنت، سلامت اجتماعی دانشجویان کاهش می‌یابد و همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اعتیاد به اینترنت و زیرمقیاس‌های سلامت اجتماعی دانشجویان وجود دارد. از میان زیرمقیاس‌های سلامت اجتماعی، انطباق اجتماعی، پذیرش اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی، رابطه‌ی معکوس با استفاده از اعتیاد به اینترنت دارند، بدین معنا که با افزایش اعتیاد به اینترنت این زیرمقیاس‌ها کاهش می‌یابند ولی در زیرمقیاس‌های شکوفایی اجتماعی و مشارکت اجتماعی، رابطه معنادار مثبتی با اعتیاد به اینترنت مشاهده شد، یعنی اعتیاد به اینترنت میزان شکوفایی اجتماعی و مشارکت اجتماعی را نیز افزایش می‌یابد.

نتایج فرضیه سوم: اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری دارد.

به منظور بررسی تفاوت نمره سلامت اجتماعی و اعتیاد به اینترنت دانشجویان بر حسب جنس، از آزمون t مستقل استفاده شد و نتایج آن در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶) نتایج تفاوت نمره سلامت اجتماعی و اعتیاد به اینترنت بر حسب جنس

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	معناداری
اعتیاد به اینترنت	دختر	۱۵۴	۳۲/۶۵	۳/۳۲		
	پسر	۱۴۶	۳۹/۳۳	۴/۴۲	۳/۰۴	۰/۰۰۱
سلامت اجتماعی	دختر	۱۵۴	۵۹/۴۳	۱۴/۷		
	پسر	۱۴۶	۵۲/۳۳	۲۲/۶	۲/۰۷	۰/۴۲

نتایج داده‌ها در جدول ۶ نشان داد که بین نمره اعتیاد به اینترنت در دو گروه دختر و پسر تفاوت معناداری وجود داشت ($p= ۰/۰۰۱$)، به‌طوری که میانگین نمره اعتیاد به اینترنت در پسرها (۳۹/۳۳) بیشتر از میانگین در دخترها (۳۲/۶۵) به‌دست آمد. هم‌چنین نتایج آزمون t نشان داد بین نمره سلامت اجتماعی در دو گروه دختر و پسر تفاوت معناداری وجود نداشت ($p= ۰/۴۲$).

نتایج فرضیه چهارم: سلامت اجتماعی، نقش تعیین کننده در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت دارد.

به منظور آزمون فرضیه چهارم از روش رگرسیون خطی ساده استفاده شد. مشخصه‌های آماری رگرسیون بین نمره اعتیاد به اینترنت با سلامت اجتماعی، در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷) نتایج تحلیل رگرسیون اعتیاد به اینترنت در پیش‌بینی سلامت اجتماعی

متغیر	R	R^2	مجذور R تنظیم شده	β	F	sig
اعتیاد به اینترنت	۰/۵۸	۰/۳۹	۰/۳۸	-۰/۵۷	۵۵/۴۸	۰/۰۰۱

همان‌طور که اشاره شد پرسشنامه سلامت اجتماعی دارای پنج زیرمقیاس یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی

است که در مجموع نتایج نشان داد که متغیر اعتیاد به اینترنت، قادر به پیش بینی متغیر سلامت اجتماعی است. به عبارتی، نتایج جدول ۷ نشان داد که اعتیاد به اینترنت قادر به پیش بینی سلامت اجتماعی در دانشجویان می باشد.

($p < 0.01$, $R = 0.58$, $R^2 = 0.39$, $\beta = -0.57$)

بحث و نتیجه گیری

سلامت اجتماعی یکی از حوزه هایی می باشد که به نظر می رسد با ورود اینترنت و دنیای فناوری در آن، دستخوش تغییراتی شده باشد (Saha, 2009: 45). سلامت شامل حوزه های بسیار زیادی از جمله روانی، جسمانی و اجتماعی می باشد (انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴: ۱۰۸). بنابراین هدف از پژوهش حاضر، بررسی وضعیت سلامت اجتماعی و نقش پیش بینی کننده آن در اعتیاد به اینترنت دانشجویان دانشگاه بیرجند است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده ها نشان داد که بیشترین گروه سنی که به اینترنت وابستگی بیشتری دارند، در رده سنی ۲۱ تا ۲۶ سال بودند. میانگین کلی سلامت اجتماعی نیز در حد متوسط به بالا بود و از میان زیرمقیاس های سلامت اجتماعی، مقیاس شکوفایی اجتماعی با میانگین ۲۱/۲۲ بالاترین نمره و مقیاس مشارکت اجتماعی با میانگین ۱۷/۸۶ کمترین نمره را نشان دادند.

نتایج سؤال پژوهش نشان داد که سه گروه اعتیاد شدید، اعتیاد خفیف و عدم اعتیاد به اینترنت در دانشجویان وجود دارد. این یافته ها با مطالعات قاسم زاده، شهرآرای و مرادی (۱۳۸۶)، شهابی راد و میردریگوند (۱۳۹۳)، ناستی زایی (۱۳۸۸) و حسینی بهشتیان (۱۳۹۱) ناهمسو می باشد. در مطالعه ایکس کوبین و دیگران (Xiuqin, et al., 2010: 403) که بر روی دانش آموزان راهنمایی انجام گرفت، آمار متفاوتی ارائه شد و میزان کاربران معمولی اینترنت ۰/۸۹/۲، کاربران در معرض اعتیاد به اینترنت ۰/۱۰/۲ و معتادان اینترنتی ۰/۰۶٪ گزارش گردید. این آمار با مطالعه حاضر بسیار متفاوت می باشد و علت آن را می توان به اختلاف جمعیت های مورد مطالعه نسبت داد. در مورد آمار شیوع اعتیاد به اینترنت در جوامع مختلف، آمار بسیار متفاوتی ارائه شده است، اما به طور متوسط نسبت معتادان اینترنتی

حدود ۲ تا ۵ میلیون در ازای هر ۵۰ میلیون کاربر عادی اینترنتی است. به عبارت دیگر، تقریباً ۵٪ تا ۱۰٪ از کاربران اینترنت، دچار مشکل اعتیاد اینترنتی هستند (جعفری ندوشن و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۹).

نتایج فرضیه اول نشان داد، میانگین نمرات آزمون اعتیاد به اینترنت در کل ۳۳/۹۱ بود که در بین دانشجویان دوره کارشناسی با ۳۳/۰۳ کمترین میانگین و در بین دانشجویان کارشناسی ارشد با ۳۸/۵۶ بیشترین میانگین بود و نمرات اعتیاد به اینترنت بین مقاطع تحصیلی دکتری با کارشناسی ارشد و کارشناسی ارشد با کارشناسی، تفاوت معنی‌داری نداشت. نتایج این یافته‌ها با مطالعات فرهادی‌نیا و دیگران (۱۳۹۴) ناهمسو می‌باشد.

نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد که بین میزان اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد که البته این رابطه در جهت معکوس بود. بدین معنا که با افزایش میزان اعتیاد به اینترنت، سلامت اجتماعی دانشجویان کاهش می‌یابد. همان‌طور که در قسمت پیشینه پژوهش بیان شد، تاکنون پژوهشی به بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان انجام نشده است و پژوهش‌های پیشین به ابعاد دیگری از سلامت از جمله سلامت روحی، روانی بیشتر توجه کرده‌اند و تنها یک پژوهش به بررسی شبکه اجتماعی فیس‌بوک با سلامت اجتماعی پرداخته است، لذا در بررسی همسویی یا عدم همسویی از تحقیقاتی که به یکی از این متغیرها توجه داشته‌اند، استفاده می‌شود. نتیجه فرضیه اول پژوهش با تحقیقات برات دستجردی، داورپناه و اسماعیلی (۱۳۹۵)، حسینی و دیگران (۱۳۹۴)، ناستی‌زایی (۱۳۸۸)، ایکس‌کوپین و دیگران (Xiuqin, et al., 2010) چونگ و وانگ (Cheung & Wong, 2011)، عسگری و مرعشیان (۱۳۸۷)، لی و ژانگ (Li & Zhang, 2004) کائو و دیگران (Cao, et al., 2007) همسویی داشته و با تحقیقات دوران (۱۳۹۰) و مورگان و کتان (Morgan & Cotton, 2003)، همسویی نداشته است.

علت اینکه اعتیاد به اینترنت با سلامت اجتماعی رابطه معناداری دارد، شاید این باشد که افرادی که به اینترنت معتاد می‌شوند، به منظور گذراندن وقت بیشتر، به اینترنت روی می‌آورند و توجه کمتری به وضعیت روابط اجتماعی خود دارند و این بی‌توجهی

موجب می‌گردد که مشکلاتی فراوان از قبیل کاهش فعالیت‌های اجتماعی و شغلی، کمتر شدن فکر و خلاقیت و شکوفایی، شبیه شدن به الگوها که شیفته آنان می‌شوند، کمتر ارتباط برقرار کردن با دیگران به صورت حضوری، کمتر حرف زدن و تغییرات در ویژگی‌های شخصیتی و بروز رفتارهای نابهنجار (مثل افزایش تنهایی و ...) در فرد تأثیر می‌گذارد (Cheung & Wong, 2011؛ حسینی و دیگران، ۱۳۹۴؛ ناستی‌زایی، ۱۳۸۸).

هم‌چنین نتایج فرضیه دوم نشان داد از میان زیرمقیاس‌های سلامت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی و انطباق اجتماعی با استفاده از اینترنت، رابطه معناداری در جهت معکوس وجود داشت و تنها زیرمقیاس مشارکت اجتماعی و شکوفایی اجتماعی با استفاده از اینترنت، رابطه مثبت معناداری داشت. نتایج این فرضیه با یافته‌های برات دستجردی، داورپناه و اسماعیلی (۱۳۹۵) همسو بود.

با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت با افزایش میزان اعتیاد به اینترنت، فرد با افراد و گروه‌ها و اعضای بسیاری در رده‌های سنی مختلف و در زمینه‌های کاری متفاوت آشنا شده و سعی دارد که با آنها ارتباطات گسترده‌ای ایجاد کند و این امر باعث افزایش میزان مشارکت اجتماعی کاربران می‌شود و این افراد در فعالیت‌ها و برنامه‌های گروه‌های متعدد هرچه بیشتر مشارکت می‌کنند (همان: ۱۵۲). امروزه اینترنت و دنیای مجازی ارتباطات گسترده‌تر و بسیار متفاوت‌تر با ارتباطات به شکل سنتی دارد. افراد فارغ از الزاماتی چون جنسیت، طبقه، قوم، نژاد و مکان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و بر این اساس هویت جدیدی برای خود شکل می‌دهند (فرهادی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۴). بنابراین شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی، پذیرش اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی فرد با افزایش اعتیاد به اینترنت، کاهش پیدا می‌کند، چنان‌چه بعد از مدتی احساس بیگانگی از خود و جامعه‌ای که در آن عضو می‌باشد را احساس می‌کند. افراد در این ارتباطات سعی دارند خود را بسیار شبیه دیگران کنند، که باید گفت از خلاقیت و پیشرفت و شکوفایی آنها کاسته می‌شود و به مرور به افرادی که تنها به دیگران علاقمند هستند و کمتر سعی در خلاقیت دارند، تبدیل می‌شوند (برات دستجردی، داورپناه و اسماعیلی،

۱۳۹۵: ۱۵۳). نتایج یافته‌های پژوهش (حسینی، و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸۲) نشان می‌دهد دنیای اینترنت بر روی جامعه و افراد تأثیرات بسیار گسترده‌ای دارد و تمامی جوانب شخصیت و از جمله ابعاد سلامت اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرضیه سوم پژوهش نشان داد پسران بیشتر از دختران از اینترنت استفاده می‌کنند. این نتیجه با مطالعه ناستی‌زایی (۱۳۸۸)، فرهادی‌نیا و دیگران (۱۳۹۴)، همبرگر آمیچایی و بن‌آرتزی (Hamburger-Amichai & Ben-Artzi, 2001)، تاجی و وردی‌نژاد (۱۳۹۲)، حسینی بهشتیان (۱۳۹۱) همسو و با پژوهش رسولی (۱۳۸۰)، رستگار، عبداللّهی و شاه‌قلیان (۱۳۹۳) ناهمسو می‌باشد. دلیل این امر شاید این باشد که دختران بیشتر ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را با دوستان و کارهای هنری سپری کنند و بیشتر به مطالعه کتاب بپردازند (حسینی، و دیگران، ۱۳۹۴).

نتایج فرضیه چهارم پژوهش نشان داد متغیر اعتیاد به اینترنت قادر به پیش‌بینی متغیر سلامت اجتماعی می‌باشد. یافته‌های این فرضیه با مطالعات رحمتی و کرامتی (۱۳۹۵)، رستگار، عبداللّهی و شاه‌قلیان (۱۳۹۳)، مرهان مارتین (Morahan-Martin, 2005) و میشل (Mitchell, et al., 2011: 1857) همسو می‌باشد.

با توجه به این که نتایج این پژوهش نشان داد بین اعتیاد به اینترنت و سلامت اجتماعی دانشجویان، رابطه معنی‌داری وجود دارد و از طرفی، با توجه به قابلیت پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت در سلامت اجتماعی، پیشنهاد می‌شود نهادهای مختلف جامعه، تمهیداتی در خصوص فرهنگ‌سازی و استفاده صحیح و مناسب از اینترنت در بین نسل جوان به کار برند و ضروری است مسئولین دانشگاه که متولی امر سلامت دانشجویان می‌باشند، در زمینه آموزش استفاده صحیح از اینترنت و آگاه‌سازی در زمینه خطرات اعتیاد به اینترنت و راه‌های پیشگیری از آن، برنامه‌ریزی نمایند. هم‌چنین در این زمینه ارزیابی‌های روان‌شناختی دانشجویان و ارائه خدمات مشاوره در زمینه‌های مختلف در جهت ارتقای سطح سلامت اجتماعی دانشجویان، توصیه می‌گردد. پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی استفاده صحیح از اینترنت در همه سطوح مختلف، بویژه برای جوانان در محیط‌های آموزشی، شغلی و فرهنگی برگزار شود. لذا مدیریت مناسب و تولید

محتوای سالم و متناسب با سلیقه نسل جوان توسط برنامه‌ریزان و مدیران، می‌تواند به منظور کاهش تأثیرات مخرب استفاده از اینترنت و حفظ سلامت افراد جامعه در ابعاد مختلف، از جمله سلامت اجتماعی کمک شایانی نماید. از جمله محدودیت‌های تحقیق حاضر، جلب اعتماد شرکت‌کنندگان برای محرمانه بودن اطلاعات و انتخاب گروه نمونه از میان دانشجویان دانشگاه بیرجند بود که لازم است تعمیم نتایج آن به دانشجویان سایر دانشگاه‌ها با احتیاط صورت گیرد.

منابع

- انتظامی‌بیان، نرگس؛ احقر، قدسی (۱۳۹۴). "بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی فردی با سلامت اجتماعی جوانان". *رویش روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۲ (پاییز): ۱۰۵-۱۱۴.
- اهری، مهدی (۱۳۹۲). "بررسی میزان سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و پیام‌نور اهر". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور اهر.
- باباپور خیرالدین، جلیل؛ طوسی، فهیمه؛ حکمتی، عیسی (۱۳۸۸). "بررسی نقش عوامل تعیین کننده در سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز". *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، سال چهارم، ش ۱۶ (زمستان): ۸-۲۶.
- بحری، نرجس، و دیگران (۱۳۹۰). "وضعیت اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد". *مراقبت‌های نوین*، دوره هشتم، ش ۳ (زمستان): ۱۶۶-۱۷۴.
- برات دستجردی، نگین؛ داورپناه، هدایت‌الله؛ اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۵). "بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان". *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم، پیاپی ۶۱ (بهار): ۱۴۳-۱۵۶.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی*. تهران: شیرازه.

- تاجی، فاطمه؛ وردی‌نژاد، فریدون (۱۳۹۲). "رابطه اعتیاد به اینترنت، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی". *رسانه و فرهنگ*، دوره سوم، ش ۵ (تابستان): ۷۹-۵۹.
- جعفری ندوشن، محمدعلی، و دیگران (۱۳۹۱). "همبستگی اعتیاد به اینترنت با سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹". *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، دوره ششم، ش ۳ (پاییز): ۸۶-۹۰.
- حسینی، سیدمهدی، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی وضعیت سلامت روان و ارتباط آن با اعتیاد به اینترنت دانشجویان دانشگاه پیام‌نور واحد شهرستان چرام در سال ۱۳۹۳". *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، دوره بیست و دوم، ش ۳ (تابستان): ۴۸۱-۴۸۹.
- حسینی بهشتیان، سیدمحمد (۱۳۹۱). "رابطه بین اعتیاد به اینترنت و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران". *پژوهش‌نامه زنان*، سال سوم، ش ۱ (تابستان): ۷۹-۹۶.
- دوران، بهزاد (۱۳۹۰). "تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی [طرح پژوهشی]". تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- رحمتی، صمد؛ کرامتی، هادی (۱۳۹۵). "ارتباط اعتیاد به اینترنت با خودکارآمدی اجتماعی، سبک‌های هویت و تفاوت‌های جنسیتی در دانشجویان". *مجله تحقیقات نظام سلامت*، دوره دوازدهم، ش ۱ (زمستان): ۲۱-۲۶.
- رستگار، سمانه؛ عبداللهی، محمدحسین؛ شاه‌قلیان، مهناز (۱۳۹۳). "اعتیاد به اینترنت، صمیمیت اجتماعی و شادکامی در دانشجویان". *روان‌شناسی تحولی*، دوره یازدهم، ش ۴۲ (زمستان): ۱۵۹-۱۶۸.
- رسولی، فاطمه (۱۳۸۰). "مقایسه سلامت روان دانشجویان موفق و ناموفق و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

- شهابی‌راد، افسانه؛ میردیریکوند، فضل‌الله (۱۳۹۳). "رابطه اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سلامت روان و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه". *مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی / یلام*، دوره بیست و دوم، ش ۴ (تابستان): ۸-۱.
- عسگری، پرویز؛ مرعشیان، فاطمه (۱۳۸۷). "رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب کامپیوتر با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز". *روان‌شناسی/اجتماعی*، دوره دوم، ش ۷ (تابستان): ۳۵-۲۳.
- فرهادی‌نیا، مسعود، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۱۳۹۲". *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان*، دوره هفدهم، ش ۶۲ (زمستان): ۷۴-۶۲.
- فلاح‌مهنه، تورج (۱۳۸۶). "اختلال اعتیاد به اینترنت". *روان‌شناسی و اطلاع‌رسانی*، دوره بیست و ششم، ش ۱ (بهار): ۳۱-۲۶.
- قاسم‌زاده، لیلی؛ شهرآرای، مهرناز؛ مرادی، علیرضا (۱۳۸۶). "بررسی نرخ شیوع اعتیاد به اینترنت در دختران دبیرستانی شهر تهران و مقایسه دختران معتاد و غیرمعتاد به اینترنت در متغیرهای تنهائی عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی". *فصلنامه مطالعات فرهنگی-دفاعی زنان*، دوره دوم، ش ۱ (بهار): ۲۲-۱.
- مرندی، علیرضا (۱۳۷۹). *بهداشت عمومی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ناستی‌زایی، ناصر (۱۳۸۸). "بررسی ارتباط سلامت عمومی با اعتیاد به اینترنت". *تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، دوره یازدهم، ش ۱ (بهار): ۶۳-۵۷.
- ویلکینسون، ریچارد؛ مارموت، ام. جی. (۱۳۸۳). *تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت، حقایق مسلم*. ترجمه محمد زارع و فرحناز زهراوی. تهران: تدبیر (سیمین‌دخت).
- هزارجریبی، جعفر؛ ارفعی‌عین‌الدین، رضا (۱۳۹۱). "فراغت و سلامت اجتماعی". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره سوم، ش ۱۰ (بهار): ۶۴-۳۹.

- Cao, F., et al. (2007). "The relationship between impulsivity and Internet addiction: In a sample of Chinese adolescents". *European Psychiatry*, Vol. 22, No. 7: 466-471.
- Caplan, S. E. (2005). "A social skill account of problematic internet use". *Journal of Communication*, Vol. 55, No. 4: 721-736.
- Caplan, S.; Williams, D.; Yee, N. (2009). "Problematic Internet use and psychosocial well-being among MMO players". *Computers in Human Behavior*, Vol. 25, No. 6: 1312-1319.
- Cheung, L. M.; Wong, W. S. (2011). "The effects of insomnia and internet addiction on depression in Hong Kong Chinese adolescents: an exploratory cross-sectional analysis". *J. Sleep Res*, Vol. 20, No. 2: 7-311.
- Dell, P. (2001). "Identity and the effect of the internet. In Proceedings of the second Global Congress of Citizens Networks". Edited by GlobalCN. Buenos Aires: GlobalCN. *Proceeding of the second Global Congress of Citizens Networks*, Vol. 29, No. 13: 21-23.
- Hamburger-Amichai, Y.; Ben-Artzi, E. (2001). "Loneliness and Internet use". *Comput Human Behavior*, Vol. 19, No. 1: 71-80.
- Keyes, C. M. (1998). "Social Wellbeing". *Social Psychology Quarterly*, Vol. 2, No. 6: 121- 140.
- Keyes, C. M.; Shapiro, A. (2004). Social wellbeing in the U.S.A. Descriptive Epidemiology. In: Brim G, Ryff, C, Kessler D, editors. *Healthing are you? A national study of well-being of midlife*. Isted University of Chicago Press; United states. Pp: 350-373.
- Kraut, R., et al. (1998). "Internet paradox. A social technology that reduces social involvement and psychological well-being?". *US National Library of Medicine National Institutes of Health Search*

- database*, Vol. 53, No. 39: 1017-1031.
- Lareson, J. (1993). "The Measurement of Social". *Wellbeing Social Indicators Research*, Vol. 28, No. 2: 256-269.
 - Li, T.; Zhang, L. (2004). "How College Students' Internet Addiction are Related to Parental Rearing Patterns". *Psychological Science (China)*, Vol. 27, No. 3: 662-663.
 - Mitchell, M. E., et al. (2011). "Internet use, happiness, social support and introversion: A more fine grained analysis of person variables and internet activity". *Computers in Human Behavior*, Vol. 27, No. 6: 1857-1861.
 - Morahan-Martin, J. (2005). Internet abuse. *Social Science Computer_Review*, Vol. 23. No. 1: 39-48.
 - Morgan, C.; Cotton, S. R. (2003). "The Relationship between Internet Activities and Depressive Symptoms in a Sample of College Freshmen". *Cyberpsychol Behave*, Vol. 6, No. 2: 133-142.
 - Park, S. K. J.; Kim, j. y.; Cho, C. B. (2008). "Prevalence of internet addiction and correlations with family factors among South Korean adolescents". *Adolescence*, Vol. 43, No. 172: 895-909.
 - Raymond, Corsini; Wedding, Danny (2004). Current psychotherapies. Publisher: Wadsworth Publishing Company; F. E. Peacock. edition: 7.
 - Ryff, A.; Ronal, C. Kessler (2003). *Healthing Are You? A National Study of wellbeing of Midlife*. Chicago: University of Chicago press.
 - Saha, T. K. (2009). "War on Word in Cyberspace Legal Constrains and Conflicts between Right of Privacy and Freedom of Speech". *Journal of Intellectual Property Right*, Vol. 14, No. 1: 45-56.
 - W. H. O. (2008). "Commission on Social Determinants of Health-final report". [Online] Available: www.who.int/social_determinants/

final_report/ [2017/10/25].

- Wang, W. (2001). "Internet Dependency and Psychosocial Maturity among College Students". *International Journal of Human-Computer Studies*, Vol. 55, No. 6: 919-938.
- Xiuqin, H. L., et al. (2010). "Mental health, personality and parental rearing styles of adolescents with Internet addiction disorder". *Cyberpsychol Behav Soc Netw*, Vol. 13, No. 4: 401-406.
- Yung, K. (1996). "Internet addiction: the emergence of a new clinical disorder". Published in *CyberPsychology and Behavior*, Vol. 1, No. 3: 237-244.

بازتاب تحولات سیاسی جامعه در شعر حماسی اخوان ثالث

مورد مطالعه: شعر زمستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۹

مجتبی عطارزاده^۱

چکیده

در ادبیات ایران، مهدی اخوان ثالث (م. امید، ۱۳۰۷-۱۳۶۹) یکی از شاعران سیاسی و متعهد معاصر ایرانی است که نمود این تعهد اجتماعی و سیاسی در بسیاری از اشعار او به روشنی قابل مشاهده است. این شاعر خراسانی، همواره به جامعه و زندگی مردم و مشکلات آنان توجه ویژه داشته است. در پی رخداد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بر افکار و عمق احساسات عمومی ایرانیان تأثیر گذاشت و درون‌مایه‌ای از احساسات نومیدانه و سرخوردگی را به ارمغان آورد، ظلم‌ستیزی و آزادی‌خواهی به صورت یکی از دغدغه‌های اصلی اخوان در سروده‌هایش نمود یافت. این نوشتار پس از بررسی آثار شاعر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه تحلیل محتوای سروده‌های او، به این نتیجه می‌رسد که اخوان-برخلاف آنچه بسیاری گمان برده‌اند- هیچ‌گاه نخواست و نتوانسته دست از امید و تلاش بشوید و یأسی که در اشعار او جای‌جای رخ می‌نماید به سبب نارضایتی او از وضع خود و وضعیت مردم و بروز موانع می‌باشد. وی متعهد در بهبود اوضاع اجتماعی و سیاسی است و مأیوس نمی‌گردد. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که واقع‌نگری، پردازش رخدادهای اجتماعی، امید و مبارزه و نمادگرایی از مهم‌ترین شاخصه‌های شعری اوست.

واژگان کلیدی: سمبولیسم اجتماعی، شعر حماسی، جامعه‌گرایی، کودتای ۲۸ مرداد، اخوان ثالث، سبک نیمایی

مقدمه

دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی قرن حاضر را می‌توان دهه‌های گسترش و تأیید و تثبیت "شعر معاصر فارسی" به حساب آورد. در این دو دهه، گرایش‌هایی پدید آمدند و شاعرانی در شعر نو رخ نمودند و آثاری چاپ و منتشر کردند که برخی از آنها در زمره‌ی خواندنی‌ترین و ماندنی‌ترین آثار شعر و ادب فارسی به‌شمار می‌رود. یکی از برجسته‌ترین شاعران شعر معاصر که توانست در شعر نیمایی خود را تثبیت کند و با به‌جا گذاشتن آثاری در سبک و سیاق نو قدمایی و نیمایی، شیوه و اسلوب فکری و شعری ویژه‌ای در شعر معاصر از خود به یادگار بگذارد، اخوان ثالث بود که به قول شاملو (۱۳۷۰: ۳۲) مشعلش گذرگاهی چهل ساله از معبر تاریخی ما را تا قرن‌ها بعد چراغ کرده.

اخوان از جمله شاعران نوآور و متعهد معاصر است که نمی‌توانست نسبت به واقعیات جامعه بی‌تفاوت باشد. او همان‌طور که در مسایل ادبی و زبانی از سبک خراسانی تأثیر پذیرفته است، محتوای آثارش نیز از این سبک بی‌نصیب نمانده است.

واقع‌گرایی ناشی از تحولات دهه ۳۰ و شکست‌های سیاسی و اجتماعی این دوره - بویژه کودتای ۲۸ مرداد - که عمیق‌ترین تأثیر را در اندیشه و شعر او برجای نهاده است، در قالب سبک خراسانی در اشعار و سروده‌های حماسی او به شکل تصویر جامعه و محیط آزاردهنده، یأس و نومیدی و اندوه شاعری تسلیم شده، بروز کرده است.

در یک نگاه کلی به شعر او می‌توان گفت که شکست مضمون، حالت واحدی به بسیاری از سروده‌هایش بخشیده است، حالتی که از یک خشم و خروش نومیدانه به‌سوی یک نوحه‌سرایی خون می‌رود و در لابه‌لای آن حسرت‌ها، دریغ‌ها، نومیدی‌ها و آرزوهای خود را با طنینی گریه‌آلود بر زبان می‌آورد. در واقع، او در فرهنگ شعری خویش «شعر را دادنامه و فریادنامه‌ای می‌نامد که خار چشم ستمگران می‌شود و پاسخ‌دهنده‌ی ندا و ناله‌ی ستمدیدگان و مظلومان و آن را پناهگاه روحی و معنوی برای انسان می‌شمارد» (قاسم‌زاده و دریایی، ۱۳۷۰: ۱۰۸).

ارزش و اهمیت شعر اخوان در عرصه سیاسی - اجتماعی زمانی نمود می‌یابد که او کتاب شعر "زمستان" را منتشر می‌کند. اگر چه ارزش و اهمیت زمستان را نباید صرفاً به لحاظ

کارکرد نوپردازانه‌ی این مجموعه دانست، بلکه بی‌گمان بیشترین ارزش زمستان را باید به لحاظ تولد این مجموعه در دوره‌ای دانست که به لحاظ تاریخی یکی از مهم‌ترین دوران سیاسی ایران به‌شمار می‌رود. دورانی که بسیاری از روزنامه‌ها توقیف می‌شوند و بسیاری از شاعران و نویسندگان که گرایش‌های سیاسی به یک حزب خاص داشتند، به زندان افکنده می‌شوند.

مهم‌تر از همه‌ی این نکات باید از تأثیر ساختار سیاسی آن دوران بر شعر ایران خاصه اخوان و زمستان‌اش یاد کرد. زمستان به نوعی محصول زمانه‌ای است که شاعران برای ترسیم خفقان و رعب و وحشت مردم از سرنوشت سیاسی خود، روی به استعاره، کنایه و تمثیل آورده بودند و به تعبیری دیگر، ارزش کار شاعرانی چون اخوان نه صرفاً به لحاظ جایگاه ادبی‌شان، بلکه به لحاظ زیست خود و آثارشان در دوره‌ای از تاریخ بوده که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در فضای سیاسی و ادبی ایران حاکم می‌شود.

در واقع، آرمان‌خواهی و عدالت‌محوری در سروده‌های حماسی در تقابل با قدرت و بر مبنای باور به ارزش‌های همگانی، حرارتی ایجاد نمود تا مانع از انجماد و یخ‌زدگی اذهان بیدار ایرانیان وطن‌پرست در یخبندان فضای سیاسی کشور گردد.

پیشینه تحقیق

از آن‌جا که اخوان یکی از چهره‌های برجسته و صاحب سبک شعر معاصر محسوب می‌شود، پژوهش‌ها و تحقیقات بسیاری درباره زندگی، اندیشه‌ها، آثار و زبان وی انجام شده که بعضی از آنها عبارت است از: کتاب‌های باغ بی‌برگی (کاخ، ۱۳۸۵) که یادنامه‌ای است از این شاعر بزرگ ایرانی که دوستان و یاران ادبی او درباره وی نوشته و سروده‌اند. باغ بی‌برگی علاوه بر تنوع مطالبی که دارد از مجموعه عکس‌های خوبی نیز از اخوان ثالث در مقاطع مختلف زندگی این شاعر برخوردار است. کتاب دفترهای زمانه (طاهباز، ۱۳۷۰)، دفترهایی است که در پی نشر ۱۳ شماره مجله آرش (از آبان ماه ۱۳۴۰ تا اسفند ماه ۱۳۴۵) بی آن‌که مدعی راهبری یا ارائه نظر خاصی باشد، می‌کوشد تا ارائه دهنده‌ی هنر و ادب واقعی زمان خود باشد. نگاهی به مهدی اخوان

ثالث (دستغیب، ۱۳۷۳) که در آن اخوان هم‌چون بیشتر هنرمندان دلسوخته‌ای معرفی می‌شود که چون پیوسته مترصد تحولات اجتماعی زمانه خود بوده، اشعارش رنگ و بوی رئالیستی دارد. نظر اخوان درباره شعر و شاعری، دگرگونی اجتماعی و شعر و اندیشه‌های وی و تفسیر پنج شعر، عناوین دیگر کتاب است که طی آن زندگی، شعر و زمانه شاعر مورد واکاوی قرار گرفته است. حالات و مقامات م.امید (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱) که بخش نخست کتاب درباره زندگی و زیست اخوان ثالث است، از خانواده و اقوامش، از دوستان و آشنایانش، از آرا و آگاهی‌هایش، از خودآموختگی‌ها و مطالعاتش، از قهر و آشتی‌هایش با دیگران، از رنج‌ها و ملال‌هایش، از شغل‌ها و بی‌کاری‌هایش، از تحصیلات و آموزگاران‌ش، از بدبینی‌ها و تکیه‌هایش بر نظریه توطئه، از سفرها و حضرهایش و از بسیاری نکته‌های دیگر، سخن به میان آمده است. در بخش‌های دوم تا چهارم همین کتاب، مؤلف به تحلیل شعرهای گوینده "از این اوستا" پرداخته است (البته بخش دوم و سوم و قسمتی از بخش چهارم در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ نشر یافته بود). این بخش‌ها در کنار همدیگر، نکته‌های ظریف، دقیق و علمی را در توجه به چشم‌اندازهای محتوایی، زبانی و زیبایی‌شناختی شعر م.امید، پیش کشیده است. یکی از فصل‌های این کتاب که مرتبط با شاملو است، در ضمن مقایسه اخوان ثالث با شاملو، از این شاعر انتقاد کرده است.

هم‌چنین رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی نیز با موضوع آثار اخوان ثالث شکل گرفته‌اند که عبارتند از: بررسی ساختار زبان شعری مهدی اخوان ثالث (قلمی‌فرد، ۱۳۷۱) که در آن آمده از آنجا که شعر اخوان ثالث میراث‌خوار فضای پر از التهاب ایران، در دوره‌ی خویش بوده است، آینه‌ای است که در آن می‌توان بسیاری از مسائل اجتماعی آن روز را با دیدی جامعه‌شناسانه بازنگری نمود و افکار سیاسی و اجتماعی آنان را در چندی از آثار وی مورد تحلیل قرار داد. این شاعر، نگاه نوینی نسبت به انسان، جامعه و مسائل اجتماعی داشت و تمام دردها و رنج‌هایی که به انسان‌ها تحمیل می‌شد در محکمه‌ی شعر خود، به تازیه‌ی انتقاد می‌گرفت و در بیداری و آگاه‌سازی جامعه، نقش زیادی داشت. مضمون اشعار او بر محور موضوعاتی چون مبارزه با استبداد و استعمار،

عدالت‌جویی، آزادی‌خواهی، ستایش وطن، نقد تعصبات و خرافات، حقوق و آزادی زن، تجدد و ترقی، دفاع از طبقه‌ی رنجبر، انتقادهای اجتماعی و... می‌چرخد. سیاست و اجتماع در اشعار مهدی اخوان ثالث (رحیمی‌نژاد، ۱۳۷۶) که در مقدمه آن تلاش شده است تا تعریف مورد نظر نگارنده از ادبیات سیاسی و اجتماعی، به خواننده ارائه شود، سپس به برخی از آثار منتشر شده در مورد اخوان ثالث اشاره‌ای شده است. فصل اول که به بررسی موضوعات عمده‌ی اشعار اخوان ثالث اختصاص دارد، در سه بخش به ترتیب گرایش‌های عاشقانه، فلسفی و سیاسی - اجتماعی را در اشعار این شاعر مورد بحث قرار می‌دهد. در بخش اول این فصل دو جریان عاشقانه‌ی "عینی - خصوصی" و "انتزاعی" در اشعار اخوان معرفی می‌شود. در بخش دوم این فصل ضمن بررسی گرایش‌های فلسفی این شاعر، ماندگی‌ها و تفاوت‌های اشعار فلسفی او و رباعیات خیام را مشخص می‌نماید. بخش سوم این فصل و در راستای بررسی سیر تفکر سیاسی و اجتماعی اخوان، آثار وی به سه دوره تقسیم می‌شود. در بخش‌های اول و دوم از فصل دوم، به ترتیب اوضاع عمومی ایران در دهه‌ی ۲۰ و اوایل ۳۰ سی (تا حدود سال ۱۳۳۴) و نیز زندگی و آثار اخوان در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در دو بخش، عناصر و وقایع سیاسی - اجتماعی منعکس شده در اشعار این دوره‌ی شاعر، مشخص می‌شود. جنگ اعراب و اسرائیل، مسأله‌ی نفت جنوب ایران، دولت مصدق، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و ... از موضوعاتی است که در اشعار این دوره‌ی شاعر به چشم می‌خورد. در بخش‌های اول و دوم از فصل سوم، به ترتیب اوضاع عمومی ایران از حدود سال ۱۳۳۴ تا انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و سپس زندگی و آثار اخوان مطرح می‌شود و در بخش‌های سوم و چهارم عناصر و وقایع سیاسی - اجتماعی در اشعار این دوره‌ی شاعر، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. نظریه‌ی بازگشت به خانه‌ی پدری یا پیروی از آیین "مزدشتی"، مرگ جهان پهلوان تختی و ... از مسائلی است که در سروده‌ها و نوشته‌های این دوره‌ی اخوان مطرح می‌شود. زبان حماسی و ارتباط آن با تصویرگری در شعر مهدی اخوان ثالث (عرفانی، ۱۳۸۱) که در آن آمده از میان شاعران روزگار ما، مهدی اخوان ثالث یگانه کسی بود که فردوسی‌وار، به آیین کهن و افتخارات ملی و اساطیر ایران باستان عشق می‌ورزید.

او با انتخاب دقیق واژه‌ها و آگاهی از کارکرد موسیقی حروف، واژه‌ها و اصوات، مهارت در نحوه بیان و ارائه مطلب و استفاده از کلیه امکانات زبان و نیز با ایجاد سکون‌ها و حرکت‌ها، قطع و وصل‌های کلامی تا حدی طنین خاص زبان حماسی را به شعرش می‌دهد. هر چیز کهنه در شعر او رنگ امروزی دارد. این اثر دارای چهار بخش است: بخش نخست درباره زندگی اخوان، بخش دوم اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران آن زمان و تولد شعر نو فارسی است. بخش سوم شامل تعاریفی در رابطه با حماسه و تصویر است. در بخش چهارم نیز اشعاری که از جنبه حماسی بیشتری برخوردار بوده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌هایی نیز در قالب مقالات متعددی در پیوند با آثار اخوان تدوین شده است: "منظورشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار اخوان ثالث" (رحیمیان و بتولی آرانی، ۱۳۸۳)، یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اخوان، در ۹۱ جمله پرسشی از ۱۷ قطعه شعر خود، ۱۲ نقش از نقش‌های بیست و هفتگانه ارائه شده از سوی شمیسا را به کار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وی از مقوله معنایی - منظوری نومیدی بیشترین بهره را گرفته است. این کاربرد حاکی از وجود بحران در جامعه‌ای است که شاعر در آن زندگی می‌کرده است. البته بسامد بالای بهره‌گیری از مقوله نومیدی نیز بی‌ارتباط با بدبینی شاعر نسبت به آنچه در اطراف وی می‌گذشته نیست. این موضوع مؤید نظر کسانی است که اخوان را شاعر یأس و شکست می‌دانند. "م. امید (مهدی اخوان ثالث) در میانه‌های یأس و امید" (احمدپور، ۱۳۸۸)، موضوع این مقاله ناخشنودی‌های مهدی اخوان ثالث از اوضاع و احوال خویش و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. نگارنده با مطالعه و بررسی کلیه منظومه‌ها و مجموعه‌های شعر وی و بیان مهم‌ترین دلایل این ناخشنودی‌ها، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اولاً ناامیدی و یأسی که در برخی از اشعار اخوان دیده می‌شود در حقیقت، خود عامل دیگری دارد که همانا نارضایتی او از وضع خود و وضعیت مردم و وطنش است. ثانیاً این ناخشنودی و نارضایتی از وضعیت خویش و جامعه به اشکال مختلفی بروز کرده است که اهم آنها عبارتند از: خشم و خروش، نفرت و نفرین، یا طنز و لودگی، یا دعوت به تلاش و

امیدواری، یا مرثیه‌خوانی و حتی افسردگی‌ها و ناامیدی‌ها. "هماهنگی و هدف‌مندی تصویر در شعر مهدی اخوان ثالث" (سروری‌عقوبی، ۱۳۸۸). "پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث" (حیدری و صباغی، ۱۳۹۰)، در این نوشتار کوشش شده است تا پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث با تکیه بر معانی ضمنی پرسش و فضای شعری اخوان بر اساس تعاریف مشترک در منابع بلاغت عربی، فارسی و انگلیسی بررسی شود. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین پرسش‌های شعر اخوان ثالث، متضمن معنای ضمنی اظهار عجز و بیان نومی‌دستی است و نیز گاه چند معنای ضمنی از یک پرسش بلاغی در شعر او به‌دست می‌آید که برخی از آن پرسش‌ها در تعاریف رسمی منابع بلاغت اسلامی - ایرانی نمی‌گنجد و در بردارنده‌ی معنای جدیدی است. "معنا، زبان و تصویر در شعر آخر شاهنامه از مهدی اخوان ثالث" (نوری و کنجوری، ۱۳۹۰). خسروی شکیب و جوادی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "دیالکتیک شکل و محتوا در شعر زمستان اخوان ثالث" در صدد آنند تا شعر آخر شاهنامه را - که یکی از بهترین شعرهای این مجموعه است - بررسی و تحلیل نمایند. بنابراین، ضمن بیان مقدمه‌ای درباره شعر و عناصر مهم سازنده آن و اشاراتی به برخی از نظریات مطرح در رویکردهای نقد ادبی، به تناسب زبان، موضوع و وجوه و لایه‌های معنایی و ساختاری شعر یاد شده، آن را با استفاده از ترکیبی از رویکردهای نقد ادبی، بررسی و با توجه به تأثیر متقابل سه عنصر اصلی و ساختاری شعر یعنی معنا، زبان و تصویر (خیال)، مورد تحلیل و تأویل قرار داده‌اند.

سرانجام در تازه‌ترین اثر پیرامون موضوع پژوهش حاضر، قنادان (۱۳۹۶) در پیشگفتار کتاب *معنای معنا: نگاهی دیگر*، از نکات خوبی درباره اهمیت و ضرورت نقد ادبی برای فضای فکری و فرهنگی ایران سخن می‌گوید. اگر چه نقد ادبی یک دستاورد بدیع است، اما ریشه‌های آن به دوران کهن بازمی‌گردد. در گفتار اول ریشه‌های نقد ادبی در یونان بررسی می‌شود که در اینجا تمرکز بر افلاطون و ارسطو است. پس از آن، دو هزار و پانصد سال را یکباره کنار می‌گذاریم و در گفتار دوم بخشی از سرنوشت همین موضوع را در قرن بیستم مطالعه می‌کنیم. مباحث این بخش به نوعی تمهیدی است برای مباحث

بخش‌های بعدی، زیرا نقد و بررسی‌هایی که در این کتاب انجام شده همگی مبتنی بر نقد ادبی قرن بیستم است. در بخش بعدی شعر مهم و مشهور مهدی اخوان ثالث "زمستان"، واکاوی می‌شود. این شعر از زمان انتشار تا دوران حاضر، معنا و دلالت‌های سیاسی پررنگی برای ایرانیان داشته است.

هر چند در آثار مذکور در بالا، فکر و اندیشه‌ی اخوان ثالث از جوانب مختلف مورد کاوش قرار گرفته، اما موضوع تکاپوی سیاسی شخص او در راستای دمیدن امید در فضای سراسر نومیدی ناشی از اقدام مداخله‌جویانه امریکا در براندازی حکومت ملی مصدق، کمتر وجهه همت نگارندگان و پژوهندگان قرار گرفته است. از این‌رو، این پژوهش بر آن شد تا این ابهام را پاسخگو باشد که چگونه اخوان توانسته با بهره‌گیری از زبان شعر در قالب سبک خراسانی، اوضاع سیاسی روزگار خود را برای معاصران زمان خود به‌گونه‌ای توصیف نماید که امید به دمیدن صبح امید در دل آنان پا برجا ماند؟

اخوان ثالث در یک نگاه

مهدی اخوان ثالث در سال ۱۳۰۷ شمسی در خراسان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و هنرستان صنعتی را در مشهد به پایان برد. اخوان از سال ۱۳۲۳ به سرودن شعر پرداخت و بر اثر تشویق و رهنمودهای استاد مدرسه‌اش (پرویز کاویان)، شوق بیشتری به شعر پیدا کرد. نخستین شعری که سرود در زمینه‌ی توحید و یگانگی خداوند بود و اولین جایزه‌ای که برای سرودن همان شعر دریافت کرد، کتاب *مسالك المحسنين* طالبوف بود که افتخار الحکمای شاهرودی (مسنن) به او هدیه داد. همین تشویق موجب شد که در شعر و شاعری پیش رود و توجه استادان شعر و ادب خراسان را به خود معطوف دارد و به عضویت انجمن ادبی مشهد (زیر نظر استاد محمود فرخ خراسانی) درآمد. تخلص "امید" را نیز استاد نصرت شاعر خراسانی برایش برگزید (یاحقی، ۱۳۸۷: ۴۵). چندی نیز به موسیقی روی آورد و تار می‌نواخت و در دستگاه‌های ایرانی تمرین می‌کرد، اما به سبب مخالفت پدرش از کار موسیقی دست کشید. اخوان در سال ۱۳۲۷ ساکن تهران شد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به شغل دبیری پرداخت و پس از چندی به سمت

مأمور از طرف وزارت آموزش و پرورش در وزارت اطلاعات (یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از انقلاب) مشغول همکاری شد. اخوان نماد فرهنگی - سیاسی نیم قرن روزگار خودش بود. او از جهت فرهنگی از توس تا یوش و از جهت سیاسی، دو بحران مهم از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷ را تجربه کرد. او در جوانی که به تهران آمد، گرایش‌های چپ روانه داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چند ماهی نیز به زندان افتاد و به قول خودش، برای همیشه از سیاست کناره گرفت و تنها به کارهای ادبی پرداخت. نامه‌ای که اخوان پس از رهایی از زندان به دوستش، محمدقهرمان نوشته و در آن از قصیده‌ای که به رسم توأیین ساخته، سخن گفته است که آگاهی‌های ارزشمندی از خاطرات خطرات سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را دربردارد (همان: ۴۶).

حیات ادبی اخوان

برخی معتقدند که ادب کلمه‌ای است فارسی که از ریشه "دو" یا "دیپ"، در زبان پهلوی اخذ شده است. "دو" یا "دیپ" به معنی نوشته و هر آنچه با آن مرتبط است، می‌باشد. بر همین مبنا واژگانی چون دبیر، دیوان، دبستان و دبیرستان را از این ریشه می‌دانند. این مفهوم با مفهوم کلمه معادل آن که در زبان انگلیسی Literature است، مطابقت می‌کند و ادبیات به این مفهوم، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی تمام آثار ادبی و غیرادبی را نیز دربرمی‌گیرد، به‌طوری که بر این مبنا، هر نوشته‌ای می‌تواند در محدوده ادبیات قرار گیرد (داد، ۱۳۷۸: ۲۳).

در مقابل، عده‌ای ادب را دارای ریشه عربی می‌دانند و مفهوم ادبیات را در معنی این ریشه و در حوزه زبان عربی جست‌وجو می‌کنند. بر این اساس، ادب به معنی تعلیم و تعلم و دارای مفهوم تربیت کردن و رام نمودن همراه با سختی است. البته بعضی‌ها گفته‌اند که این واژه در عصر جاهلیت و صدر اسلام وجود نداشته، زیرا که ذکر آن نه در آثار ادبی آن عصر و نه در قرآن کریم آمده است، بلکه برای نخستین بار ذکر این کلمه در حدیث شریف نبوی آمده است: «أَدَبُنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» و برخی می‌گویند که این واژه‌ی در عصر جاهلیت وجود داشته و با این که در اشعار و یا قرآن کریم استعمال نشده،

هیچ‌گاه دلیلی برای وجود نداشتن این کلمه نیست (آذرشب، ۱۳۸۵: ۵۳).

اینان برای ثبوت مدعای خود دلیل می‌آورند زمانی که ذکر این واژه در حدیث و یا اقوال صحابه یا تابعین آمد، هیچ کسی از معنی و مفهوم آن نپرسید، هویدا است که در گذشته نیز وجود داشته نه این که ارتجلاً گفته شده است. هم‌چنین گفته‌اند که این واژه در اقوال حضرت علی (ع) به کثرت آمده است و در اقوال «اکثمبنیفی» خطیب مشهور بنی تمیم در عصر جاهلیت نیز ذکر آن رفته است (همان: ۵۴).

ادبیات در مرحله اول به مثابه یک مقوله هنری در تأمین نیازهای روانی و به‌هنگار نمودن ناهنجاری‌های روحی، نقش و کاربرد مهمی دارد و این عامل، خود از انگیزه‌هایی است که انسان را به گونه‌ای ناخودآگاه مجذوب ادبیات می‌کند. «ادبیات در دوره‌های مختلف خود همواره آیینی افکار، آرمان‌ها و رنج‌های مردم جوامع بوده است. افلاطون اولین کسی است که از تأثیر متقابل جامعه و ادبیات سخن می‌گوید» (راودراد، ۱۳۸۲: ۷۰).

از جمله شاعرانی که می‌توان شعر او را برآیند رابطه‌ی جامعه و ادبیات دانست، اخوان ثالث است. اشعار اخوان زمینه‌ی اجتماعی دارند و حوادث زندگی مردم زمان خود را به تصویر می‌کشند. اخوان در طول حیاتش آثار زیادی قلم زد و نخستین دفتر شعرش را با عنوان "ارغنون" در سال ۱۳۳۰ منتشر کرد. از جمله آثار دیگر او می‌توان به آخر شاهنامه، از این اوستا، دوزخ اما سرد، درحیاط کوچک پاییز در زندان و ... اشاره کرد. او کتاب‌هایی پیرامون بحث و تحقیق ادبی به‌نام‌های "نقیضه و نقیضه سازان" و "بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج" را منتشر کرد که حاصل سال‌ها دسترنج او می‌باشد. قصه‌هایی هم تحت عناوین "پیر و پسرش" و "درخت پیر و جنگل" نوشت که هنوز هم خواننده می‌شود و طرفدارانی دارد. او همیشه در شعرهایش از اصطلاحات روزمره، امثال و حکم مردمی و حتی لحن و بیان عامیانه استفاده می‌کند (میزبان، ۱۳۸۲: ۱۵). اخوان با تلفیق زبان گذشته و حال، ضمن آن که چهره و هویتی باستان‌گرایانه به ساختار شعر خود بخشیده است، با امکانات زبانی گذشته، بنایی تازه با سبک و سیاق امروزی برپاساخته است. اخوان ثالث کهن‌سرایی است که در تحول و دگرگونی اساسی شعر فارسی، نقشی بسزا بر عهده می‌گیرد و هم‌چنین در پیرایش و ستردن نارسایی‌ها، ابهام‌ها و لغزش‌های

شعر نو می‌کوشد (همان: ۵۵).

اگرچه اخوان در دهه ۲۰ قرن حاضر فعالیت شعری خود را آغاز کرد، اما تا زمان انتشار دومین دفتر شعرش "زمستان"، که در سال ۱۳۳۶ صورت گرفت، در محافل ادبی آن روزگار شهرت چندانی نداشت. زمستان او را به اوج برد و همه او را ستایش کردند. این شعر معروف‌ترین شعر اخوان ثالث شد و هنوز هم وقتی اسمی از او به میان می‌آید همه این شعر را به یاد می‌آورند و قسمت اول "سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت" را زیر لب زمزمه می‌کنند. او این شعر را در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرود. شعر دارای دو لایه است، که در لایه اول، راوی مشغول توصیف سرمای سوزان آخرین فصل سال است که همه جا را فرا گرفته واز سرمای بی‌بدیل زمستان هیچ گریزی نیست، اما در لایه زیرین، راوی یخبندان فضای سیاسی کشور را به تصویر می‌کشد.

مطالعات و اندوخته‌های فرهنگی اخوان در شعرش ریزش داشته، ولی به گونه‌ای نبوده که این ریزش دانش‌نمایی و اظهار فضل (مثل خاقانی) باشد، چرا که اخوان در زمستان، به هیچ وجه نمی‌تواند خودنمایی بکند آن هم کسی که در شعرهای مختلف "من" خود را زیر سؤال می‌برد (بهمنی مطلق و پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۱۲).

به گفته سیمین بهبهانی (۱۳۹۱: ۱۴) «کار شاعری امید را به سه دوره تقسیم می‌توان کرد». دوره نخست دوره کارهای ارغنون‌وار اوست... که جامعه‌ی سختگیر و متعصب ادبی و مفتخر به داشتن سوابق هزار ساله شعر خراسانی را به تحسین و اطمینان می‌دارد. برای نمونه غزلی به نام "حجت بالغ" که با مطلع "برده دل از کف من آن خط و خالی که تراست" یا قصیده‌ای که به نام "عصیان" با مطلع "برخیزم و طرح دیگر اندازم" که به ترتیب در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۸ سروده شده، یعنی در ۱۸ و ۲۱ سالگی شاعر... کافی بوده که همه سبک‌گرایان ادبی خراسان را به آینده این جوان نو خاسته امیدوار کند. در این دوره، یعنی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ اخوان هم انکاری را می‌کند که اعضای این جامعه ادبی و تحسین و تمجیدشان بر او تحمیل کرده‌اند و از عهده آن نیز به‌خوبی بر می‌آید. تا این‌جا او شاعری کاملاً "قدمائی" است (به اصطلاح خودش) که با همه جوانی، هیچ از "ادیبان ریش و سبیل‌دار" (به تعبیر نیما)، کم ندارد (آرین پور،

۱۳۷۶: ۵۹۰).

دوره دوم از سال ۱۳۳۱ ش به بعد است که امید با شعر نیما آشنا می‌شود. او از مدتی پیش از آن زمان، در قالب چهارپاره طبع خود را آزموده است و در همین دوره است که به حزب می‌پیوندد و ارغنون را چاپ می‌کند، کتابی که به پویندگان راه صلح تقدیم شده است. سپس در منزل سعید نفیسی با نیما، شاملو، سایه (ابتهاج) و کولی (کسرائی) در مراسم جایزه صلح حضور می‌یابد. به شاعران جایزه می‌دهند، از جمله به امید که قرار می‌شود برای شرکت در جشنواره جهانی صلح به اروپا، یعنی به بخارست برود- و نمی‌تواند برود - با این که اشعار این دوره امید سرشار از مبارزه جوئی و خوش‌بینی و در سبک رئالیسم اجتماعی حزبی است. آن گاه به پیروی از نیما به شکستن وزن و آوردن تعبیرها و تصویرهای گه گاه تازه می‌پردازد. پس از چند آزمایش دشوار (و پس از شکست دولت ملی) ناگهان شعر زمستان را می‌نویسد که در جوامع ادبی، حادثه‌ای تلقی می‌شود و مانند سرودی ملی بر زبان می‌گذرد، زیرا حدیث آن شکست سیاسی است که همه چیز حتی احساس آشنائی را نیز منجمد کرده است. این شعر ورودیه بهار جاودان شهرهای امید است: چاووشی، میراث، آن گاه پس از تندر، سبز، قصه شهر سنگستان (فولادوند، ۷۰۹: ۱۳۷۰).

دوران سوم کار اخوان را باید دوران گرایش بیشتر او به قالب‌های سنتی شعر فارسی بدانیم. البته او سرودن به شیوه گذشتگان را رها نکرده بود و همچنان که در این دوره (۱۳۵۰) نیز به بعد، باز اشعاری در شیوه نیمایی می‌سرود که آخرین آنها شاید قطعه "ما، من، ما" باشد که در مجله دنیای سخن به چاپ رسیده است. در این دوره، رویدادهای زمان به صورت طنزآمیزی در شعر امید مجسم می‌شود. دیگر از آن احساس درد شدید، خبری نیست. زخم‌ها التیام پیدا کرده و تن برای پذیرش تازیانه‌ها به اندازه کافی کرخت شده ... شاعر به تقریب همه چیز را تخطئه می‌کند و حرف خود را با بیانی طنزآلود و دوپهلوی می‌زند. عاطفه شدید جای خود را به آرامش درونی داده، در عوض گاه می‌کوشد کارش از لحاظ تفکر و فلسفه پربار باشد (همان: ۷۱۱).

در بسیاری از اشعار درون‌گرایانه او که به ظاهر خالی از هر گونه تعهد (اجتماعی)

است (مانند بسیاری از اشعار ایرج‌میرزا که اخوان زمانی از وی هم تأثیر پذیرفته است) می‌توان جان معترض او را مشاهده و سکوت فریادگرش را حس کرد. در زمینه تعهد اجتماعی شعر اخوان - بویژه در دوره دوم کار او - سخن بسیار است. اگر تعهد اجتماعی شعر را به معنای تصویر شرایط ناهمساز اجتماعی و راه بیرون شد از آن شرایط بدانیم، شعر امید شعری متعهد نیست. به همین دلیل ناقدان حزبی که باور دارند شاعر در همه جا نه فقط نگارگر، بلکه مبشر امید است، در شعرهای امید "طلسم یأس" دیده‌اند و می‌گویند شعر "نادریا اسکندر" او در مثل ابزار فعال و خشمناک انتشار یأس و بی‌باوری است (مختاری، ۱۳۷۰: ۵۱۰). شعر این‌گونه آغاز می‌شود:

- موج‌ها خوابیده‌اند آرام و رام

- طبل طوفان از نوا افتاده است

- چشمه‌های شعله‌ور خشکیده‌اند

- آب‌ها از آسیا افتاده است

- در مزارآباد شهر بی‌طپش

- وای جفدی هم نمی‌آید به گوش

- دردمندان بی‌خروش و بی‌فغان

- خشمناکان بی‌فغان و بی‌خروش (اخوان ثالث، ۱۳۷۸: ۵۶).

در مجموع می‌توان گفت شعرهای اخوان در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی روزنه هنری تحولات فکری و اجتماعی زمان بود و بسیاری از جوانان روشنفکر و هنرمند آن روزگار با شعرهای او به نگرش تازه‌ای از زندگی رسیدند. در جریان شعر معاصر، اخوان ثالث هنگامی که می‌خواهد از جریانات و تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه، شعر بسراید و مردم را به پایداری در برابر استبداد دعوت کند، شعرش آهنگ حماسی پیدا می‌کند. شعراخوان در عین نومییدی سرشار از روح جویندگی و چالشگری است (میزبان، ۱۳۸۲: ۴۳). هنر اخوان در ترکیب شعر کهن و سبک نیمایی و سوگ او بر گذشته، مجموعه‌ای به وجود آورد که خاص او بود و اثری عمیق در هم‌نسلان او و نسل‌های بعد گذاشت.

الگوپذیری اخوان از سمبولیسم اجتماعی نیمایوشیج

بی شک نیما را می توان پرچمدار شعر نو فارسی نامید. قالبی که در آغاز برای تثبیت و اعلام موجودیت خود، ناملایمات بسیاری از سکان داران شعر کلاسیک را دید. شاید زبان فارسی دوران جدیدی را آغاز می کرد. دوران تحولی که مانایی سبک های کهن را برنمی تابید. تحولات جهان به سرعت شکل می گرفت و همه عرصه ها و حوزه های فرهنگی و اجتماعی می بایست خود را همگام با این تحولات جهانی به پیش می برد. ادبیات فارسی، بویژه زبان از این قاعده مستثنی نبود.

از جمله جریان های اثرگذار بر شعر معاصر فارسی، جریان سمبولیسم اجتماعی است. نیمایوشیج، بنیانگذار و نماینده واقعی این جریان شعری است و شعر "ققنوس" او نخستین تجربه از این دست در شعر معاصر فارسی شناخته می شود. پس از نیما باید از شاعرانی چون شاملو، اخوان، فروغ، کسرائی، شاهرودی، آتشی آزاد، خویی و شفیعی کدکنی یاد کرد که در دهه های ۳۰ و ۴۰ قرن حاضر این جریان را به اوج خود رساندند. جامعه گرایی و نمادگرایی، دو ویژگی اساسی اشعار در این جریان است. شاعران این جریان با زبانی سمبلیک و تأویل بردار، مسائل سیاسی - اجتماعی زمانه خویش را در شعر منعکس می کنند. در این جریان با شاعرانی روبه رو هستیم که برخلاف شاعران جریان شعر رمانتیک، عاشقانه و فردگرای دهه های ۲۰ و ۳۰، هم چون گلچین گیلانی، فریدون توللی، فریدون مشیری، فریدون کار و حسن هنرمندی، عمده توجه آنها به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات و آرمان های مردم است. هم چنین شعر شاعرانه این جریان از پشتوانه ی نوعی درک و دریافت فکری و فلسفی برخوردار است و همین مسأله، شعر این شاعران را از اشعار شاعران رمانتیک جامعه گرا و انقلابی که با حفظ هویت و شخصیت غنایی و رمانتیک خود، گوشه چشمی نیز به مسائل اجتماعی و سیاسی دارند، متمایز می کند. همین طور اعتقاد این شاعران به تعهد و التزام در برابر جامعه و اصول انسانی و اخلاقی، شعر این شاعران را از اشعار غیرمتعهدانه و فردگرایانه دو جریان شعر "موج نو" (پیروان احمد رضا احمدی) و شعر "حجم گرا" (طرفداران یدالله رؤیایی) که داعیه دار نظریه "هنر برای هنر" یا "شعر محض و ناب" بودند، جدا

می‌کند. خلاصه این‌که جریان سمبولیسم اجتماعی «نوعی شعر نیمایی است با محتوای اجتماعی و فلسفی و روشن‌بینانه، شعری که هدف آن بالا بردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می‌شود» (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۱۲۴).

چارلز چدویک^۱ (۱۳۷۵: ۱۱) در کتاب سمبولیسم از این مکتب چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «سمبولیسم را می‌توان هنر بیان افکار و عواطف، نه از راه شرح مستقیم و نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویهای عینی و ملموس دانست، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهایی بی‌توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست». هم او از قول استفان مالارمه^۲، از بنیانگذاران و بزرگان سمبولیسم، درباره این مکتب اظهار می‌کند که ادای نام موضوع، بخش عمده لذت نهفته در شعر را تباه می‌کند، چه این‌که این لذت، همان روند کشف و ظهور تدریجی است. پس سمبولیسم یعنی هنر یادکردن چیزی به صورت خرده خرده، تا آن‌که وصف حالی از آن برملا شود. برملا شدن این وصف حال، البته از طریق "یک سلسله رمزگشایی" و تأویل انجام می‌پذیرد (همان: ۱۰). این تلقی از شعر، نخستین بار به‌طور مشخص در مجموعه شعر "گل‌های شر" از شارل بودلر^۳ (۱۸۵۷ م.) فرانسوی مجال ظهور و بروز یافت. کسی که او را "پدر سمبولیسم" لقب داده‌اند (همان: ۱۵).

گرایش نیما و پیروان او به زبان سمبلیک بی‌تأثیر از آشنایی آنان با مکتب سمبولیسم اروپایی نیست، بویژه آن‌که نیما به‌عنوان سردمدار این جریان، خود زبان فرانسه را خوب می‌دانست و در نتیجه با ادبیات فرانسه و مکاتب ادبی آن آشنایی نزدیک داشت. گذشته از آن، می‌دانیم که شعر برخی از شاعران سمبولیسم معروف اروپایی در همان سال‌ها به زبان فارسی ترجمه شده است. زرین کوب (۱۳۵۸: ۶) در این مورد می‌نویسد: «این زبان و شکل تازه که نیما به خلق آن دست می‌یابد، ظاهراً با آگاهی او از زبان و فرهنگ و ادب فرانسوی و خاصه آشنایی او با شیوه‌های رمانتیسم و سمبولیسم و به‌خصوص شعر رمبو^۴،

1. James Chadwick

2. Stéphane Mallarmé

3. Charles Baudelaire

4. Rambo

ورلن^۱ و استفان مالارمه بی‌ارتباط نیست و ظاهراً نیما با آشنایی و اطلاع از انقلابی که در شعر فرانسوی رخ داده است، به شعر فارسی که سنت و تکرار آن را فرسوده و بی‌حاصل کرده است، جان تازه‌ای می‌دهد.

زبان سمبلیکی که نیما در اشعاری چون داروگ، برف، مرغ آمین، ناقوس و ... از آن بهره می‌گیرد و پس از او مورد توجه و تقلید شاعران دیگر قرار می‌گیرد، حاصل تعامل و تزاخم چند مسأله است: از یک‌سو شاعران این جریان، نسبت به مسائل سیاسی- اجتماعی در خود احساس تعهد می‌کنند و پرداختن به مردم و دردها و آرمان‌ها و آرزوهای آنان را رسالت خود می‌دانند و از سوی دیگر، به دلیل وجود جو خفقان و اختناق و ترس و تهدید و سانسور نمی‌توانند به تعهد و رسالت اجتماعی و سیاسی خود جامه عمل پوشند. ناچار باید به زبان و بیانی غیرمستقیم و تأویل‌بردار، یعنی زبان رمز و اشاره و سمبل، روی آورند تا در عین پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی از تبعات و آفات آن در امان مانند (شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۳۰).

گذشته از این، شاعران این جریان نیک آگاهند که بیان مستقیم و خام مسائل اجتماعی و سیاسی سروده‌های آنان را از عنصر "ادبیت" و "شعریّت" تهی خواهد ساخت، پس باید به دنبال شیوه‌ای بود تا در عین جامعه‌گرایی و سیاسی‌سرایي، از غنای ادبی و هنری شعر کاسته نشود و این شیوه، همان شیوه بیان سمبلیک و نمادین است. این است که مثلاً نیما در شعر "داروگ" با نماد قرار دادند اروگ (قورباغه درختی که خواندن آن نشان قریب‌الوقوع بودن ریزش باران است) به‌طور ضمنی از اوضاع نامطلوب و نابسامان زمانه خود انتقاد می‌کند و فرو باریدن باران انقلاب و آزادی را بر سرزمین خشک کشورش، چنین به انتظار می‌نشیند: «خشک آمد کشتگاه من در جوار کشت همسایه، گرچه می‌گویند می‌گیرند روی ساحل نزدیک سوگواران، در میان سوگواران قاصد روزان ابری داروگ! کی می‌رسد باران؟...» (نیمایوشیج، ۱۳۹۲: ۵۰۴).

بدین ترتیب، وقتی در اشعار نیما با شعرهایی چون ققنوس، ناقوس، خانه ام ابری است، داروگ و برف یا کک کی روبه‌رو می‌شویم و آنگاه که در مجموعه‌های اخوان با شعرهایی

چون زمستان، قاصدک، کتیبه، میراث، آخر شاهنامه و آنگاه پس از تندر مواجه می‌شویم، یا وقتی که شعرهایی چون هدیه، دلم برای باغچه می‌سوزد، تنها صداست که می‌ماند و پنجره از فروغ فرخزاد را می‌خوانیم و هم‌چنین آنگاه که بسیاری از اشعار شاملو و دیگر شاعران مطرح جریان سمبولیسم اجتماعی را می‌خوانیم، باید توجه داشته باشیم که این اشعار، از نام و عنوان آنها گرفته تا اجزا و عناصر اصلی تشکیل دهنده آنها، دارای مفاهیمی نمادین هستند و ناظر به حقایقی برتر و والاتر از معانی واژگانی و تحت‌اللفظی (شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۹).

مسأله جامعه‌گرایی که از ارکان جریان سمبولیسم اجتماعی است، چیزی نیست که مسبوق به هیچ سابقه‌ای نباشد و یک‌باره در شعر شاعران این جریان ایجاد شده باشد. این مسأله در شعر فارسی سابقه‌ای حدوداً صد ساله دارد و به اولین تلاش‌هایی که شاعران "عصر بیداری" چون نسیم شمال، عشقی، عارف، فرخی یزدی، دهخدا، ادیب‌الممالک و دیگر شعرای عهد مشروطه در جهت پرداختن به مسائل اجتماعی و مفاهیمی از قبیل آزادی، انقلاب، قانون، وطن، مردم، تعلیم و تربیت و ... داشته‌اند، باز می‌گردد. اما چیزی که هست آن است که جامعه‌گرایی شاعران عهد مشروطه، حالتی عصیانی، انقلابی، ناگزیر، شعاری، شتابزده و سطحی دارد و کمتر با اندیشه و روشن‌بینی همراه است و مهم‌تر از آن این که زبان و شیوه بیان در اشعار این شاعران کمتر صبغه هنری و شعری و زیباشناختی به‌خود می‌گیرد و غالباً به زبان گفتاری و نثر نزدیک است (همان: ۳۱).

گرچه جامعه‌گرایی و توجه به دردها و آمال و آرمان‌های مردم از عهد مشروطه وارد شعر فارسی شده است، اما حل و هضم کردن این مسائل در شعر و یافتن زبان و شیوه بیان و شکل و قالب مناسبی برای طرح آنها و خلاصه، تبدیل کردن آن "شعارهای اجتماعی و سیاسی" به "شعر اجتماعی و سیاسی"، کاری است که به‌دلیل ناکافی بودن قالب‌های کلاسیک برای حرف‌های تازه شعرا، نیما و پیروان راستین او، موفق به انجام آن شده‌اند. علی‌رغم مقاومت‌های پیروان شعر فارسی، نیما با حمایت بعضی از ادیبان به اصطلاح متجدد و شاید آینده‌نگر و البته با تشویق و اشتیاق عده‌ای از شعرای جوان هم‌عصر خود، توانست این قالب نو را به‌گونه‌ای رسمی به جامعه ادبی معرفی نماید.

البته تنها کاری که او انجام داد شکستن اوزان عروضی بود با رعایت قوافی و سایر ارکان شعری (طاهباز، ۱۳۸۰: ۹).

یکی از پیروان نیما در انجام این رسالت خطیر در عرصه شعرنو، بدون اغراق مهدی اخوان ثالث است. شاعر بزرگی که سبب رونق فزاینده شعر نو شد. شاعری که به راحتی توانست دردها و رنج‌ها و نفرت‌های خود را از زمانه در این سبک نو بنماید. آن گونه که جوانان بسیاری تا مدت‌ها و حتی تاکنون آن را زمزمه می‌کنند و بر روان او درود می‌فرستند (همان: ۱۰).

اما اخوان زبان نیما را نمی‌پسندید و یا آن را الگوی مناسبی برای زبان شعری خود نمی‌دانست. او فقط می‌خواست از قالب نویی که نیما معرف آن بود، بهره برد. زبان اخوان نوع دیگری بود، زبانی که شاید احیای زبان قرن چهارم هجری بود. زبانی که او آشکارا بدان افتخار می‌کرد. از این رو، خود می‌گوید: «زبان نیما سرمشق نیست، قالب و اسالیب او سرمشق است و به این ترتیب، اسلوب نیما برای من سرمشق ارزنده‌ای شد. اما چون زبان من نوع دیگری بود، پرورش دیگری داشت، اسلوب را از او آموختم، اما زبانم جور دیگری از آب درآمد. زبان من فارسی است، خراسانی...» (اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۱).

شاملو که خود از سرآمدان شعر نو و در واقع شعر سپید است، درباره جایگاه زبان شعری اخوان همین اعتقاد را دارد که زبان اخوان چیز دیگری است. او در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۹۱ میلادی با کلودیا روزگرنس^۱، روزنامه‌نگار دی‌پرسه^۲ یکی از معتبرترین روزنامه‌های اتریش انجام داد، در مورد جایگاه شعری اخوان در شعر نو می‌گوید: او قالب نیما را پذیرفت، ولی آن را به نحوی کلاسیک‌تر از نیما به کار برد (اخوان لنگرودی، ۱۳۷۳: ۹۲). شاملو جای دیگری می‌گوید: سبک شاعرانه معاصر، پس از نیما و حتی در همان زمان حیات او، به سرعت مشخص شد. مثلاً اخوان ثالث می‌آید پیشنهاد نیما را در مورد وزن می‌پذیرد بدون این که "شعر خالص" را از او بیاموزد و به سخن دیگر می‌شود "نظامی معاصر". به عقیده من در شعر روایی که نیما مطلقاً موفق نیست، توفیق با اخوان است (مجاهد تقی، ۱۳۹۵: ۷۹).

در این راستا، اخوان شعرنیمایی را با شعر کلاسیک، یعنی نوآوری را با سنت پیوند زد. بعضی او را به همین دلیل روایت‌گر فضاهای تاریخی و منظومه‌پردازی سنتی - ملی خوانده‌اند که با نوعی گذشته‌نگری به تاریخ‌های دور و ادیان کهن ایرانی گرایش داشته است و به قضاوت تاریخی نشست و با در نظر داشت رخداد‌های اجتماعی - سیاسی معاصر (بویژه جنبش ملی) و شرایط زمانه که اجازه نمی‌داد به صورت مستقیم از آزادی سخن بگوید، با ترسیم جامعه به صورت زندانی تاریک، خواستار روشنی و آزادی گشته و در آرزوی منجی سوشیانت^۱ موعود، سخن گفته است (مختاری، ۱۳۷۰: ۴۹۸).

رسانش سبک خراسانی در شعر اعتراض اخوان

در مروری بر تاریخ ادبی ایران قبل از انقلاب اسلامی، تأثیر جریان‌های سیاسی - اجتماعی بر شاعران و نویسندگان این مرز و بوم بیش از هر دوره‌ی تاریخی آشکار می‌گردد. دوره‌ای که با استبداد رضاخان همراه بود و ثبات در عرصه‌ی سیاسی بسیار کم‌رنگ بود. دوره‌ای که از آن با نام دوران خفقان توده‌ها نیز یاد می‌کنند (دستغیب، ۱۳۷۳: ۱۱۹).

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و خفقان ناشی از آن، مسیر شعری بسیاری از شاعران این کهن بوم و بر را دگرگون ساخت. در این دوره، جدای از رویکردهای متفاوت سیاسی، به لحاظ دخالت قدرت‌های سرمایه‌داری باید به بافت سنتی جامعه‌ی ایرانی و تضادهایی که بسیاری از شاعران و نویسندگان با آن در بستر خانواده و جامعه مواجه بودند نیز اشاره کرد. تضاد و تفاوت دیدگاهی که بی‌شک، نشأت گرفته از حضور فرهنگ غرب بود. فرهنگ بیگانه‌ای که با خود فن آوری و مظاهر شهرنشینی (مدرنیته) و البته خیانت را در عرصه‌ی سیاسی به ارمغان آورد. مهم‌ترین درون‌مایه‌های شاعران حوزه ادبیات پایداری،

۱. سوشیانت [سُش] (اِخ) نجات‌دهنده. هر یک از موعودان دین زردشتی. در اوستا مکرر از سوشیانت‌هایی نام برده شده که در آخرالزمان ظهور کنند و غالباً از آخرین سوشیانت که پس از ظهور او قیامت خواهد بود اسم برده شده. بنابه سنت زردشتی سه هزار سال اخیر عمر جهان مادی عهد سلطنت روحانی زردشت و سه پسر آینده اوست که هریک به فاصله هزار سال از یکدیگر پای به دایره وجود گذارند. نام‌های این سه پسر و اسامی مادران آنان و محل تولد ایشان در اوستا مندرج است؛ اما وقت ظهور آنان در اوستا تعیین نشده است. همین قدر برمی‌آید که در آخرالزمان ظهور خواهند کرد (فرهنگ فارسی معین).

شرح دردهای مردمانی است که از اوضاع نابسامان حاکم بر جامعه رنج می‌کشند. در برخی از مضامین ادبیات پایداری هم‌چون وطن‌دوستی، تفاخر به تمدن پرافتخار و باشکوه گذشته، آزادی و نیز مبارزه با ظلم و ستم حاکمان زورگو، با هدف ترسیم مضامین مشترک از چهره رنج کشیده و مظلوم مردم و نیز دعوت به مبارزه و تسلیم نشدن در برابر استبداد، در اشعار این شاعران است. در همین راستا، مهدی اخوان ثالث شاعری از مکتب خراسان بود که خود را به‌عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار عرصه‌ی ادبیات معرفی کرد. مکتب خراسان مکتبی است که مهم‌ترین ویژگی‌اش زبان حماسی آن است، مکتبی که اسطوره‌ای چون فردوسی، در آن پرورش یافته است. زبان اخوان سخت پای‌بند به اصول و قواعد زبان خراسانی است و بسیاری از مشخصه‌های نحوی سبک خراسانی را به شکل برجسته و شاخص در قصایدش می‌توان یافت (همان: ۱۲۰). سبک شعر فارسی دری را از آغاز نیمه‌ی دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم "سبک خراسانی" می‌نامند. سبک خراسانی که از جمله نمایندگان آن می‌توان از رودکی، شهید بلخی، عنصری، فرخی، منوچهری و انوری نام برد (معین، ذیل واژه "سبک") که به لحاظ تاریخی سلسله‌های طاهری، صفاری، سامانی و غزنوی را در برمی‌گیرد. البته بحث اصلی مربوط به دوره‌ی سامانیان و غزنویان است (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۰). شعر این دوره، شعری واقع‌گراست، زیرا اوضاع دربارها، محیط زندگی، روابط ارباب و کنیز و غلام، تفریحات و اتفاقات، لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها را منعکس می‌کند. برای نمونه، می‌توان از برخی اشعار عنصری، لشکرکشی و حوادث آن را به نحو دقیق تاریخی است خراج کرد و در حالی که از امور ذهنی و خیالی خبری در آن نیست! قصیده‌ی معروف عنصری به مطلع زیر:

چنین نماید شمشیر خسروان آثار چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار
(همان: ۶۶)

شیوه واقع‌گرایی ملهم از سبک خراسانی اخوان در تصویرگری خشونت‌ها، زشتی‌ها و دردهای انسانی نمود پیدا می‌کند. خودش می‌گوید: «من می‌خواهم که ما مردم فراموش نکنیم که در چه وضع ناگوار و حال شوم و زشتی به‌سر می‌بریم» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴:

۲۲۵). همین عبارت کوتاه و ساده، با منطقی کوبنده به ما می‌فهماند که زشتی‌ها، پلیدی‌ها و ناپهنجاری‌های اجتماعی، واقعیات تلخی هستند که الزاماً بایستی به کمک جاذبه‌های هنری به مردم منتقل شوند. اما او چندان راه‌حلی ارائه نمی‌دهد، تصویرگری می‌کند و معرفی وضع موجود:

هان کجاست؟

پایتخت این بی‌آزم و بی‌آیین قرن

کاندر آن بی‌گونه‌ای مهلت

هر شکوفه‌ی تازه‌رو بازیچه‌ی بادست

هم‌چنان که حرمت پیران میوه‌ی خویش بخشیده

عرصه‌ی انکار و وهن و غدر و بیدادست (همان، ۱۳۷۸: ۸۱).

شاعر تصویرگری می‌کند و این قرن، بی‌آزم و بی‌آیین است. در آن هر شکوفه‌ی تازه‌رویی بازیچه‌ی باد است و حرمت پیران میوه‌ی خویش بخشیده عرصه‌ی انکار و وهن و غدر و بیداد است.

او در قصیده‌ای در "آخر شاهنامه" می‌گوید:

در شب قطبی

... زی شبستان غریب من

... برگ زردی هم نیارد

باد ولگردی (همان: ۱۲۴).

شب، قطبی است، باد ولگردی هم برگ زردی به جانب شبستان غریب شاعر ما نمی‌آورد چرا؟ به قول شهریار باید: «از محیط خفقان‌آور تهران پرسید» (کاخ، ۱۳۸۵: ۳۱۰). در سراسر شعر "زمستان" نیز این تصویر خفقانِ سرد به وضوح دیده می‌شود نظیر: سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت.

هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان،

نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین ... (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۹۹).

عبارت‌های کوتاه، قصد آن دارند تا به سرعت و با آهنگی تند، فضای کلی جامعه را

توصیف کنند. شاعر با عبارت‌های بسیار دقیق، دست بر همان جاهایی می‌گذارد که باید در چند سطر، همه‌ی آنچه را که در جامعه‌ی خود می‌بیند، بگوید.

در شعر چاووشی، ترس و بی‌اعتمادی را چنان آمیخته با جان خود می‌داند که حتی از سیلی‌خور هم وحشت می‌کند. شاعر آن بی‌اعتمادی نسبت به اتفاقات جاری را با واقع‌گرایی تمام نمایش می‌دهد، چنان‌که ترس خود را هم از سیلی‌خور پنهان نمی‌کند و به بلند پروازی نمی‌پردازد:

من اینجا از نوازش نیز چون آزار ترسانم

ز سیلی‌زن، ز سیلی‌خور،

وزین تصویر بر دیوار ترسانم (همان: ۱۵۰).

در شعر "آواز کَرک" بسته بودن هر دری را به‌خوبی نشان می‌دهد:

... بده... بدبند... ره هر پیک و پیغام و خبر بسته است

نه تنها بال و پر، بال نظر بسته است ... (همان: ۱۴۱).

تمام شعر "اندوه" هم یادآور چنین فضایی است:

نه صدای پای اسب رهزنی تنها،

نه صغیر باد ولگردی،

نه چراغ چشم گرگی پیر (همان: ۸۳).

شاعر تمثیل‌وار اوضاع بی‌سامان و تأسف‌بار را با استفاده از تصاویری بدیع نشان می‌دهد. استفاده از نماد، روش دیگر اخوان برای تصویرسازی از واقعیت‌های موجود است که در ذهن خود دارد.

آنجا که در پی ستایش عزت و آزادگی برمی‌آید، وضعیت «سگان» جیره‌خوار و مسخ شده را در مقابل گرگ‌های رنجور ولی آزاد در شعر سگ‌ها و گرگ‌ها ... با طنزی تلخ و تکان‌دهنده به رخ می‌کشد و از زبان سگ‌ها، این جامعه‌ی فروریخته را به سخره می‌گیرد:

وز آن ته‌مانده‌های سفره خوردن،

وگر آنهم نباشد، استخوانی.

چه عمر راحتی، دنیای خوبی،
 چه ارباب عزیز و مهربانی! (همان: ۶۶).
 شش صد هزار انسان، که برخیزند و خسبند
 با بانگ محزون و کهنسال نقاره
 دائم وضو را نو کنند و جامه کهنه
 از ابروی خورشید تا چشم ستاره
 وز حاصل رنج و تلاش خویش محروم (همان: ۵۹).
 شاعر باز هم برای مواجهه‌ی مؤثر با وضعیت آزاردهنده‌ی جامعه، متوسل به طنزی تلخ
 و گزنده می‌شود که با تضاد موجود در مصراع سوم برجسته‌تر می‌شود.

اخوان؛ سرایش امید به روشنایی در تاریکی فضای سیاسی ایران

کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را نقطه‌ی عطفی برای بسیاری از اتفاقات - خصوصاً - ادبی پس از آن برشموده‌اند. در تأثیر این کودتا بر ادبیات معاصر، شاید کمی راه مبالغه طی شده باشد، اما تأثیر آن بی‌شک انکارناپذیر است. این را می‌باید ضمیمه‌ی این آگاهی ساخت که فضای روشنفکری ایران از زمان مشروطه، با نوعی یأس و دلزدگی و ظاهر نومیدی آمیخته است و تا حدی می‌باید کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را لحظه‌ی یافتن مصداق خارجی برای آن یأس و نومیدی یافت که پیش‌تر نیز نموده‌ایی از آن در میان روشنفکران دیده می‌شد. سقوط دولت مصدق، چند تلاقی گاه مهم را برای حوزه روشنفکری ایرانی تا بهمن ۱۳۵۷ شکل داد. نخست این که کودتا درست پس از بالغ بر یک دهه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی رخ داد (کریمی، ۱۳۹۱: ۲۳۸).
 از فردای بعد از کودتا، مردم ایران دیگر مردم سابق نبودند. بی‌اعتمادی پس از کودتا ثمره چرخش جماعتی بود که از صبح تا عصر حرف‌شان را تغییر دادند و مصدق را تنها گذاشتند. هرچند نمی‌شود به‌راحتی شرایط پیچیده آن سال را تحلیل کرد، اما آنچه اتفاق افتاد، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود (تاج‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۶).
 ادبیات نیز پس از کودتا روی دیگری را به‌خود دید. سانسور دستگاه حاکم باعث شد

سمبولیسم چه در شعر و چه در رمان پر رنگ‌تر شود و مبارزه در کلمات شکل تازه‌ای به‌خود گیرد. در این میان شعر پس از کودتا اهمیت به‌سزایی دارد. شاعران مطرح آن دوران که اغلب دلبستگی هرچند کوچک به حزب توده داشتند، در کلام‌شان بارها و بارها از کودتا یاد کردند و پرچمدار مبارزه با خفقان دستگاه حاکم شدند. جماعتی که در روزهای منتهی به سال ۱۳۳۲ در کافه‌های تهران دورهمی‌های کوچک داشتند و در ذهن‌شان جامعه‌ای آرمانی ساخته بودند، مرتضی کیوان، مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج، احمد شاملو، سیاوش کسرای و حتی نیما (شاهین دژی، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

در این بین اخوان پس از جریانات ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دو ماه به زندان افتاد و شکنجه شد. داستان زندانی شدن اخوان از آن دست روایات تاریخی است که بارها و بارها به طرق گوناگون نقل شده است. بسیاری دستگیری اخوان را گردن نیمایوشیج می‌اندازند و از شاعر نامدار ایرانی گله دارند. اخوان آن دوران را این‌طور روایت می‌کند: «بعد از واقعه کودتا، دستگیری‌ها شروع شد که ما را هم در آن وقت دستگیر کردند که از توده‌های ملایم بودیم و طرفدار حزب، حتی جزو رده‌های پایین هم نبودیم. لذا وقتی رده‌های بالای حزب را دستگیر کردند، فهمیدند که ما در تشکیلات حزب مؤثر نیستیم، آزادمان کردند. اما بعد از گذشت مدتی کوتاه دوباره مرا گرفتند و حبس شدم. تعجب کردم و با خود می‌گفتم علت دستگیری دوباره من چیست؟ چند روز مرا بلا تکلیف در محبس نگه داشتند تا این‌که یک روز مرا برای بازجویی به اتاق تیمسار تیمور بختیار بردند. او روی میز کار دفتر خود نشسته و با هفت تیرش بازی می‌کرد. پس از مدتی سکوت در همان وضع گفت: تو علیه اعلی‌حضرت همایونی شعر گفته‌ای؟ گفتم من چنین شعری نگفته‌ام و موضوع را انکار کردم. بی‌هیچ گفت‌وگوی دیگری به دستور او مرا دوباره به سلولم برگرداندند. بعد از چند روز دوباره مرا برای بازجویی پیش او بردند. تیمسار شعری را به من نشان داد که با دست خط نیما نوشته و زیرش قید شده بود که از اخوان است و گفت: ببین پیشوای‌تان صراحتاً نوشته این شعر را تو گفته‌ای و تو انکار می‌کنی؟ من وقتی خط نیما را شناختم، برای رستن پیرمرد، به ناگزیر موضوع را به گردن گرفتم و بعدها فهمیدم جلال آل‌احمد به نیما گفته بود تو با این جسم نحیف اگر

به زندان بروی، می‌میری، بگذار جوان‌ها فولاد آبدیده شوند و انتخاب‌شان من بودم و به هر حال، علت گفتن این هجو نیز همین بود» (تاج‌الدین، ۱۳۹۶: ۸).

اشاره اخوان به هجو، شعری تک‌بیتی است که در آن سال‌ها سر و صدای زیادی به پا کرد. حتی در مجلسی، سیاوش کسرای که ارادت ویژه‌ای به نیما داشت، یقه‌ی اخوان را می‌گیرد و شاعر نحیف‌الجثه را برای سرودن این بیت کتک می‌زند. بیتی که می‌گوید:

مرا نیمای مادر... لو داد مرا لو پیشوای شعر نو داد! (همانجا)

هرچند اخوان هیچ‌گاه سرودن این تک‌بیت را گردن نگرفت اما در تاریخ به نام او ثبت شده است.

ناکامی مردم ایران به رهبری محمد مصدق برای آزادی و ارزش‌های دموکراتیک، خلأ سیاسی ژرفی در جامعه ایجاد کرده و گرد یأس و پریشانی بر سر مردم پاشیده بود. اخوان از شاعران مردمی بود که همواره در کنار مردم می‌زیست، خود را با آنها یگانه می‌دید، شکست مردم طبع شاعر را آزرده و غم خود را در شعر نشان داد:

گلبانگ ز شوق گل شاداب توان داشت من نوحه‌سرای گل افسرده خویشم
گویند که امید و چه نومیدند من مرثیه‌خوان وطن مرده خویشم

(مجاهد تقی، ۱۳۹۵: ۸۰)

میهن‌پرستی امید در قصیده‌ای که در اواخر عمر سرود، عیان است. اخوان در شعر «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم» اوج دلبستگی خود را به وطن نشان می‌دهد:

ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم	زپوچ جهان هیچ اگر دوست دارم
ترا دوست دارم اگر دوست دارم	ترا ای کهن پیر جاوید برنا
ترا ای گرمی گهر دوستدارم	ترا ای گرانبمایه دیرینه ایران
بزرگ آفرین نامور دوست دارم	ترا ای کهن زاد بوم بزرگان
که شان همچو بحر خزر دوست دارم	خوشا رشت و گرگان و مازندرانت
که شیرین‌ترینش از شکر دوست دارم	خوشا حوزه شرب کارون و اهواز
من آن پیشگام خطر دوستدارم	فری آذر آبادگان بزرگست
فزونت‌تر ز نصف دگر دوستدارم	صفاهان نصف جهان ترا من

خوشا خطه نخبه‌زای خراسان
 زهی شهر شیراز جنت طرازت
 بر و بوم کرد و بلوچ ترا چون
 خوشا طرف کرمان و مرز جنوبت
 جهان تا جهانست پیروز باشی
 برونمند و بیدار و بهروز باشی
 زجان و دل آن پهنه‌ور دوستدارم
 من آن مهد ذوق و هنر دوست دارم
 درخت نجابت ثمر دوستدارم
 که شان خشک و تر بحر و بر دوست دارم
 (اخوان ثالث، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

دوران کودتا گذشت و اخوان آن روز باید برای آنچه بر کشور رفته بود، شعری می‌سرود. سکوت ناشی از شکست آرمان‌های ملی و میهنی در شعر اخوان، مانند سوگ حماسه‌هایی است که با زبانی نمادین و با به تصویر کشیدن جامعه و سیاست‌های حاکم بر آن، گزارشی از حال و روز ایرانیان آزادی‌خواه و روشنفکر به‌دست می‌دهد. «محیط تنگ و بسته و خاموش، نبودن آزادی قلم و بیان، نابودی آرمان‌ها، تجربه‌های تلخ و پراکندگی یاران و همفکران» (یوسفی، ۱۳۷۴: ۷۳۵)، همه حکایت از سردی، تیرگی و نابسامانی جامعه دارد و در این سردی، پژمردگی و تاریکی است که شاعر، زمستان اندیشه و پویندگی را احساس می‌کند:

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت
 هوا دلگیر، درها بسته،

سرها در گریبان، دست‌ها پنهان
 نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین
 درختان، اسکلتهای بلور آجین
 زمین دلمرده، سقف آسمان کوتاه
 غبار آلوده مهر و ماه

زمستان است (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۹۹).

در مزارآباد شهر بی‌طیش
 وای جغدی هم نمی‌آید به‌گوش
 دردمندان بی‌خروش و بی‌فغان

خشمناکان بی‌فغان و بی‌خروش (همان، ۱۳۷۸: ۵۶).

من خوب می‌دیدم، گروهی خسته از ارواح تبعیدی

در تیرگی آرام از سویی به سویی راه می‌رفتند

احوالشان از خستگی می‌گفت

اما هیچ یک چیزی نمی‌گفتند

خاموش و غمگین کوچ می‌کردند

افتان و خیزان، بیشتر با پشت‌های خم

فرسوده زیر پشتواره‌ی سرنوشتی شوم و بی‌حاصل (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۵۷).

شعر "زمستان" از مجموعه‌ی زمستان را می‌توان طلیعه‌ی اشعار دوره‌ی شکست به‌شمار آورد. این شعر به زیباترین وجهی با استفاده از زبان و بیان سمبلیک، اوضاع پرترس و تهدید و خفقان‌آمیز ایران پس از کودتا را نشان می‌دهد. شاعر در این شعر چنان وامی‌نماید که "قندیل سپهر تنگ میدان" (خورشید که خود نماد آزادی، عدالت، حقیقت، انقلاب و ... است) در "تابوت سستبر ظلمت نه توی مرگ‌اندود، پنهان است" و هیچ‌امیدی به طلوع دوباره‌ی آن نیست.

شاعر برای انتقاد زیرکانه از نابسامانی‌های جامعه و ارزش‌های تحمیلی آن و بی‌ثمر بودن حرکت‌های انقلابی، در شعر تمثیلی و سمبلیک "قصه‌ی شهر سنگستان"، با نمادهایی که سرشار از کهنگی، درهم‌ریختگی و ناتوانی است، مقصود خود را به نمایش می‌گذارد:

غم دل با تو گویم، غار!

بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟

صدا نالنده پاسخ داد: ... آری نیست؟ (همان: ۲۷).

در جای دیگر آورده:

آه، دیگر ما

فاتحان گوژپشت و پیر را مانیم

بر به کشتی‌های موج بادبان از کف

... تیغ هامان زنگ خورد و کهنه و خسته

کوس هامان جاودان خاموش

تیرهامان بال بشکسته (همان: ۸۵).

زبان شعر اخوان در سروده‌های فوق ملهم از مکتب سمبولیسم، زبانی است حماسی و تأثیرگذار و نافذ و قاطع. توضیح این‌که، برخلاف جریان رمانتیسم اجتماعی و انقلابی که در آن از زبانی نرم و روان و غنایی برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شود، در رویکرد مورد اشاره، شاعر از زبانی تند و شدید و حماسی برای بیان مقاصد خود بهره می‌گیرد. در این بین گرایش اخوان ثالث به سبک خراسانی، تقویت ویژگی حماسی و تأثیرگذاری سروده‌هایش را دوچندان نموده است. شعرهای اخوان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آن قدر بوی خیانت، تردید، یأس، ناامیدی، شکست، حقارت و سرخوردگی‌های سیاسی - اجتماعی می‌گیرد که عده‌ای بعدها او را شاعر حماسه‌سرای غم‌ها می‌نامند. یا همان مصداق "شاعر نی‌ام و شعر ندانم که چه باشد/ من مرثیه‌خوان دل دلمرده‌ی خویشم" ... و اما زمستان اخوان چنین روایت تلخی از واقعه دارد (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۲).

وگر دست محبت سوی کس یازی

به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که سرما سخت سوزان است (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۴۳).

و همان‌جا این قصه غم‌انگیز را شاهنامه‌وار روایت‌گر است:

تگرگی نیست، مرگی نیست

حدیثی گر شنیدی، قصه‌ی سرما و دندان است

من امشب آمدستم وام بگذارم

حسابت را کنار جام بگذارم

چه می‌گویی که بیگه شد، سحر شد، بامداد آمد؟

فریبت می‌دهد، بر آسمان این سحر سرخی بعد از سحرگه نیست

حریف! گوش سرما برده است این، یادگار سیلی سرد زمستان است (همانجا).

از همان ابتدا معلوم است که حکایت سرمای زمستان، بهانه‌ای بیش نیست و شاعر قصد دیگری دارد. شاعر در به تصویر کشیدن فضای سیاسی، بسیار متبحرانه عمل کرده و استعاره‌ها و تشبیه‌هایی بی‌نظیر را با دل و جان بر کاغذ جاری کرده است. راوی اخوان در شعر زمستان، پس از انتقاد از دیگران که در این سرما سرشان در لاک خودشان است، به انتقاد از نفسِ مأیوس کننده خودش می‌پردازد. ظاهراً سرمای زمستان، سر آدمی انرا در گریبان خود فرو برده است. آن چنانکه برای انسان، مجالی جهت ارتباط کلامی و یا حتی مشاهده دوست و آشنا باقی نگذاشته است. ظاهراً هوای مه‌آلود و تاریک زمستان باعث می‌شود که نگاه آدمیان به مقابل پای خود خیره شود و گویی بیشتر از آن، توانایی مشاهده ندارد (مردی در ...، ۱۳۹۴: ۷).

در واقع، اخوان به ظرافت تمام کوتاهی و محدودیت نگاه آدمیان، تاریکی راه، نبود مناسبات مردمی میان آدمیان و سردی روابط اجتماعی را عامل پیدایش زمستان دیگری (استبداد) می‌داند که هر چند تحمل آن برای هنرمند، برای شاعر و یا برای هر کس دیگری که به "این" و "اینجا" نمی‌اندیشد، به مراتب مشکل و مشکل‌تر از زمستان طبیعت است، اما در عین حال، آمدن بهار را نیز محال و ناممکن نمی‌داند که تکاپو و تلاش از یک سو و مردانگی و غیرت از سوی دیگر را می‌طلبد.

نتیجه

شعر همواره یک رسانه است، زیرا زبان یک رسانه محسوب می‌شود و شعر در هر صورت حادثه‌ای است در زبان، اما آن چه یک شعر می‌رساند با آن چه که زبان در قالب غیر شعری می‌رساند، یکی نیست و از سوی دیگر، گویایی و رسایی شعر در بیان شرایط جوامع زیر سلطه، اختناق و خفقان حکومت‌های استبدادی که اجازه سخن صریح و آشکار از آگاهان دردمند جامعه سلب شده و نقد علیه حکومت برتابیده نمی‌شود، بدان ویژگی خاصی می‌بخشد.

بی‌شک تمام رخداد‌های سیاسی و اجتماعی ایران، بر تطور ادبی و بویژه شعر که هنر ملی ماست تأثیر چشم‌گیری داشته است و به تعبیر دیگر، ادبیات هر جامعه روح جامعه و

ادبیات هر دوره، بازتاب واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن مقطع زمانی است. در ادبیات ایران، مهدی اخوان ثالث (م.امید، ۱۳۰۷-۱۳۶۹) از جمله شاعرانی است که مشخصه‌ی بارز شعرش، توصیف و بیان تاریخ اجتماعی و سیاسی است. شعر اخوان میراث‌خوار فضای پر از التهاب ایران در دوره‌ی خویش، آینه‌ای است که در آن می‌توان بسیاری از مسائل اجتماعی آن روز را با دیدی جامعه‌شناسانه بازنگری نمود و بازتاب افکار سیاسی و اجتماعی وی را در آثارش به نظاره نشست. وی نگاه نوینی نسبت به انسان، جامعه و مسائل اجتماعی داشت و تمام دردها و رنج‌هایی که به انسان‌ها تحمیل می‌شد را از رهگذر احیای سنت‌های حماسی و اساطیری کهن، صلابت و سنگینی شعر خراسانی و شیوه‌ی روایت‌گری، در محکمه‌ی شعرش به تازیانیه‌ی انتقاد می‌گرفت. آن‌چه اندیشه‌ی شاعر را در این برهه بیشتر به خود مشغول نموده و با واژگان و ترکیباتی مناسب با حال و هوای مردم آن روزگار در شعرش بدان معترض است، سکوت ناشی از ترس مردم ایران، به‌خصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که سبب تداوم سرمای جان‌سوز زمستان سیاسی و مانع فرارسیدن گرمای بهار آزادی می‌گردد. حاصل کلام این‌که اخوان شاعر درد و دردمندی است، درد او اگرچه به یک اعتبار، درد خاص او نیست و درد یک نسل است، اما در زبان او بیان خاص خود را می‌یابد و شعر او بیان احوال نسلی است که زبان خود را در شعر یک دهه و بویژه شعر اخوان خواهند یافت.

منابع

- آذرشب، محمدعلی (۱۳۸۵). *الادب العربی و التاریخچه*. تهران: سمت.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۷۶). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.
- احمدپور، علی (۱۳۸۸). "م. امید (مهدی اخوان ثالث) در میانه‌های یأس و امید". *بهارستان سخن (ادبیات فارسی)*، دوره پنجم، ش ۱۴ (پاییز و زمستان): ۷۱-۹۰.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۸). *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم*. تهران: مروارید.
- ----- (۱۳۶۹). *زمستان*. تهران: مروارید.

- (۱۳۷۸). آخر شاهنامه. تهران: مروارید.
- (۱۳۸۴). از/این/اوستا. تهران: مروارید.
- اخوان لنگرودی، مهدی (۱۳۷۳). یک هفته با شاملو. تهران: مروارید.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۱). "اخوان ثالث یک ذات شاعرانه است: گفتگو با سیمین بهبهانی". روزنامه شرق (۵ شهریور): ۱۴.
- بهمنی مطلق، حجت‌الله؛ پورنامداریان، تقی (۱۳۹۱). "تأملی در زبان قصاید اخوان ثالث". فصلنامه ادبیات پارسی معاصر، سال دوم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱-۲۴.
- تاج‌الدین، محمد (۱۳۹۶). "تأثیر کودتای ۲۸ مرداد بر ادبیات معاصر". روزنامه جهان صنعت (۲۵ مرداد): ۸.
- چدویک، چارلز (۱۳۷۵). سمبولیسم. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: نشر مرکز.
- حیدری، حسن؛ صباغی، علی (۱۳۹۰). "پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث". پژوهش‌های ادبی، دوره هشتم، ش ۳۱ (تابستان): ۵۱-۸۰.
- خسروی شکیب، محمد؛ جوادی نیا، مجتبی (۱۳۹۱). "دیالکتیک شکل و محتوا در شعر زمستان اخوان ثالث". شعر پژوهی، سال چهارم، ش ۲، پیاپی ۶۶ (تابستان): ۷۷-۹۸.
- داد، سیما (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۳). نگاهی به مهدی اخوان ثالث. تهران: مروارید.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. تهران: دانشگاه تهران.
- رحیمیان، جلال؛ بتولی‌آرانی، عباس (۱۳۸۳). "منظورشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار اخوان ثالث". دوفصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی)، دوره بیست و یکم، ش ۱، پیاپی ۴۰ (بهار): ۴۲-۵۵.
- رحیمی‌نژاد، کاظم (۱۳۷۶). "سیاست و اجتماع در اشعار مهدی اخوان ثالث (م. امید)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: توس.

- سرور یعقوبی، علی (۱۳۸۸). "هماهنگی و هدفمندی تصویر در شعر مهدی اخوان ثالث". *فصلنامه اندیشه‌های ادبی*، سال اول، ش ۲ (زمستان): ۶۹-۸۴.
- شاملو، احمد (۱۳۷۰). *پیام احمد شاملو به جلسه یادبود مهدی اخوان ثالث*، باغ بی برگی. به کوشش مرتضی کاخی. تهران: ناشران.
- شاهین دژی، شهریار (۱۳۸۸). *شهر سنگستان: نقد و تحلیل اشعار مهدی اخوان ثالث*. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). *حالات و مقامات م. / امید*. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). *سیک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس؛ حسین‌پور، علی (۱۳۸۰). "جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران". *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، سال پنجم، ش ۲۰ (پائیز): ۲۷-۴۲.
- طاهباز، سیروس (۱۳۷۰). *دفترهای زمانه: بدرودی با مهدی اخوان ثالث و دیدار و شناخت م. / امید*. تهران: مؤلف.
- ----- (۱۳۸۰). *زندگی و شعر یوشیچ*. تهران: ثالث.
- عرفانی، فاطمه (۱۳۸۱). "زبان حماسی و ارتباط آن با تصویرگری در شعر مهدی اخوان ثالث (م. / امید)". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مشهد).
- فولادوند، عزت‌الله (۱۳۷۰). "شعرهای اخوان ثالث در شیوه‌های نو". *ماهنامه آینده*، سال هفدهم، ش ۹ (آذر): ۷۰۹-۷۲۳.
- قاسم‌زاده، محمد؛ دریایی، سحر (۱۳۷۰). *ناگاه غروب کد/امین ستاره*. تهران: بزرگمهر.
- قلمی فرد، یعقوب (۱۳۷۱). "بررسی ساختار زبان شعری مهدی اخوان ثالث". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی*، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- قنادان، رضا (۱۳۹۶). *معنای معنا: نگاهی دیگر*. تهران: مهر ویستا.
- کاخی، مرتضی (۱۳۸۵). *باغ بی‌برگی (یادنامه‌ی اخوان ثالث)*. تهران: زمستان.
- کریمی، ابوذر (۱۳۹۱). "ایرانیّت و بازگشت جاودانه همان". *دوماهنامه سوره اندیشه*، سال نهم، ش ۶۲-۶۳ (شهریور و مهر): ۲۳۶-۲۴۴.

- مجاهد تقی، عبدالرحمن (۱۳۹۵). *تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران*. تهران: ابتکار.
- مختاری، محمد (۱۳۷۰). *انسان در شعر معاصر*. تهران: توس.
- مردی در حیات کوچک پاییز در زندان (۱۳۹۴). *روزنامه دنیای اقتصاد (ویژه نامه)*، (۹ شهریور): ۱-۲.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*، ج ۲. ذیل: اِخ.
- میزبان، جواد (۱۳۸۲). *از زلال و آیین، تأملی در شعر اخوان ثالث*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نوری، علی؛ کنجوری، احمد (۱۳۹۰). "معنا، زبان و تصویر در شعر آخر شاهنامه از مهدی اخوان ثالث (م. امید)". *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، سال نهم، ش ۲۲ (پائیز): ۱۱۳-۱۴۵.
- نیمایوشیج (۱۳۹۲). *مجموعه کامل اشعار نیما*. تدوین سیروس طاهباز. تهران: نگاه.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: چشمه.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۴). *چشمه‌ی روشن*. تهران: علمی و فرهنگی.

نقوش انسانی در کنده‌نگاره‌های شرق ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۰

سارا صادقی^۱

حمیدرضا قربانی^۲

حسن هاشمی زرج آباد^۳

چکیده

صخره‌نگاره‌ها، هنر صخره‌ای و یا به مفهوم رایج و متداول در میان باستان‌شناسان، "باستان‌شناسی هنر صخره‌ای" از جمله شواهد فوق‌العاده در حوزه مطالعات باستان‌شناختی و رشته‌ها و دانش‌های خویشاوند دیگر است. این گنجینه‌های عظیم اطلاعات متنوع به هر میزان که گسترده‌تر و شناسایی، کشف و مطالعه شده‌اند، اطلاعات و آگاهی ما از چگونگی فرآیند فرهنگ و حیات اجتماعی اعم از نوع اقتصاد و معیشت و شیوه‌های دادوستد و نظام‌های ارزشی و باورهای جمعیت‌های انسانی در گذشته غنی‌تر، ژرف‌تر و مطمئن‌تر شده است. میلیون‌ها جایگاه هنر صخره‌ای در سراسر جهان شاهدهی بر خلاقیت بشر در دورانی است که بیش از ده هزاره به اعماق ماقبل تاریخ باز می‌گردد. این هنر دارای ابعاد جغرافیایی وسیعی است که در بسیاری از نقاط دنیا بدست آمده است. در چند دهه اخیر در ایران تحقیقات فراوان در این زمینه صورت گرفته است. این پژوهش به بررسی نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی پرداخته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی است. اهداف پژوهش عبارتند از بررسی و معرفی نقوش انسانی، طبقه‌بندی نقوش انسانی، مقایسه تطبیقی نقوش با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران، نمادشناسی نقش‌مایه‌های انسانی و ارتباط نقوش با عقاید و فرهنگ زندگی مردمان گذشته. نتایج حاکی از این است که مضمون نقوش انسانی در شش دسته‌ی منفرد،

۱. sara_sadeghi809@yahoo.com

۲. ghorbani.hr@birjand.ac.ir

۳. h.hashemi@umz.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. استادیار باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

۳. دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

در مراسم (آیینی، رقص)، در حال نبرد، در مراسم نمایشی (مسابقه، سوارکاری)، در چراگاه یا دامداری و همراه با نقوش نمادین می‌باشد. این نقش‌مایه‌ها، زندگی گذشته انسان‌هایی را به ما معرفی می‌کنند که با اعتقادات خود، زندگی را باور داشته‌اند و نشان و کلامی از زوایای تاریک دنیای باستان را برای ما روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: هنر صخره‌ای، نقوش انسانی، خراسان جنوبی.

مقدمه

مدتهاست دریافته‌ایم که هنر یک بازی ساده شخصی بی‌نتیجه نیست، بلکه بر زندگی جمعی انسان‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۱۴). فرهنگ و هنری که از دیرباز در قلمرو سرزمین ایران به وجود آمده، دارای مشخصه و مؤلفه‌هایی گردید که بیانگر ایرانی بودن آن شد و از همین‌رو است که در هر مکان جهان، آثاری از این فرهنگ دیده شود، بی‌آن‌که نامی بر روی آن نوشته باشند، نمایانگر ایرانی بودن خود هستند. آن‌چه ایرانی بودن این آثار را بیان می‌کند، اشتراکات فکری و فرهنگی ملت‌هایی است که در طول تاریخ در این سرزمین زیسته و احوالات اندیشه آنان، شباهت‌هایی محوری به‌خود گرفته و نوعی یکپارچه کلی در استمرار این آثار حفظ شده است (سامه و شیرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۲). پی بردن به این‌که هر طرح و نقش، چرا و چگونه تکوین یافته، ما را از آرمان‌ها، اعتقادات و نگرش یک جامعه نسبت به پیرامونش آگاه می‌کند. معمولاً این سمبل‌ها هستند که تجلی‌گاه کمال، حقایق و ارزش‌های مطلق انسانی یک دوره و یا یک قوم از جوامع بشری است و این‌گونه هنر، نماد و اسطوره با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند (محمودی و نصیری، ۱۳۹۲: ۸). هنر صخره‌ای^۱ در مفهوم امروزی، فقط در برگیرنده نگاره‌هایی است که نقش‌های

۱. نقوش صخره‌ای در جهان به سه دسته تقسیم شده‌اند. این تقسیم‌بندی، به آثار ایران هم قابل تعمیم است: ۱- پیکتوگراف (Pictograph) یا رنگ‌نگاره: شامل نقاشی، طراحی، اندود رنگ و ... ۲- پتروگلیف (Petroglyph) یا کنده‌نگاره: آن‌چه که از طریق کندن، شکاف دادن، نقر، ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، از درون سنگ بریده شده است. ۳- ژئوگلیف (Geoglyph) پدیده‌ها و برجستگی‌های طبیعی زمین که به نحوی به‌دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده‌ی برداشت‌های ذهنی او قرار گرفته است، اعم از هنر یا آیین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

عمده آن، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری؛ حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به صورت تک نگاره یا در صحنه ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی بوده و سبک اجرایی این نقوش به شیوه کنده نگاره است (بیک محمدی؛ جانجان و بیک محمدی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). در این مقاله به بررسی نقوش انسانی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی پرداخته شده است. در میان نقوش شناسایی شده استان خراسان جنوبی با نقوش انسانی مواجه شدیم که غالباً به صورت مُسَبَّک^۱ و خطی و ندرتاً به صورت حجمیک ظاهر شده اند. نقوش یافت شده دربرگیرنده موضوعات مختلفی هم چون: نبرد، آیینی، سوارکاری و غیره می باشد. این مقاله در برگیرنده اهداف زیر است:

۱- بررسی و معرفی نقوش انسانی؛ ۲- طبقه بندی نقوش انسانی؛ ۳- مقایسه تطبیقی نقوش با دیگر سنگ نگاره های ایران؛ ۴- نمادشناسی نقش مایه های انسانی؛ ۵- ارتباط نقوش با عقاید و فرهنگ زندگی مردمان گذشته.

پیشینه پژوهش

پراکندگی هنر صخره ای در قسمت های مختلف ایران (شمال شرق، شمال غرب، مرکز فلات، جنوب و جنوب شرق) باعث تبدیل شدن این موضوع به شاخه جدیدی از این هنر در ایران شده است. جنوب خراسان نیز به دلیل بار غنی نیز همانند سایر بخش های خراسان بزرگ، از آثار و شواهد فرهنگی فراوانی برخوردار است که همواره مورد توجه محققان قرار گرفته اند (زارعی، سروش و کریمیان، ۱۳۹۱: ۳۰). در سال ۱۹۶۹ میلادی، بورنی^۲ در گزارش مقدماتی اش، کار خود را از اولین گزارش های مقدماتی درباره ی نقوش صخره ای ایران میداند (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۶). صراف و بشاش (۱۳۶۶: ۶) نقوش صخره ای کمرنبشته ی توپسرکان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و نقوش آن را شامل نقوش حیوانی، انسانی، هندسی و غیره معرفی کردند. در سال ۱۳۷۷ مجموعه نقوش منطقه تیمره (بخش هایی از استان قم و مرکزی در مرکز کشور) که از اهمیت ویژه ای

۱. مُسَبَّک (stylization): نقوش ساده شده، استیلیزه شده، خلاصه شده که با درجاتی از سادگی همراه است، به طور مثال استفاده از دو مثلث متصل به هم، یک لوزی ساده، یک مستطیل و غیره.

برخوردار بوده، به صورت کتابی جامع و کامل منتشر گردیده است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۶). رفیع فر (۱۳۸۴: ۷۵) در قالب کتابی با عنوان "سنگ‌نگاره‌های ارسباران" به صورت جامع‌تر به تشریح نقوش صخره‌ای هوراند (لقان) کلیبر پرداخت. بیگلری، مرادی بیستونی و جمشیدی (۱۳۸۶: ۵۳) گزارش بررسی نقوش غار چشمه‌سهراب (مراؤزا) دینور کرمانشاه را منتشر کردند و دیرینگی این آثار را با در نظر گرفتن تمام مدارک موجود در غار با قریب احتمال به دوران سلوکی - اشکانی و یا ساسانی نسبت دادند. بیک محمدی، جانجان و بیک محمدی (۱۳۹۱: ۱۳۹) به معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B، ارگس سفلی (ملایر - همدان) پرداختند و در بحث گاه‌نگاری نقوش این محوطه ذکر کردند که به روش مقایسه‌ای و نشانه‌شناختی با سایر آثار شناسایی شده از نگاره‌های سنگی و هم‌چنین با توجه به الگوهای استقرار منطقه مورد بحث و نشانه‌شناسی در بین نگاره‌های ارگس سفلی با رعایت شرط و احتیاط بسیار، می‌توان سنگ‌نگاره‌های ارگس را به دوران تاریخی (اشکانی و بعد از آن) منسوب کرد. پژوهش‌های شاخص صورت گرفته در استان خراسان جنوبی برای اولین بار به سال ۱۳۳۰ برمی‌گردد که مطالعات باستان‌شناسی پیرامون سنگ‌نگاره‌ها و قرائت کتیبه‌های اشکانی کال جنگال، توسط رضایی و کیا (۱۳۳۰: ۷) بود که گام‌هایی در این زمینه برداشته شد. پژوهش دیگر سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند است که در سال ۱۳۷۱ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت که در مجموع، نقوش و کتیبه‌های شناسایی شده ۳۰۷ مورد را در برمی‌گیرد (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴). این پژوهش به بررسی نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی پرداخته است. در رابطه با نقوش انسانی در ایران، محققان زیادی - از جمله آنهایی که در بالا به آثارشان اشاره شد - به پژوهش پرداخته‌اند، اما تمامی این پژوهشگران به صورت جسته و گریخته، همراه با دیگر نگاره‌های حیوانی، نمادین، کتیبه‌ها و غیره، تنها به معرفی نقوش انسانی در حوزه مورد مطالعه خود پرداخته‌اند. لذا این پژوهش برای اولین بار و به صورت شاخص به بررسی و تحلیل نقوش انسانی در ۱۱ محوطه از سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی در شرق ایران، با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته است.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی است. در روش میدانی نقوش انسانی یافت شده بر روی سنگ‌های استان خراسان جنوبی مستندنگاری شد و در مرحله کتابخانه‌ای، به تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نقوش در مناطق خاص که در این زمینه وارد مقوله مردم‌شناسی و مردم‌نگاری شده و بررسی نقوش با دیگر نقوش انسانی یافت شده در میان سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته شده است.

کلیاتی در باب ویژگی های جغرافیای خراسان جنوبی

استان خراسان جنوبی با وسعتی معادل ۱۹۳/۱۵۱ کیلومتر مربع، بین مدار جغرافیایی ۳۱° تا ۳۴° عرض شمالی و ۵۷° تا ۶۰° طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان خراسان جنوبی از شمال به خراسان رضوی و از شرق به طول حدود ۳۳۱ کیلومتر دارای مرز مشترک با کشور افغانستان بوده و از غرب به استان یزد و از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان محدود می‌باشد. از لحاظ وضعیت ارتفاعات، ارتفاعات خراسان جنوبی امتداد شمالی- جنوبی دارند (استاندارداری خراسان جنوبی، ۱۳۹۰: ۵۲). اقلیم استان خراسان جنوبی در اکثر بخش‌ها، خشک و بیابانی است. قلت ریزش‌های جوی و توزیع فصلی بارش که عمدتاً در زمستان نازل می‌شود با تابستان‌های گرم و خشک که ناشی از تأثیر پر فشار حاره‌ای در لایه‌های میانی جو است، از مهم‌ترین ویژگی‌های اقلیمی استان می‌باشد. این وضعیت در تابستان باعث تابش شدید خورشید و گرمای زیاد در سطح زمین می‌گردد (تاجریزی و آرزومندان، ۱۳۹۰: ۶۰) (نقشه ۱).

از نظر قومی استان خراسان شامل کردها، بلوچ‌ها، تیموری‌ها، ترک‌ها، بربرها، اعراب و یهودیان و کولی‌ها می‌باشند. اجتماع قومی خراسان بسیار پیچیده است و پارس‌های این منطقه در شرایطی بسیار نامطلوب به‌سر می‌برند. این ولایت کاملاً آن جایگاه مهم را که در ابتدا پایگاه تمدن ایرانی به‌شمار می‌رفت، از دست داده است و کم‌وبیش

روستاییان پارسی خالص، تدریجاً به سمت کویر مرکزی در مسیر غرب و جنوب رانده شدند (ایوانف، ۱۳۸۸: ۶۰). در بررسی نقوش این استان می‌توان بین این قومیت و نقوش کنده‌نگاره‌ها، ارتباطی آیینی برقرار کرد.



نقشه ۱) موقعیت استان خراسان جنوبی در ایران

(گل‌کار حمزه‌یی یزد، رضایی‌نژاد و طاووسی، ۱۳۹۵: ۵۰).

جامعه آماری

در منطقه جغرافیایی این پژوهش، یعنی منطقه‌ی خراسان جنوبی، از مجموع ۲۰ منطقه، ۱۱ محوطه دارای نقوش انسانی یافت شده است که در این ۱۱ محوطه، ده‌ها نقش حیوانی، ابزار، نمادین و کتیبه نقر شده است. در این پژوهش نیز به نقوش انسانی موجود بر کنده‌نگاره‌های این استان پرداخته شده است. مکان‌های شاخصی که حاوی نقوش موجود هستند، سنگ‌نگاره‌هایی - رام‌گان ۱، خزان، لاخ دُل‌دُل، آسو، تنگل اُستاد، کافرکوه، لاخ چمنزار، کوه گردکوچک، کال جَنگال، نَخِلستان و کال حُسینا- هستند که در خصوص موقعیت جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا و سایر جزئیات این کنده‌نگاره‌ها، به‌دلیل طولانی شدن موضوع از این نوشتار برداشته شده و در قسمت جدول، در انتهای مقاله قید گردیده است (جدول ۹) (عکس ۱).

انسانی شبیه به هم است. از لحاظ سبکی نیز از نوع روش پتروگلیف^۱ (کنده‌نگاره) و پیاده و تماماً به صورت تک خطی و بسیار ساده نقر شده و نقوش انسانی منفرد در این نگاره‌ها، از روبه‌رو نمایش داده شده است، البته به جز نگاره‌های کالِ جنگال. در این محوطه نقوش از جهت شیوه و سبک اندازه و ابعاد نقش بسیار بزرگ‌تر از اندازه معمول است که دارای لباس است و مربوط به یکی از سربازان اشکانی - با توجه به کتیبه نقر شده در زیر نقش - است و هر دو نقش جهت‌شان به سمت چپ است. نقوش انسانی تک خطی شباهت بسیار زیادی به نقوش هزارسم در افغانستان دارد که مجموعه نقوش‌های کشف شده در این منطقه مربوط به دوران سنگی است (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۲۳). در کنده‌نگاره‌های صخره‌ای رمه‌کوه نصرآباد، نقش انسانی شبیه به سنگ‌نگاره کافرکوه دارد، با این تفاوت که زائده‌ای که در کنار کمر نقش انسانی کافرکوه وجود دارد در رمه‌کوه در وسط پاهای نقش انسانی حک شده است. در میان نقوش لاخِ مزار بیرجند به نگاره‌هایی برمی‌خوریم که به‌طور خلاصه شده و بسیار ساده کشیده شده‌اند، نقوش انسانی که احتمالاً یکی از انسان‌های خلاصه‌شده و ساده از شاخه یکی از درخت‌ها آویزان نشان داده شده است (همان، ۲۶). با نگاهی به تمامی نقوش در نگاره‌های استان خراسان جنوبی می‌توان پی برد تمام نقوش انسانی مربوط به مرد است و تنها نقوش تکی زن در سنگ‌نگاره خزان است که با توجه به لباسش (دامن) که شبیه به لباس دختر بچه است که باید گفت جای بسی تأمل دارد (جدول ۱).

جدول (۱) بررسی نقوش انسانی در صحنه های منفرد در سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ نگاره های ایران

					
(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۳۴)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۱۷)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۱۷)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۵۷)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۹۳)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۲۰۴)
					
(لباف خلیلی و بیشا، ۱۳۷۳: ۴۵)	(لباف خلیلی و بیشا، ۱۳۷۳: ۴۵)	(کریمی، ۱۳۸۶: ۲۲)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۸۴)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۸۵)	(قریبی، ۱۳۹۲: ۱۸۵)

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

نقوش انسانی در حال انجام مراسم رقص

تنها نقوش انسانی کشف شده بر روی صخره های این استان که در حال انجام مراسم رقص می باشد، در سنگ نگاره خزان است که از لحاظ سبکی از نوع پتروگلیف است. از نظر ریخت شناسی، نقش نیز از روبه رو و هرکدام دستمالی در دست چپ شان نقر شده است که نقش انسان پایینی که در آن یکی از پاهای خود را کمی بالا برده است که به علت گذشت زمان، نقش مقداری آسیب دیده است. این نقوش و این مراسم از لحاظ شباهت به نقوش صندوقه ۲ (شمال کرمانشاه) که یک نقش انسانی است که یک دست خود را به کمر زده و دست دیگرش را بالا نگه داشته و شیئی شبیه پارچه یا دستمال را طوری نگه داشته که موج های پاچه حرکت را القاء می کنند (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۵۷). در سنگ نگاره های جربت (شهرستان جاجرم)، نگاره های انسانی بیشتر به صورت گروهی و با پویایی تمام دیده می شوند. یکی از این نمونه ها، بسیار مشابه پایکوبی کردهای کرمانجی در خراسان شمالی است که بیشتر با حرکات دست و بدون نظم همیشگی در این گونه مراسم برگزار می شود (رشیدی نژاد؛ دلفانی و مصطفی زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

در نقوش پناهگاه اصلی سونگون (آذربایجان شرقی: ورزقان در قسمت شمال غربی دشت معادن مس سونگون)، تعدادی نقوش وجود دارد که نقوش زن‌هایی - با توجه به لباسی که به تن دارند - در آن مشخص شده است. تمامی این نقوش در حالت تمام رخ و به صورت زوج در کنار هم تصویر شده‌اند، دست‌های چپ‌شان به طرف بالا و دست‌های راست‌شان تماماً به طرف پایین است و در حالت کاملاً متحرک نمایش داده شده‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۶۳). در محل باستانی تام‌گلی در قزاقستان در یک صحنه نسبتاً بزرگ، نقش دو زوج که کاملاً آن را می‌توان شبیه به یک صحنه گروهی که در حال رقص هستند را به وضوح دید (Francfort, 1998: 309). در منطقه کوهستانی سارال (کردستان)، علاوه بر فجان‌نماها و جای پاها نیز تصویر زن و مردی کنده‌کاری شده که در حال رقص گردی هستند و مرد نیز دستمالی به دست دارد و هدایت رقص را به عهده گرفته، دیده می‌شود (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۶) (جدول ۲).

جدول ۲) بررسی نقوش انسانی در حال انجام مراسم رقص در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی
با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران و قزاقستان

 سنگ‌نگاره جریت (رشیدی‌زاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۹).	 صندوقه ۲ (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۶۰)	 خزل (قریایی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).
 منطقه کوهستانی سارال (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۷).	 نام‌گلی در قزاقستان (Lymer 2004 b: 163)	 سونگون (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۶۳)

نقوش انسانی مربوط به مراسم آیینی

در میان ۱۱ محوطه از سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی، سه صحنه وجود دارد که حائز اهمیت است. این صحنه های انسانی در حال انجام مراسم آیینی هستند که شامل:

۱- صحنه هایی در مراسم قربانی؛ ۲- مراسم مناسک جاودیی و ۳- مراسم ازدواج است. صحنه اول: اولین صحنه مراسم قربانی را نشان می دهد. در این صحنه، نقوش انسانی که فرد جلویی است سر بزکوهی را گرفته که احتمالاً مربوط به انجام مراسم قربانی است. رسم قربانی از کهن ترین ازمینه تاریخ، در میان اقوام باستان، با فرهنگ ها و تمدن های دیرینه، همواره رواج داشته است. این سنت، گاه به صورت اهدای قربانی های دسته جمعی انسانی و حیوانی و زمانی، به صورت هدایای نباتی و جمادی مرسوم بوده است. قدر مسلم است که این مراسم برای جلب رضایت خاطر خدایان و یا دفع آفات و بلاها صورت می گرفته است (فراهانی، ۱۳۸۹: ۷۶).

سؤالی که در این مرحله مطرح می شود آن است که انگیزه انسان ابتدایی از خوردن گوشت حیوان و ایجاد پیوند میان خویش و حیوان قربانی چه بود؟ رابرتسون اسمیت^۱ در پاسخ می گوید: چه بسا هدف انسان ابتدایی از خوردن گوشت حیوان و اتحاد با وی، به دلیل ترس از حیوانات بود که بعدها این اتحاد شکلی کامل تر به خویش گرفت و به شکل نظام توتمیسم^۲ مطرح گردید. خلاصه آن که، به اعتقاد رابرتسون اسمیت، رقبیلای با خوردن حیوان قربانی با توتم خویش در مواقعی خاص، آن هم به صورت دسته جمعی و در مراسمی ویژه، در صدد برمی آید تا پیوندی میان خود و توتم خویش ایجاد نماید. نظریات رابرتسون مخالفان و موافقانی را برانگیخت. از جمله مردم شناسانی که موافق نظریه رابرتسون بودند و حتی در پردازش نظریه های خود از وی تأثیر گرفتند،

1. Robertson Smith

۲. توتم: Totem. توتمیسم یکی از رخساره های آغازین حیات دینی و معنوی انسان و از نخستین نمونه های اندیشه ی ماوراگراییانه اوست. این واژه بر مبنای یک اصطلاح الگونکین، از زبان سرخپوستان امریکای شمال به معنای (آواز خویشان من) ساخته شده و اختصاص به نظامی دارد که در آن واحد، مذهبی و جامعه شناختی است. توتم دو دسته عمده گیاهی و حیوانی تقسیم و حیوان یا گیاه وابسته به گروه، توتم نامیده می شود و چون در گروه ها و قبایل توتمی، گیاه یا حیوان را "هم چون نبای اولیه خود و نیز خدای اختصاصی قبیله خویش می دانستند، آن را سخت گرمای می داشتند و از خوردن آن خودداری می کردند" (محسنی و ولی زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

می‌توان از اف. بی. جیونز^۱ نام برد. وی در مقدمه‌اش بر کتاب تاریخ دین، مستقیماً به این موضوع اشاره کرده است، اما از جمله مردم‌شناسان مخالف نظریه‌های رابرتسون اسمیت می‌توان از ماریلیر^۲، هوبرت^۳، مس^۴ و ای. وستر مارک^۵ را نام برد (همانجا) (جدول ۳، صحنه ۱).

صحنه دوم: در میان نگاره‌ها، نقش زن و مردی است که از روبه‌رو نمایش داده شده است و در دست مرد یک شیئی شبیه به چوبدستی قرار دارد. این نقش را می‌توان از نقوش مناسک جادویی دانست. در این نوع مراسم که دربرگیرنده نوعی مناسک و اعمال نیمه جادویی است که در آن از طریق رفتارها، دعاها و استفاده از بعضی مواد مخدر ادعا می‌کنند که می‌توانند نه تنها بین جهان زندگان و جهان درگذشتگان، بلکه با جهان‌های موازی دیگر رابطه ایجاد کنند. این نوع مناسک جادویی هنوز هم در چند نقطه از سیبری وجود دارد و در آسیای مرکزی و حتی ایران نیز توانسته است تداوم خود را حفظ کند. در حال حاضر دست‌کم در سه منطقه از ایران، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و حتی در سواحل خلیج فارس وجود دارد. نقش دوقلوهای سونگون (آذربایجان شرقی: ورزقان در قسمت شمال غربی دشت معادن مس سونگون)، قوبستان (جمهوری آذربایجان)، گغام (ارمنستان) و دره مانیکا (ایتالیا) وجود دارد که در مجموعه قوبستان، تأیید شده است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۸۱). شاید بتوان نقوش دوقلوی موجود در سنگ‌نگاره آسو را به نقوش ذکر شده در بالا شبیه کرد و مربوط به مراسمی از مناسک جادویی دانست (جدول ۳، صحنه ۲).

صحنه سوم: نقش زنی - با توجه به لباسش - و مردی نمایش داده شده است که هر دو پاهای چپ خود را کمی بالا برده‌اند و بر روی سرشان تعدادی نقش هندسی شبیه به نعل اسب حک شده است که این نقش را با توجه به نوشته هال^۶ (۱۳۹۰: ۱۸۸)

1. F. B. Jevons

2. Mariller

3. Hubert

4. Mauss

5. E. Wester Marcke

6. James Hall

نماد حفاظت دوره‌ی قرون وسطی است و آن را از آن زمان، روی درب بسیاری از بناها می‌گذارند و به‌عنوان حرز و تعویذ نیز به‌کار می‌رود. اصل و منشأ آن نامعلوم است و محبوبیت آن به‌عنوان نماد خوشبختی، تکاملی تازه است. نقش موجود در سنگ‌نگاره کوه‌گرد کوچک، تعدادی نقش نمادین شبیه به نعل اسب بر روی سر زن وجود دارد که احتمالاً برای خوشبختی این دو نقش نقر شده است (جدول ۳، صحنه ۳).

جدول ۳) بررسی نقوش انسانی در حال انجام مراسم آیینی در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران

 لاخ چمنزار (قریلمی، ۱۳۹۲: ۱۶۴)	۱. صحنه مراسم قریانی
 صحنه دق‌لوه‌های مناطق مختلف (رفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ۱۵۱)	 آسو (قریلمی، ۱۳۹۲: ۱۵۲) ۲. صحنه مناسک جادویی
 کوه گرد کوچک (قریلمی، ۱۳۹۲: ۱۷۴)	۳. صحنه مراسم ازدواج

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی)

از زیباترین و برجسته‌ترین صحنه‌های متعلق به نگاره اسب در استان خراسان جنوبی، مربوط به نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی) است. کنده‌نگاره‌های نمایشی یکی از مهم‌ترین نقوش و داده فرهنگی در بیان و نحوه پیشینه بازی‌های نمایشی و صحنه‌های مسابقه و بازی‌های نمادین در ایران است. در بازی‌های بومی شمال خراسان، بویژه در میان مردم قوچان، اسب‌سواری برای آموزش کودکان و ایجاد چالاکی، شادابی و ایجاد آمادگی هنگام نبرد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (جابانی، ۱۳۸۰: ۵۲). از زمانی که اسب توسط انسان رام شد، از آن برای سواری، بارکشی و مسابقه استفاده شد. اسب از چهارپایان مورد علاقه ایرانیان از زمان‌های دور بوده است. از دیگر نقوش حیوانی مورد بررسی در این صحنه، نقش اسب و اسب‌سوار است. سنت نمایش مردان اسب‌سوار حتی تا زمان‌های اخیر نیز ادامه یافته است و می‌توان چنین عناصری را در نقوش سنگ قبرهای اواخر سده‌ی نوزدهم در بیستون و در هنر عشایری سده‌ی اخیر نیز مشاهده کرد (بیگلری، مرادی بیستونی و جمشیدی، ۱۳۸۶: ۵۲). یکی از این نقوش، صحنه نمایش و مسابقه در سنگ‌نگاره آسو است. مجموعه‌ای از نقوش سوارکاری - جهت تمام حیوانات به سمت راست است و در تمام نقوش دست راست فرد سواره بر گردن اسب گذاشته شده است - شاید تداعی‌کننده نوعی صحنه مسابقه باشد (جدول ۴، صحنه ۱). در همان نقش، فرد سواره‌ای افسار اسب را گرفته، یا زین اسب را گرفته است و یا در یکی از دست‌هایش چوبدستی یا شلاق را برای رام اسب در دست دارد. درباره مسابقات اسبدوانی، پژوهش‌های جدیدی صورت گرفته است که نشان می‌دهد که شور و شیفگی مردمی مسابقات، اسبدوانی را نه جاذبه‌ی بُرد و باخت آن تعیین می‌کند که احتمال آن بیش از حد ضعیف و اتفاقی است و نه جاذبه حیوان و تمایل خاص به آن؛ زیرا از نظر اکثر شرکت‌کنندگان در مسابقات اسبدوانی، اسب چیزی جز یک وسیله‌ی فرعی مسابقه‌ی اسبدوانی نیست که یا در زیر پای سوارکار و یا در جلوی ارابه قرار گرفته و مسابقه نیز چیزی جز پرانتری بین شرط‌بندی‌ها نمی‌باشد. قوه محرکه این شور و شیفگی، فقط لذت بازی و ذوقی

است که نسبت به آن وجود دارد. این توضیح شیفتگی و شوری را که غیرحرفه‌ای‌های مسابقات اسب‌ها و یا مسابقات شترهای کشورهای مسلمان را به حرکت درمی‌آورد، دربر نمی‌گیرد. این‌ها همان کشورهایی هستند که شرط‌بندی در آن‌ها ممنوع و حرام است (پیردیگار، ۱۳۸۵: ۳۲۷-۳۲۸).

یکی دیگر از صحنه‌های مربوط به نگاره‌های نمایشی، متعلق به سوارکاری است که از نمونه‌های آن، سوارکاری در استان خراسان جنوبی است که به وفور دیده شده است. این نقوش را می‌توان در سنگ‌نگاره‌های خزان، کوه‌گرد کوچک و کالِ حُسینا و لَاحِ دَلْدُل مشاهده کرد (جدول ۴، صحنه ۲). یکی از جالب‌ترین نقوش نمایشی را می‌توان نقش سوارکوبی دانست. چنین نقشی را می‌توان در جشن‌ها و نمایش‌های اسب‌دوانی در شمال و غرب ایران دید که به‌صورت یک پا روی اسب خود ایستاده است و سوار دیگر، دهنه اسب را گرفته است که چنین نقشی در سنگ‌نگاره‌های آسو و کالِ حُسینا یافت شده است. در محوطه‌ی آسو و کالِ حُسینا (جدول ۴، صحنه ۳، الف) یکی از نگاره‌های انسانی به علت گذشت زمان از بین رفته و تنها یکی از نگاره‌های انسانی سوار بر اسب باقی مانده است. این نقش قابل مقایسه است با نگاره جُربت که در شمال خراسان واقع شده است (رشیدی‌نژاد؛ دلفانی و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۸)، اما در نگاره دیگر از این صحنه، نگاره‌های انسانی و اسب تماماً سالم باقی مانده‌اند (جدول ۴، صحنه ۳، الف) و در نقوش سرخه لیزه ۴ (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۶۰) این نقش را می‌توان مشاهده کرد (صادقی، قربانی و هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۴: ۷) (جدول ۴، صحنه ۳، ب).

جدول ۴) بررسی نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی) در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران

سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۳)	صحنه ۱: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال انجام مسابقه
سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)	
سنگ‌نگاره لاج هاشل (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)	صحنه ۲: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال انجام سوارکاری
سنگ‌نگاره کال خنیا (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)	
سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۳)	صحنه ۳: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال سوارکوبی، الف
سنگ‌نگاره جنت (رضی‌نژاد و دهم‌نیر، ۱۳۸۸: ۱۶۸)	
سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۳)	
سنگ‌نگاره سرخه لوزه (شیدمرنگ، ۱۳۸۶: ۴۰)	صحنه ۳: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال سوارکوبی، ب

منبع: (صادقی، قربانی و هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۴: ۸).

نقوش انسانی با موضوعیت نبرد

در مجموع، شش صحنه مربوط به نبرد در کنده‌نگاره‌های این استان کشف شده است که تمام نقوش صحنه نبرد و نقش‌مایه‌های نبرد انسانی با حیوانات یا حیوانات باهم است. این نقوش نیز دربرگیرنده سه صحنه است شامل: ۱- صحنه نبرد انسانی با شیر؛

۲- صحنه نبرد انسانی سواره بر اسب در حال نبرد با نقوش حیوانی؛ ۳- صحنه نبرد نقوش انسانی پیاده با حیواناتی نامعلوم.

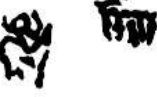
صحنه اول: از مشخصات بارز و جالب‌ترین نقش‌ها، دو نقش انسانی در حال نبرد با شیر هستند که در سنگ‌نگاره نخلستان و کال جنگال یافت شده است. در سنگ‌نگاره نخلستان شیر عظیم‌الجثه‌ای در قسمت بالای نقش انسانی نقر شده است و جهت نگاره انسانی آن روبه‌رو است. حائز اهمیت‌ترین نقش نبرد را می‌توان در سنگ‌نگاره کال جنگال دید. در این صحنه، نگاره مردی با پوشش اشکانی، با ریش بافته شده و سربندی که در حال اهتزاز است که در گوشش گوشواره‌ای قرار دارد و در حال درگیری با شیر غرّانی را نشان می‌دهد که مرد با دست چپ خود گوش راست شیر را گرفته و دست راست خود را به کمر زده است که قسمت سر مرد به حالت نیم‌رخ ولی بدن و پاهایش به‌طور کامل نمایش داده شده است. نقش انسانی، بسیار هنرمندانه نقر شده است و نقش شیری که در حال نبرد با نقش قبلی (مرد اشکانی) است که شیر نیم‌رخ و دم او به طرف بالا نقر شده است که جهت شیر به سمت راست است. در این نقش، تمام جزئیات حیوان - بدن، دندان‌هایش، حالت پاهایش و خشمگین بودنش - را هنرمند به خوبی نمایش داده است و نوشته‌ای پهلوی اشکانی در دو سطر که سطر اول نام مردی است که در حال نبرد با شیر است و سطر دوم یک عنوان مذهبی - نخودر ادخشرپ "نخودر و ساتراپ" - است و احتمالاً مقام و منصب مرد اشکانی است. در مورد نقش حیوانی شیر شاید بتوان به گفته هرینگتون^۱ به نقل از فرهادی (۱۳۷۴: ۳۰) اکتفا کرد که شیر بومی ایران بوده و موطن آن جنگل‌های جنوب غربی زاگرس و جنگل‌های حاشیه رودخانه‌های خوزستان شناسایی شده و تا ۵۵ سال پیش در دزفول دیده شده است و شیر اکنون از حیوانات در حال انقراض به‌شمار می‌آید. در خصوص این نقوش، شاید بتوان به نقوش حک شده در کاخ داریوش اشاره کرد. در تالار اصلی و در بدنه‌ی درگاه‌های این دره "شاه پهلوانی" در حال مبارزه با حیوانی افسانه‌ای نقش شده که مظهر چیرگی شخص شاه بر پلیدی‌هاست (ویلسون، ۱۳۷۷: ۱۵۵) (جدول ۵، صحنه ۱).

صحنه دوم: این نقوش در سنگ‌نگاره‌های کوه‌گرد کوچک، رامنگان ۱ و لاخِ چمنزار یافت شده است. در سنگ‌نگاره کوه‌گرد کوچک، نبرد انسانی سوار بر اسب است که سواره به عقب برگشته و در حال تیراندازی است. نوع سلاح او مشخص نیست، اما به قطع می‌توان گفت که صحنه نبرد است. همان‌طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های سواران اشکانی مهارتی بود که در تیرانداختن داشتند، به‌طوری که حتی در حالت تاخت از روی زین به عقب برمی‌گشتند و به‌سوی دشمن تیراندازی می‌کردند. این رسم قیقاج زدن از قدیم میان سکائی‌ان رایج بوده، چنان‌که از نقوش آنان بر روی سفال‌های یونانی، چنین برمی‌آید. این حالت تیراندازی، در نقوش صخره‌ای غار کرفتو و بر روی اشیاء سیمین و زرینی که از دوره‌های اشکانی و ساسانی به‌دست آمده، مشاهده شده است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۸۰). در لاخِ چمنزار، نقش سوارکاری نقر شده که سوار بر حیوانی است، جهت نقش به سمت چپ است و نقشی شبیه به پلنگ و یک نقش احتمالاً گورخر در حال تعقیب فرد سواره است و نقوش نمادین (صلیب) و نقشی نامشخص نیز حک شده است (جدول ۵، صحنه ۲).

صحنه سوم: در این صحنه نقشی یافت شده که صحنه نبرد نقوش انسانی به‌صورت پیاده با حیوانی نامعلوم است. این نقش در سنگ‌نگاره آسو یافت شده است. در خصوص ریخت‌شناسی نگاره می‌توان گفت که بسیار ساده و خلاصه‌شده حک شده است. نوع حیوان نامشخص است اما با اطمینان می‌توان گفت که از شیوه و حرکات دست‌های انسان چنین برمی‌آید که در حال تاختن نسبت به نقش حیوانی است. با توجه به مطالعات نگارندگان، نقش موجود در سنگ‌نگاره آسو شباهت زیادی به نقش موجود در سنگ‌نگاره تیمره دارد (فرهادی، ۱۳۷۴: ۲۷) (جدول ۵، صحنه ۳). در میان مجموعه نقوش استان خراسان جنوبی باید گفت چیزی که حائز اهمیت است این‌که تماماً نقوش انسانی، یا در حال نبرد با حیوانات و یا نبرد حیوانات باهم است و هیچ نقشی از نبرد انسان‌ها باهم دیده نشده است که خود جای بسی تعقل دارد.

جدول ۵) بررسی نقوش انسانی در حال نبرد در سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی با دیگر

سنگ نگاره های ایران

 نگاره ای از کاخ داریوش (کُخ، ۳۸۹: ۱۵۵).	 کل جنگل (قربلی، ۳۹۲: ۱۸۷).	 نخلستان (قربلی، ۳۹۲: ۱۹۱).	صحنه ۱. صحنه نبرد انسانی با شیر
 راشنگان ۱ (قربلی، ۳۹۲: ۱۳۵).	 لاخ چمنزار (قربلی، ۳۹۲: ۱۶۵).	 کوه گرد کوچک (قربلی، ۳۹۲: ۱۷۶).	صحنه ۲. صحنه نبرد انسانی سواره بر اسب با دیگر نقوش حیوانی
 تیمره (فرهادی، ۳۷۴: ۲۷).	 آسو (قربلی، ۳۹۲: ۱۵۲).		صحنه ۳. صحنه نبرد انسانی پیاده با حیوانات نامعلوم

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

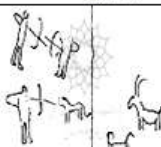
تصویر تیر و کمان در نقوش انسانی

نگاره ها و سلاح های زیادی بر روی کنده نگاره های استان خراسان جنوبی کشف شده است که شامل نقوشی- تفنگ، چوبدستی، سلاح، تیر و کمان- است که نقش تفنگ به صورت تکی نقر شده است و چوبدستی در بالا همراه با نقوش سواره است و تنها نقوش انسانی که همراه با تیر و کمان است، دو نقش موجود در سنگ نگاره نخلستان و کال حسینا است. در سنگ نگاره کال حسینا نیز نقشی از نگاره انسانی در حال تیراندازی به سمت یک گاو کوهان دار نقر شده است. براساس داده های باستان شناسی، کلیه گروه های دیرینه سنگی جدید ... وسایل مکانیکی ساده ای از قبیل کمان، نیزه انداز و غیره را اختراع

کردند. شاید کمان نخستین دستگاه مکانیکی باشد که فکر انسان، به وجود آورده است. اختراع کمان چنان تأثیری در زندگی آدمی داشته که مورگان^۱ در طبقه‌بندی تاریخ بشر خود، براساس پیشرفت تکنولوژی (فناوری)، معتقد است دوره پایانی توحش با اختراع تیر و کمان آغاز شده است. تأثیر تیر و کمان بر دوره‌ی توحش با تأثیر آهن بر دوره‌ی بربریت و تأثیر جنگ‌افزارهای آتشین بر دوری تمدن برابری می‌کند (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۹). از نظر گاه‌نگاری و با وجود شاخص‌هایی چون تیر و کمان و بویژه اسبی که لگام دارد را پژوهشگران از هزاره دوم قبل از میلاد و ورود مهاجران کوچ‌رو و سواره‌ی سکایی و آریایی به ایران، قدیم‌تر نمی‌دانند (گاراژیان، عادل‌ی و پاپلی یزدی، ۱۳۸۰: ۹۶). شباهت این نقش را می‌توان به نقوش ذکر شده در زیر ارتباط داد: نقوش میمند شهر بابک (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۲)، نقوش صخره‌ای اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵) و سنگ‌نگاره‌های ابراهیم‌آباد اراک (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۲) (جدول ۶).

جدول ۶) بررسی نقوش انسانی با تیر و کمان در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر

سنگ‌نگاره‌های ایران

 نخلستان (قربلی، ۱۳۹۲: ۱۹۳).	 نخلستان (قربلی، ۱۳۹۲: ۱۹۰).	 کل حسینا (قربلی، ۱۳۹۲: ۲۰۱).
 ابراهیم‌آباد (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۲).	 اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵).	 میمند (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۲).

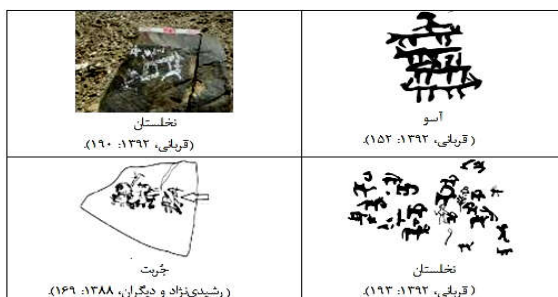
منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

صحنه های دامداری در نقوش انسانی

منطقه استان خراسان جنوبی در گذشته های دور به دلیل دارا بودن قابلیت های فراوان بویژه وجود گله های کوچ و میش مطرح بوده است. این منطقه به علت داشتن مراتع زیبا و تپه ماهورهای متعدد می تواند مأمن مناسبی برای پرورش کوچ و میش وحشی در استان خراسان جنوبی باشد. توپوگرافی منطقه عمدتاً کوهستانی و صخره ای و در بعضی نقاط تپه ماهوری می باشد. منطقه در ناحیه خشک و نیمه خشک قرار دارد و تقریباً تمامی پدیده های طبیعی مثل کوه، تپه، چشمه، رودخانه و قنات های مختلف در آن به چشم می خورد و منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک بوده و در نواحی کوهستانی به علت ریزش باران و برف از آب و هوای معتدل تری برخوردار است (گزارش جامع ...، ۱۳۸۹: ۲۴۶). در واقع، می توان گفت که تنوع جانوری و ویژگی های این محدوده، مکان و مأمن مناسبی را برای ساکنین آن فراهم آورده است که این مهم را می توان بر روی نگاره های این استان به وضوح دید. این نقوش در دو محوطه آسو و نخلستان یافت شده است. در سنگ نگاره آسو، نگاره انسانی سوار بر مرکب که جهت آن به سمت راست است و چند نقش حیوانی دیگر در زیر فرد سواره حک شده است که مربوط به صحنه چراگاه است. یکی دیگر از نگاره ها که در محوطه نخلستان یافت شده است و از یکسان بودن موضوع آن می توان این گونه اشاره کرد که یکی از جالب توجه ترین نقوش موجود در این استان است و آن نقش انسانی که در مرکز تخته سنگ نقر شده و بر روی سرش دو دوزائده وجود دارد که از روبه رو نمایش داده شده است. حیوانات حاضر در نقش - شتر، بز کوهی، فیل؟، گاو کوهان دار، اسب، پلنگ و یک نقش گیاهی شاید درخت زندگی - و یک نقش شبیه به زن - با توجه به لباسش - در قسمت بالای تخته سنگ را نیز می توان دید. هم چنین تعدادی نقوش نامعلوم که به علت فرسایش سنگ آسیب دیده است را می توان مشاهده کرد. شاید بتوان بین چنین نقشی با نقش موجود در کنده نگاره های جُربت از لحاظ تنوع نقوش ارتباط برقرار کرد که مربوط به صحنه دامداری است (جدول ۷).

جدول (۷) بررسی نقش انسانی در چرا یا در صحنه دامداری در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

با سنگ‌نگاره جُربت



منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

ویژگی‌های عمومی نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

کیفیت نقوش: عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش و ماندگاری نقوش، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در تعیین قدمت و تقدم و تأخر دوره‌ی ایجاد آنها، مورد نظر قرار گیرند. عمق و رنگ نقوش حتی آنهایی که در یک صحنه قرار دارند، با یکدیگر متفاوت بوده، بدین‌صورت که عمق برخی به‌علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی به‌قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره هم‌سطح گردیده و یا این‌که سطح برخی دیگر را زنگار گرفته و با زمینه‌ی صخره هم‌رنگ شده و به همین دلیل به‌راحتی قابل رؤیت نیستند و تنها از زاویه‌ای مناسب از سطح صخره، متمایز شده و قابل تشخیص می‌باشند. از طرفی، محدودیت سطح یک صخره و تأکید بر ایجاد نقوش در همان سطح، در ادوار مختلف باعث شده تا بر روی صخره‌های اصلی، تراکم و انبوهی از نقوش مختلف حک شوند، به‌گونه‌ای که نقش‌ها چسبیده به هم و بعضاً بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و باعث شده تا موضوع آنها قابل تشخیص نباشد.

نحوه قرارگیری نقوش: تجمع نقوش اکثراً در قسمت بلندای دیواره صخره‌ای و یا بالاترین نقطه تخته‌سنگ تا پایین‌ترین آن نقر شده است، اما به‌طور کلی در قسمت‌های پایینی تمرکزشان بیشتر مشهود است.

وضعیت آسیب دیدگی نقوش: در مورد وضعیت آسیب شناسی این سنگ نگاره ها، بیشتر عوامل طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ، درز و شکاف، ورقه ورقه شدن سطح خود را نشان می دهد و عوارض انسانی هم چون کنده نگاری در سطح سنگ و یادگارنویسی دیده می شود. به دلیل این که غالب این آثار در فضای باز قرار دارند، متأسفانه دچار فرسایش و تغییرات خردگی شده اند.

گاه نگاری پیشنهادی

تاریخ گذاری سنگ نگاره ها به مراتب دشوارتر از تاریخ گذاری آثار باستانی است. علت آن، نخست آن که این حکاکی ها در اغلب موارد سنتی هستند که از کهن ترین ایام هنرورزی آدمی تا روزگار ما ادامه یافته اند و مهم تر آن که متأسفانه هنوز راه های فنی دقیق و مستقیمی برای تعیین سن این آثار به دست نیامده است (حصارنوی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). در مواجهه با آثار و سنگ نگاره ها همیشه این نکته که این نقوش مربوط به چه دوره ای است و در چه زمانی ایجاد شده، مورد سؤال بوده است که در این رابطه، باید خاطر نشان کرد که متأسفانه در کشور ما به راحتی به این سؤال پاسخ داده نمی شود و دلیل این امر، عدم دسترسی به امکانات آزمایشگاهی لازم برای تاریخ گذاری دقیق آنها و پرهزینه بودن یک آزمایش گاه نگاری است و معمولاً شیوه مرسوم مشخص کردن قدمت این نوع نقوش، تاریخ گذاری نسبی آنها بر اساس تطبیق نقوش، سبک و روش اجرای آنها در روی اشیاء و آثاری است که به صورت تاریخ دار تاکنون شناسایی شده است.

در خصوص گاه نگاری منطقه، شاید بتوان به پیشنهادات لباف خانیکی و بشاش (۱۳۷۳: ۲) که در تاریخ گذاری سنگ نگاره لاخ مزار بیرجند فرضیاتی را مطرح نموده اند نیز رجوع کرد:

دوران سنگ: ترسیم اشکالی بدین گونه به اعتقاد باستان شناسان از دوره فرهنگی

سولوتره‌ان^۱ آغاز گردیده و تا آخر دوره فرهنگی ماگدالینین^۲ ادامه داشته است. در این دوره، تصویر زن معمولاً با تکیه بر خصلت زایای او رسم می‌شده و در مجموع، تصاویر مرد فراوان‌تر از زن بوده است، نقاشی پیکر انسان جنبه استعاری داشته است، به نحوی که امروزه تمامی مفاهیم آن مشخص نیست. تصویر انسان‌هایی (مرد) که وارونه از درخت آویزان شده و به گردآوری عسل مشغول شده است و همچنین نقوش گیاهی بسیار ساده و خلاصه‌شده و غیره.

دوران پیش از تاریخ: علائم و نشانه‌ها و اشکالی شامل نقوش گیاهی را که در هیأت‌های شاخه‌های کوتاه رسم شده‌اند، زیرا نمونه‌هایی با همان شکل و شمایل زینت‌بخش ظروف سفالی پیش از تاریخ بوده که در تپه حصار دامغان، تپه سیلک کاشان، تپه گیان نهاوند، تپه‌ابلیس کرمان و شوش کشف شده‌اند. نقوش دست‌ها، نقوش صلیب شکسته، نقوش یین و یانگ^۳، نقوش بزکوهی و غیره.

دوران تاریخی: نیزه‌ی سه شاخ که در دوران اشکانیان حضور وافر دارد، پوشش اشکانی، کتیبه‌ها و غیره.

دوران اسلامی: زائده‌هایی قلب‌مانند که بر روی نگاره‌های ظروف سفالی نقاشی شده‌اند، تصاویر پرندگان طاووس‌مانند، کتیبه‌های عربی و فارسی شامل اسامی خدا،

۱. فرهنگ سولوتره‌این: Solutreen نام فرهنگ محلی انسان اورینیایی که به سه دوره تقسیم شده است: ۱. پسین؛ ۲. میانه؛ ۳. پیشین. این فرهنگ مربوط به ۲۰۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد است و آثار آن از فرانسه، اسپانیا، چک و اسلواکی و لهستان به دست آمده است. در این دوره بر ادوات دوره اورینیایی، ادواتی هم‌چون درفش، رنده، اره و نیزه اضافه می‌شود، و از شاخ گوزن آلات فراوانی تهیه شده است (جلالی‌جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۳).

۲. فرهنگ ماگدالینین: Magdalenian نام فرهنگ محلی دیگری از انسان اورینیایی است و تقریباً از سال ۳۰۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشته است. در این دوره مجسمه‌هایی از انسان ساخته می‌شد که نمادهایی از باروری و حاصل‌خیزی بوده‌اند. مهم‌ترین آثار این دوره در غارهای فون دوگوم (font-de-Gaumo) و لاسکو و غار آلتامیرا در اسپانیا یافت شده است (همانجا).

۳. این نقش بنا به گفته لباف خانیکی و بشاش رمز حیات نام گرفته است در فرهنگ چین باستان به سمبل فلسفه "یین و یانگ" شهرت داشته و نمود و حیات و آفرینش بوده است که این فلسفه از سال ۲۸۵۲ پیش از میلاد بنیان گرفته است. در آیین دائو همه چیز را یین و یانگ پدید آورده‌اند که پیوسته بر یکدیگر پرتو می‌افکنند و یکدیگر را می‌پوشانند و کارهای یکدیگر را سامان می‌دهند. یین و یانگ دو نگهبان آفرینش نیز بشمار می‌روند. در اساطیر ایرانی سروش نخستین نیایشگر دو نگهبان و آفریدگاری که همه آفرینش را پدید آورده‌اند، پایگاه ویژه دو نیروی نگاهبان (پس از اهورامزدا و امشاسپندان قرار دارد و تنها نیروهای سازمان بخش آفرینش بشمار می‌روند). در آیین دائوگرایی و کنفوسیوس‌گرایی نیز یین و یانگ نمادی از زمین و آسمان به‌شمار می‌روند (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۲۷ و ۲۸).

محمد (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) و غیره.

پیش از این اشاره شد که تاریخ‌گذاری نقش‌کنده‌ها فقط به‌صورت نسبی امکان‌پذیر است، لذا با توجه به نظر بورنی^۱ (۱۳۴۸، ۱۵)، نقوش حک شده در استان خراسان جنوبی را نیز می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه سوارکار همراه با نقوش حیوانی (اسب) و شکارچینی که همراه با تیر و کمان نقر شده‌اند و نقوش حیواناتی که در عین خلاقیت هنری، بسیار ساده است که در حدود ۴۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد قدمت دارند. این حضور از هزاره پنجم قبل از میلاد تاکنون استمرار داشته و امروزه نیز چوپانان در کوه و دشت به همان شیوه اجداد خود ناظر بر طبیعت‌اند. در این جا باید گفت نقش‌کنده‌های استان خراسان جنوبی هم می‌توانند قابل مقایسه باشند، هم‌چون سنگ‌نگاره شاخص لایخ مزار بیرجند با سنگ‌نگاره جرُت و سایر نقاط.

برای تاریخ‌گذاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها از راه‌های زیر می‌توان بهره برد: بررسی و تحقیق در نوع حیوانات- وحشی و اهلی با استفاده از تاریخ اهلی شدن حیوانات- نوع ابزارآلات- شکار و چوپانی نظیر تیر و کمان و تفنگ و نیزه- نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی، سبک هنری آنها، نحوه عمق حجاری، کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها بر روی صخره، کتیبه و نوشتار و غیره. در نهایت و با این تفاسیر و با توجه به بالا بودن کیفیت طراحی برخی از نقش‌های کنده‌کاری استان خراسان جنوبی، استفاده از ابزار پیشرفته در نقش‌ها و وجود برخی کتیبه‌ها، تاریخ‌گذاری برخی از نقوش مربوط به دوران اسلامی، تاریخی و پیش از تاریخ است. نکته شاخص در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی حضور اسب و سوارکاران است که با توجه به اهلی‌سازی و استفاده از اسب که تاریخ رواج آن، فراتر از عصر آهن را دربردارد- رامندگان^۱، خزان، لایخ دُلُله، آسو، کوه‌گرد کوچک، کالِ حسینا- و با توجه به حضور ابزارآلات (تیر و کمان) در نخلستان و کالِ حسینا، پوشش انسانی شبیه چهره‌های اشکانی (کالِ جنگال)، کتیبه‌های اشکانی و ساسانی (کالِ جنگال و کافرکوه) و دیگر کتیبه‌های اسلامی نقر شده در این استان، می‌توان گاه‌نگاری محوطه‌ها را به‌طور کلی و با دوری جستن از ارائه گاه‌نگاری دقیق‌تر

به هر سه دوره تاریخی - اواخر پیش از تاریخ، تاریخی و دوره اسلامی - رساند (جدول ۹).

جدول ۹) اطلاعات جغرافیایی و نقش مایه های انسانی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی

[illegible]

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

نتیجه

استان خراسان جنوبی از شاخص ترین مکان هایی می باشد که در سال های اخیر از نظر فعالیت های باستان شناسی انجام شده از اعتبار و ارزش خاصی در ارتباط با آثار باستانی برخوردار بوده است و می توان با اشاره به تنوع نقوش انسانی همراه با دیگر نقوش ایجاد شده بر صخره نگاره ها، این آثار را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. با توجه به یافته های قابل دسترسی می توان به این مهم دست یافت که باورهای اعتقادی بشر در دوره های پیشین، بر نقوش سنگی نیز تأثیرگذار بوده به طوری که نقوش ابتدایی، همان نقوش انسانی بوده که عمدتاً همراه با مسائل عادی زندگی، مراسم آیینی و اعتقادی و صحنه های نمایشی بوده است. با بررسی نقوش به نتایج زیر می توان دست یافت:

۱- سبک و روش تمام نقوش پتروگلیف (کنده نگاره) است و نقاشی یا پیکتوگراف^۱ در هیچ صحنه ای یافت نشده است.

۲- اکثر نقوش به صورت تمام رخ نقر شده اند به جز دو نقش که در سنگ نگاره کال جنگال که مربوط به سرباز اشکانی است.

۳- مضمون نقوش انسانی در هفت دسته: منفرد، در مراسم رقص، در مراسم آیینی، در حال نبرد، در مراسم نمایشی (مسابقه، سوارکاری)، در چراگاه یا دامداری و همراه با نقوش نمادین می باشد.

۴- نقوش بسیار تجریدی و به صورت خلاصه شده و ساده نقر شده است و پرسپکتیو^۲ مقامی، مقامات و شخصیت ها بزرگ تر نقر شده است که می توان به نقش موجود در سنگ نگاره کال جنگال اشاره کرد.

1. Pictograph

۲. پرسپکتیو یا تصاویر مجسم (Perspective)، رسم و نمایش تصویر در حالت سه بعدی است. به عبارت دیگر، به تصویری پرسپکتیو یا تصویر مجسم گفته می شود که دارای طول، عرض و ارتفاع باشد. از ویژگی بارز این گونه تصاویر این است که فهم و درک آن ها راحت تر حاصل می شود و طراح می تواند ارتباط بهتری با مخاطب خود برقرار نماید.

منابع

- استانداری خراسان جنوبی (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی*. بیرجند: استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
- اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی (۱۳۸۹). گزارش جامع وضعیت مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی. بیرجند.
- ایوانف، ولادیمیر (۱۳۸۸). "ملاحظات در باب قوم شناسی خراسان". ترجمه علی آرامجو و علی قادری اردکانی. *فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی*، سال چهارم، ش ۱ و ۲ (پاییز و زمستان): ۳۷ - ۶۱.
- بورنی، مک (۱۳۴۸). "گزارش مقدماتی بررسی و حفاری در غارهای کوهدشت لرستان برای تعیین تاریخ نقش‌های پیش از تاریخی ناحیه لرستان". ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان. *باستان شناسی و هنر/ایران*، ش ۳ (تابستان): ۱۴-۱۶.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ بیک محمدی، نسرین (۱۳۹۱). "معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه ی B ارگس سفلی (ملایر- همدان)". *نامه‌ی باستان شناسی*، دوره دوم، ش ۲ (بهار و تابستان): ۱۲۱-۱۴۰.
- بیگلری، فریدون؛ مرادی بیستونی، علیرضا؛ جمشیدی، فریدون (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش غار چشمه‌سهراب کرمانشاه". *باستان پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۵۰-۵۵.
- پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۶). "نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان (اراک)". *باستان پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۴۶-۴۹.
- پیردیگار، ژان (۱۳۸۵). *مردم شناسی انسان و حیوانات اهلی*. ترجمه اصغر کریمی. تهران: افکار.
- تاجریزی، الهام؛ آرزومندان، راضیه (۱۳۹۰). "ویژگی‌های اقلیمی خراسان جنوبی و بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر در معماری همساز با اقلیم". *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال ششم، ش ۱ (پاییز): ۵۲-۷۳.

- جابانی، محمد (۱۳۸۰). "ورزش و بازی های محلی قوچان". کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه)، ش ۳۹ - ۴۰ (آذر و دی): ۵۱-۵۵.
- جلالی جعفری، بهنام (۱۳۸۲). "زیبایی شناسی خودآگاه: کشف خودآگاهی در تفکر هنر ماقبل تاریخ". زیباشناخت، ش ۹: ۱۸۷-۱۹۴.
- حصارنوی، علیرضا (۱۳۸۱). "سنگ نگاره های دره گنج شهرستان تفت". مجله اثر، ش ۳۵ (پاییز): ۱۸۰-۱۸۶.
- رشیدی نژاد، مسعود؛ دلفانی، میثم؛ مصطفی زاده، نرگس (۱۳۸۸). "معرفی سنگ نگاره های جریت، شهرستان جاجرم". پژوهش های باستان شناسی مدرس، سال اول، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۶۶-۱۷۴.
- رضایی، جمال؛ کیا، صادق (۱۳۳۰). گزارش نوشته ها و پیکره های کال جنگال. تهران: انجمن ایرانویج.
- رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۱). پیدایش و تحول هنر. تهران: برگ زیتون.
- ----- (۱۳۸۴). سنگ نگاره های ارسباران. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده مردم شناسی.
- زارعی، علی؛ سروش، محمدرضا؛ کریمیان، حسن (۱۳۹۱). "تاریخچه مطالعات و پژوهش های باستان شناسی جنوب خراسان". فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، سال ششم، ش ۲۲ و ۲۳ (زمستان و بهار): ۲۷-۶۰.
- سامه، بختیار؛ شیرازی، علی اصغر (۱۳۹۱). "بررسی زیبایی شناسی هنر ایران در سنگ نگاره های عیلامی در منطقه ایذه". مطالعات ایران، سال یازدهم، ش ۲۱ (بهار): ۱۸۱-۲۰۶.
- شیدرنگ، سونیا (۱۳۸۶). "نقوش صخره ای میوله؛ نویافته هایی در شمال کرمانشاه". باستان پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۵۵-۶۴.
- صادقی، سارا؛ قربانی، حمیدرضا؛ هاشمی زرج آباد، حسن (۱۳۹۴). "بررسی و مطالعه نگاره اسب و سوارکاران بر روی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی". در: مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش ملی باستان شناسی ایران (مشهد، آبان

- ۱۳۹۴). به اهتمام حسن هاشمی زرج آباد. بیرجند: چهاردرخت: ۱-۱۳.
- صراف، محمدرحیم؛ بشاش، رسول (۱۳۶۶). گزارش بررسی نقوش حجاری شده کمرنبشته تویسرکان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مرکز اسناد [چاپ نشده].
- فراهانی، حسن (۱۳۸۹). "مقاله قربانی در ادیان". معرفت، ش ۵۱ (اسفند): ۷۶-۸۷.
- فراهادی، مرتضی (۱۳۷۴). "موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره‌های نویافته تیمره". فصلنامه علوم/اجتماعی، دوره چهارم، ش ۷ و ۸ (زمستان): ۱۶-۶۱.
- ----- (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). "گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی)". بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- قسیمي، طاهر (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش صخره‌ای اورامان". باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۷۱-۸۰.
- کُخ، هایدماری (۱۳۸۹). از زبان داریوش. ترجمه‌ی پرویز رجبی. تهران: کارنگ.
- کریمی، فریبا (۱۳۸۶). "نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران". باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۲۰-۳۴.
- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ پاپلی یزدی، لیلا (۱۳۸۰). "سنگ‌نگاره‌های تازه کشف شده همیان". انسان‌شناسی، سال اول، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۸۴-۱۰۰.
- گل‌کار حمزه‌یی یزد، حمیدرضا؛ رضایی‌نژاد، محمد؛ طاووسی، مجتبی (۱۳۹۵). "پهنه‌بندی اقلیمی استان خراسان جنوبی با نرم‌افزار GIS". حفاظت منابع آب و خاک، سال ششم، ش ۱ (پاییز): ۴۷-۵۹.
- لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ بشاش، رسول (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لایخ‌مزار بیرجند. (سلسله مقالات پژوهشی). تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- لحافیان، جمال (۱۳۸۹-۱۳۹۰). "فنجان‌نماها در هنر صخره‌ای کردستان". پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم و سوم، ش ۴ و ۵: ۷۹-۸۸.
- محسنی، مرتضی؛ ولی‌زاده، مریم (۱۳۹۰). "بن‌مایه‌های توتمیسم در قصه‌های

عامیانه ایران". *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسختی*، سال هفتم، ش ۲۳ (تابستان): ۱۵۵-۱۸۰.

— محمدی قصریان، سیروان؛ نادری، رحمت (۱۳۸۶). "بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای خره نجیران (مهاباد)". *باستان پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۶۱-۶۴.

— محمودی، آرزو؛ نصیری، مجید (۱۳۹۲). "درآمدی بر زیبایی شناسی نقش مایه‌های جانوری سفالینه‌های قبل از اسلام در ایران". در: *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی باستان شناسی ایران (دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها)*. به اهتمام حسن هاشمی زرج آباد و محمدحسین قریشی. بیرجند: دانشگاه بیرجند، دانشکده هنر: ۹-۱.

— ویلسون، اوا (۱۳۷۷). *طرح‌های اسلامی*. ترجمه‌ی محمدرضا ریاضی. تهران: سمت.

— هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه‌ی رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

— Francfort, H. P. (1998). "Central Asian petroglyphs: between Indo- Iranian and shamanistic interpretations". In (C. Chippindale and P. S. C. Tacon, eds) *The Archaeology of Rock-art*: 302-318. Cambridge University Press: Cambridge.

— Lymer, k. (2004). "Rags and rock art: the landscapes of holy site pilgrimage in the Republic of Kazakhstan". *World Archaeology*, Vol. 36, No. 1: 158-172.

ملک الشعراء بهار در آئینه‌ی اندوهیادها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۰

مژگان میرحسینی^۱

چکیده

خراسان بزرگ، مهد علم و ادب ایران، مشاهیر برجسته‌ای را در خود پرورش داده که عالم دانش و ادب را با آثار سترگ خود دگرگون کرده و تحولی چشمگیر در عرصه‌ی شعر و نثر به وجود آورده‌اند. از میان این مشاهیر گران‌سنگ، شاعر شهیر معاصر، محمدتقی بهار، به دلیل احاطه‌ی همه‌جانبه بر ابعاد مختلف علمی و ادبی، بسیاری از محققان معاصر را به اظهار نظر درباره‌ی خود و نقد و تحلیل آثار و اشعارش واداشته است. درباره‌ی بهار سخن بسیار گفته شده است، اما در این مجال هدف آن است که از خلال اندوهیادهای سروده شده برای او، به چگونگی رابطه‌اش با شاعران معاصر-اعم از دوستی‌ها، همکاری‌ها و رقابت‌ها- و نظر آنها درباره‌ی او، شخصیت و فضای فکری‌اش، ویژگی‌های آثار و بویژه اشعار او پی برده شود. برای دستیابی به این مهم، پس از جمع‌آوری اشعار سروده شده در سوگ بهار، این اشعار از جنبه‌های مختلف بررسی گردید و این نتیجه حاصل شد که انجمن‌های ادبی و کانون‌ها، نقش مهم و مؤثری در شکل‌گیری روابط شاعران معاصر با بهار داشته است که همکار و یا هم‌فکر بودن آنها با یکدیگر نیز در این زمینه قابل توجه است. باید گفت که همگان به فضل و برتری بهار در زمینه‌های مختلف اقرار کرده و مقام استادی او را پذیرفته‌اند. هم‌چنین، بررسی این اشعار، خصوصیات اخلاقی، فضای فکری و ویژگی‌های اشعار او را پیش روی خوانندگان و محققان قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: ملک الشعراء بهار، شعر معاصر، اندوهیادها، انجمن‌ها

مقدمه

محمدتقی بهار ملقب به ملک الشعراء، ادیب، سیاستمدار، روزنامه‌نگار و تاریخ‌نویس معاصر در سال ۱۲۶۵ ش. در مشهد متولد شد. مقدمات علوم و ادبیات فارسی را نزد پدرش، محمد کاظم صبوری، ملک الشعراء آستان قدس رضوی آموخت و برای تکمیل معلومات عربی و فارسی خود از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری بهره جست. بعد از فوت پدر، به فرمان مظفرالدین شاه عنوان ملک‌الشعرایی به وی داده شد و تخلص "بهار" را از بهار شیروانی، یکی از شاعران زمان ناصرالدین شاه برای خود برگزید. وی در اوان جوانی به محافل آزادی‌خواهی و صف مشروطه‌طلبان خراسان ورود یافت و شش دوره نماینده‌ی مجلس بود. در راستای فعالیت‌های سیاسی خود، روزنامه‌های *نوبهار* و *تازه‌بهار* را منتشر کرد. به‌علت پیوستن به مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان بارها تبعید و زندانی شد. پس از تأسیس دانشگاه تهران در دانشکده ادبیات به تدریس پرداخت و تا آخر عمر، بدان خدمت باقی ماند. سرانجام در سال ۱۳۳۰ ش. به‌علت بیماری سل درگذشت. از معروف‌ترین آثار وی دیوان اشعار، سبک‌شناسی، تاریخ احزاب سیاسی، دستور زبان، مقاله‌ها و رساله‌های تحقیقی را می‌توان نام برد. هم‌چنین وی به تصحیح انتقادی متون و ترجمه‌ی متون پهلوی پرداخت و بر برخی کتاب‌ها و آثار، مقدمه و حواشی نوشت و سخنرانی‌ها و مقاله‌های سیاسی و اجتماعی و انتقادی نیز داشت (یاحق، ۱۳۷۸: ۱۶۳-۱۶۵).

به‌دلیل همه‌جانبه بودن بهار و فعالیت وی در زمینه‌های مختلف و مطرح بودن او به‌عنوان شخصیتی علمی، ادبی، سیاسی و فرهنگی؛ محققان، صاحب‌نظران، منتقدان و شاعران معاصر به اظهار نظر درباره ملک‌الشعراء و آثار وی اعم از نظم و نثر پرداخته‌اند که از خلال آنها می‌توان به اطلاعات ارزشمندی درباره این شاعر و محقق معاصر و آثارش دست یافت. یکی از بسترهایی که زمینه‌ی تحقیق بیشتر درباره ملک‌الشعراء بهار را فراهم می‌کند، مطالعه اشعاری است که پس از مرگش در سوگ وی سروده شده است و از آنها با عنوان اندوهیاد (مرثیه) نام برده می‌شود.

اندوهیاد (مرثیه) انواعی دارد که یکی از آنها رثای شخصی و خانوادگی است. این عنوان بر اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم یکی از اعضای خانواده، یا بستگان نزدیک و دوستان سروده شده باشد. برخی، مرثیه‌های شاعران در حق دوستان و شاعران دیگر را از جمله مرثیه‌های شخصی و خانوادگی به‌شمار آورده‌اند که از بهترین نوع مرثی به‌شمار می‌رود و غالباً سرشار از صفا و اخلاص و اندوه و نماینده احساسات و عواطف درونی و واقعی شاعر است (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۸۵).

اندوهیادهای سروده شده برای بهار، بیشتر، بلافاصله پس از درگذشت او و توسط افرادی که با وی آشنایی و قرابت داشته‌اند، سروده شده و از این نظر می‌تواند منبع مهمی در کسب اطلاعات درباره او به‌شمار رود.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

- انگیزه شاعران معاصر بهار از سرودن اندوهیاد در سوگ وی چیست؟
 - چه عواملی در شکل‌گیری روابط شاعران معاصر با بهار نقش داشته است؟
 - نظر شاعران معاصر بهار درباره جایگاه ادبی و شخصیت وی چیست؟
 - بهار از دید معاصران خود چگونه توصیف شده است؟
- هدف اصلی تحقیق حاضر این است که با بررسی و تحلیل اشعار سروده شده در سوگ ملک‌الشعراء بهار، به چگونگی روابط شاعران معاصر با وی و نظر و عقیده‌ها درباره شخصیت، ویژگی‌های اخلاقی، فضای فکری، آثار و سبک وی دست یابد.
- محققان معاصر درباره ملک‌الشعراء بهار، آثار و سبک وی اظهار نظرهای بسیاری کرده و در آثار خود به‌طور مستقل یا غیرمستقل به این موضوع پرداخته‌اند. از جمله، زرین‌کوب (۱۳۷۶) در کتاب *با کاروان حله* درباره بهار و شعر و زبان او مطالبی را بیان کرده است. یاحقی (۱۳۷۸) نیز در *جویبار لحظه‌ها* به زندگی بهار، آثار و تألیفات، شعر و فکر او پرداخته است. هم‌چنین، محمدی (۱۳۷۹) در کتاب *از بهار تا شهریار* بخشی را به بهار اختصاص داده است. آراین‌پور (۱۳۸۷) نیز در بخشی از کتاب خود از *صبا تا نیما*، از فعالیت‌های سیاسی بهار، سبک انشاء و شعر او سخن گفته است.
- در همه آثار مذکور به زندگی بهار، آثار، اشعار و سبک او پرداخته شده، اما در هیچ‌یک،

براساس اندوهیادهای سروده شده برای ملک‌الشعراء بهار و نقد و تحلیل آنها، سخنی گفته نشده و کمتر به نظر شاعران معاصر درباره او پرداخته شده است. اگرچه میرحسینی (۱۳۹۱) در رساله‌ی دکتری خود به "بررسی اندوهیادهای شاعران معاصر در سوگ شاعران دیگر" پرداخته و این اشعار را از نظر محتوا، ساختار، ویژگی‌های زبانی و ادبی مورد بررسی قرار داده و به‌طور موردی، از اشعار سروده شده برای بهار نام برده است، اما تاکنون به نقد و تحلیل اندوهیادهای سروده شده برای ملک‌الشعراء بهار و اظهار نظر درباره او، با توجه به این اشعار پرداخته نشده است. بنابراین در این مجال برآنیم که با نقد و تحلیل این اشعار به چگونگی روابط شاعران معاصر با بهار، شخصیت، خصوصیات اخلاقی، فضای فکری و ویژگی‌های آثار و اشعار او پی ببریم.

اندوهیادهای سروده شده برای ملک‌الشعراء بهار

رثاء شاعران درباره شاعران دیگر از قدیم‌ترین انواع شعر رثائییه است که از دوردست زمان‌ها تا زمان ما در شعر فارسی دارای نمونه‌هایی است. نمونه این نوع مرثیه را می‌توان در دیوان رودکی برای دوست و شاعر معاصرش، مرادی بخارایی یافت (امامی، ۱۳۶۹: ۸۵). این نوع شعر که تا قرن هشتم هجری نمود چشم‌گیری نداشته و بسیار محدود بوده (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۸۹)، پس از مشروطه در ایران تکامل یافته است، چنان‌که در دیوان بسیاری از شاعران مشروطه به بعد، اشعاری در سوگ دوستان نزدیک یا شاعران دیگر دیده می‌شود. ملک‌الشعراء بهار نیز از جمله شاعرانی است که هم برای نزدیکان و دوستان و شاعران معاصر خود مرثیه سروده و هم از جانب معاصرانش مورد رثاء واقع شده است.

گلبن (۱۳۸۰) در کتاب خود *بلندآفتاب خراسان*، اشعاری از شاعران معاصر نقل نموده که به مناسبت درگذشت بهار سروده شده است. دیوان یا مجموعه اشعار شاعران معاصر، مجله یغما، مجله باغ صائب و مجله دانش از دیگر منابعی هستند که اندوهیادهایی در سوگ بهار در آنها دیده می‌شود.

انگیزه‌های شاعران معاصر از سرودن اندوهیادها

عامل یا عواملی شاعران معاصر را بر آن داشته تا پس از درگذشت ملک الشعراء به سرودن شعر یا اشعاری در سوگ او بپردازند که می‌توان از آن با عنوان انگیزه‌های آنها نام برد. این انگیزه‌ها عبارتند از: ادای حق دوستی، همکار بودن، یکی بودن خط‌مشی سیاسی و فکری، روابط ادبی، احساس وظیفه در همدردی و همراهی با جامعه ادبی، شعردوستی، نشان دادن قدرت شاعری در بیان ماده‌تاریخ، بازتاب عقاید و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در شعر یا انتقاد.

این اشعار نشانگر جایگاه والای بهار به‌عنوان شخصیتی علمی، ادبی، فرهنگی و سیاسی نزد شاعران و ادیبان معاصر است. شاید توصیف‌های موجود در آنها با اغراق همراه باشد، اما با توجه به شخصیت، آثار و اشعار بهار واقعیتی انکارناپذیر است و باید گفت در ورای این اغراق و مبالغه حقیقتی نهفته است که شاعر برای بیان مؤثر آن از اغراق استمداد می‌جوید.

عوامل شکل‌گیری روابط شاعران معاصر با ملک الشعراء بهار

از دیرباز تاکنون، شاعران یا به سبب علاقه و اعتقاد نسبت به یکدیگر در باب قدما و معاصران خود با بزرگداشت سخن گفته‌اند و یا به سبب رقابت و بر سبیل مفاخره، به طعن و تعریض بر متقدمان و معاصران پرداخته‌اند. ملک الشعراء بهار نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی که هم به طعن و هجو برخی معاصران خود پرداخته و هم برخی را مدح گفته، از سوی شاعران معاصر در زمان حیات خود مورد طعن و تعریض یا مدح قرار گرفته و پس از مرگ نیز در قالب اندوهیادها، مورد تعریف و تمجید واقع شده است. علل و عواملی سبب سروده شدن اندوهیادها برای ملک الشعراء بهار شده و همین علل و عوامل، شکل‌دهنده‌ی روابط وی با شاعران معاصر خود بوده است. مهم‌ترین این عوامل که منجر به آشنایی‌ها و گاه دوستی‌های دیرینه می‌شده، شرکت و عضویت در محافل و انجمن‌های ادبی و کانون‌هاست. انجمن ادبی دانشکده که بهار با عده‌ای از یاران و هم‌مسلمان خود آن را در سال ۱۲۹۴ ش. و "با داعیه‌ی تجدید نظر در طرز و رویه‌ی

ادبیات ایران" راه انداخت (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۴۶۳)، در تجمع و گردهمایی شاعران معاصر و آشنایی و دوستی آنان با یکدیگر نقشی بسزا داشت. انجمن ادبی ایران که در سال ۱۲۹۹ش. توسط وحید دستگردی دایر شد و محل تجمع بسیاری از شاعران و ادیبان عصر بود، نیز سبب آشنایی هرچه بیشتر و ایجاد مناسبات دوستانه میان شاعران و ادیبان گردید. انجمن ادبی حکیم نظامی که در اواخر سال ۱۳۱۱ش. توسط نامبرده (وحید دستگردی) تأسیس شد و در آن علاوه بر نشر مجله ارمغان، به تصحیح و تحشیه و چاپ بعضی از آثار استادان سخن پرداخته می شد (آرین پور، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۳۰)، نیز در این زمینه قابل ذکر است. فرهنگستان ایران که به همت ذکاءالملک فروغی و به سرپرستی او در اوایل سال ۱۳۱۴ش. تأسیس شد (آرین پور، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۰) و تشکیل اولین کنگره‌ی شاعران و نویسندگان ایران در سال ۱۳۲۵ ش. به ریاست بهار (یاحقی، ۱۳۷۸: ۵۸) نیز در این زمینه نقشی عمده داشتند.

بهار در همه‌ی انجمن‌ها و کانون‌های مذکور یا به‌عنوان رئیس و مؤسس و یا به‌عنوان یک عضو فعالیت داشت و شاعرانی چون یحیی ریحان، ادیب‌السلطنه سمیعی، حبیب یغمایی، صادق سرمد، شهریار، پژمان بختیاری، لطفعلی صورتگر، جلال‌الدین همایی، پرتو بیضایی و ابراهیم صهبا که اشعاری را در سوگ او سروده‌اند، از اعضای این انجمن‌ها و کانون‌ها بودند. بنابراین، انجمن‌های ادبی و حضور شاعران معاصر بهار در آنها، اصلی‌ترین عامل و علت آشنایی آنها با یکدیگر و ایجاد دوستی و صمیمیتی است که اثرات فرهنگی و اجتماعی بسیاری را در پی داشته و آنها را در مرگ او به سوگ نشانده و به سرودن قطعه شعری در ابراز تأسف و تحسّر از این واقعه و تسلیت به اهل انجمن واداشته است. بهار علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، به فعالیت علمی و آموزشی روی آورد و ابتدا در دارالمعلمین عالی به تدریس پرداخت و پس از آن، تدریس در دوره دکتری دانشگاه تهران را به عهده گرفت. بنابراین، تدریس در دانشگاه در کنار حضور مداوم او در انجمن‌های ادبی، زمینه‌ساز آشنایی و دوستی برخی شاعران معاصر با وی گردید. می‌توان گفت که ترکیب‌بند لطفعلی صورتگر و قصاید جلال‌الدین همایی و مظاهر مصفا در سوگ بهار به واسطه‌ی همکار بودن و ایجاد مناسبات دوستانه میان آنها از این راه سروده شده است.

از اندوهیادهای شمس الملوک مصاحب، ادیب برومند و صادق سرمد نیز چنین برمی آید که آنان از شاگردان ارادتمند و از تربیت شدگان مکتب فضل و دانش ملک الشعراء بهار بودند. مصاحب (۱۳۵۱: ۴۳۵)، بهار را "بزرگوار استاد ارجمند" خود خوانده و گفته:

بزرگوار استاد ارجمند منا مرا به سوگ تو جز ناله های زار نماند
ادیب برومند نیز به رابطه ی خود با بهار این گونه اشاره کرده:

به پاس منزلت اوستاد خویش ادیب یکی قصیده ی پر مغز استوار آورد
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۲)

سرمد (۱۳۴۷: ۶۷) نیز نحوه آشنایی و دوستی خود با ملک الشعراء بهار را این گونه شرح داده است:

سی سال پیش ازین که مرا با وی	آغاز دوستی و مودّت بود
من مبتدی به کار سخن بودم	او در سخن به حدّ نهایت بود
چون چیره دستیم به سخن می دید	با مخلصش کمال عنایت بود
بگذشت سالها که به ری ما را	با وی بنای مهر و محبت بود
چون بالغ آمدم به سخندانی	ما را به چشم خلق رقابت بود
لیکن مرا به حضرت استادیش	رسم ادب به حکم ارادت بود

یحیی ریحان و ادیب السلطنه سمیعی علاوه بر حضور و عضویت در انجمن های ادبی زمان، از جمله طرفداران آزادی و مشروطه و از مخالفان استبداد و زمامداران وقت، بویژه رضاخان بودند. این دو، به مناسبت یگانگی عقیده و هم فکری در کلیات سیاست داخلی و خارجی، با ملک الشعراء بهار نزدیکی و دوستی داشتند و همین سبب شد که پس از مرگ وی، اشعاری را در سوگش بسرایند. ویژگی و فصل مشترک شاعرانی که به کار سیاست وارد شدند و به مبارزه با استبداد برخاستند، آن است که عموماً یا روزنامه نگار و صاحب روزنامه بودند و یا به نوعی با این حرفه ارتباط داشتند. یحیی ریحان نیز همانند بهار، صاحب روزنامه بود و روزنامه یا مجله ی ریزورق فکاهی گل زرد را در تهران انتشار می داد (آرین پور، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۶). همه این مناسبات سبب شد که قطعه شعری در واقعه درگذشت بهار سروده و از او با عنوان گوهر تابناک دریای ادب، سرلوحه طغرای

ادب و خسرو اقلیم سخن یاد کند (ریحان، بی تا: ۲۷۳).

مضامین اندوهیادهای سروده شده برای بهار

اندوهیاد با توجه به حدود و موضوع آن فرصتی مناسب را برای پرداختن به موضوعات مربوط با مرگ، ناپایداری دنیا و بی‌اعتباری زندگی در اختیار سرایندهگان قرار می‌دهد. در اندوهیادهای سروده شده برای ملک‌الشعراء بهار نیز به مقتضای حال و مقام وی، مضامین متعددی مطرح شده که می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

هنر در تقابل با مرگ: مرگ سرچشمه نیستی است و همه‌چیز را در ظلمت و گذشته فرو می‌برد، اما هنر «نوعی قیام انسان در برابر زوال و نیستی ناشی از ستم زمان است» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۵۷). گادامر^۱، فیلسوف معاصر آلمانی، معتقد است که «هنر چه بسا یگانه‌ترین برقرار کردن پیوندی با ابدیت است» (گراهام، ۱۳۸۳: ۳۹). شعر نیز نوعی هنر است و همان‌گونه که هنرمند پس از مرگ به واسطه آثارش زنده است، شاعر نیز پس از مرگ در سخن و شعر خود زنده است و درون کلماتش نفس می‌کشد.

تقابل هنر و مرگ و اعتقاد به زندگی جاوید یا جاودانگی ملک‌الشعراء بهار را، شاعران معاصر وی باور داشته و در اندوهیادهای خود منعکس کرده‌اند. از جمله صناعی (۱۳۳۰: ۲۸۷) چنین گفته:

نمرده است کو در هنر زنده است جهان فانی است و هنر برقرار
به کاخ خدایان شعر و هنر زوال جهان را نباشد گذار
همایی (۱۳۳۰: ۳۳) نیز با رجوع از گفته خود مبنی بر مرگ بهار، این‌گونه سروده:
خود غلط گفتم که استاد سخن هرگز نمرد آن کجا کاخ سخن برپاست باشد پایدار
مرد کز وی نام نیکو ماند و آثار نیک زنده باشد در شمار مردگان او را میار
دانشی مرد سخنور جاودانی زنده است چون ز وی آثار جاویدان بماند یادگار
در اندوهیادهای ابراهیم صهبا، ادیب برومند، صادق سرمد، محمد فضلی، مشفق ضرغام و یوسف کلانتری نیز به جاودانگی بهار، به واسطه آثار نیک و نام نیکوی وی اشاره شده است.

وجود نداشتن جایگزینی برای بهار: برخی از شاعران معاصر بهار معتقدند که وی جایگزینی ندارد و زمانه حتی با گذشت روزگاران دراز نیز به مانند او دست نیابد. از جمله، در اندوهیاد نظمی تبریزی (۱۳۷۷: ۵۹۱) چنین آمده است:

هم‌پایه‌ی بهار نزاید ز مادری گر سال‌ها زمانه نشیند به انتظار
یا حشمت‌زاده در بیان این نکته چنین گفته است:

هزار سال دگر مادر زمانه بود برای زادن چونین بهار استرون
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۸)

اما همایی (۱۳۳۰: ۳۳) بر این باور است که ممکن است روزگار با انتظار کشیدن و رنج بسیار، سخنوری چون بهار را پرورانده و به چشم ببیند:

مادر ایام خون دل خورد بس قرن‌ها تا چنو مرد سخنور پروراند در کنار

بیان سرنوشت شعر و فضل و دانش با مرگ بهار: در برخی از اندوهیادهای سروده شده برای بهار، از سرنوشت و سرانجام رقت‌انگیز و اسفبار فضل و دانش و ادب و شعر و هنر، با مرگ وی سخن گفته شده است. به عنوان مثال، در اندوهیاد شهریار (۱۳۶۹: ۲۹۶) چنین آمده:

رفتی و با خویش بردی شوکت دربار فضل شاعر از فرّ و فروغ افتاد و شعر از آب و تاب
پژمان بختیاری (۱۳۶۸: ۱۵) نیز این معنی را این گونه به تصویر کشیده:

دیده‌ی فضل و فضیلت تیره شد در غباری کان سوار از دست رفت
مستشاری نیز چنین سروده است:

ز فقدان تو ای شمس سپهر فضل و دانایی ادب گردیده ماتم‌دار و دانش سوگوار امشب
جهان فضل و دنیای سخن بگذازد از این غم که بیند عالم نظم و سخن بی شهریار امشب
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۶۳)

هم‌چنین، همایی (۱۳۳۰: ۳۳) از سوگوار شدن عالم فضل و هنر، بی ملک شدن ملک دانش و بی شهریار شدن شهر ادب با مرگ استاد سخنگویان، بهار، سخن گفته است. سرمد (۱۳۴۷: ۶۷) نیز در این زمینه مبالغه و از مرگ بهار به مرگ فضیلت تعبیر کرده

و گفته:

مرگ بهار مرگ فضیلت بود مرگی و صد هزار مصیبت بود
تغییر در طبیعت با مرگ بهار: برخی از اندوهیاد سرایان در سروده خود، طبیعتی را به تصویر کشیده‌اند که با رفتن بهار، دستخوش تغییر و تحول شده است. این دگرگونی در مظاهر طبیعی و سوگواری طبیعت، بیانگر آن است که به عقیده آنها، این واقعه نه تنها جامعه علم و ادب و هنر را سوگوار ساخته، بلکه طبیعت را نیز دگرگون کرده و به همراهی با سوگواران واداشته است و این به دلیل تناسب نام بهار است با فصل بهار. از جمله، صنایع از تغییر و دگرگونی برخی مظاهر طبیعت چون گل، سرو، چنار، لاله، شکوفه، آب روان و بلبل با درگذشت بهار خبر داده و می‌گویند:

چو این ماجرا باد با باغ گفت	همه برگ گل ریخت بر خاک خوار
ز غم سرو خم کرد بالای راست	ز ماتم بزد دست بر سر چنار
نگون سار شد لاله را جام می	شکوفه فرو ریخت از شاخسار
سرودی که آب روان می‌سرود	به ناگاه خامش شد از جویبار
بیفسرد آواز بلبل که گشت	گروه سرایندگان سوگوار

(گلبن، ۱۳۸۰: ۲۸۷)

سراینده، این امور را با توجه به نام بهار و وفات او که در فصل بهار رخ داده، انتخاب کرده و از این طریق در ایجاد تناسب میان عاطفه و موضوع شعر کوشیده است. در اندوهیادهای مستشاری، فکری سلجوقی و صورتگر نیز به این مضمون اشاره شده است. **انتقاد از قدرناشناسی‌ها:** در برخی از اندوهیادها ملت و مردمی که به ارزش ملک الشعراء بهار پی نبرده و قدر او را در زمان حیاتش ندانسته‌اند و حتی پس از مرگ وی نیز از او تجلیلی بسزا نکرده و به‌دست فراموشی سپرده‌اند، هدف انتقاد و سرزنش قرار گرفته‌اند و سرایندگان از این ناسپاسی‌ها و قدرناشناسی‌ها آه و فغان سر داده‌اند. از جمله، یغمایی (۱۳۴۶: ۲۳۸) با دیدن مزار ساده بهار آن‌چنان متأسف و متأثر شده که فی‌البداهه چنین سروده:

فغان ز مردم ایران که هیچ نشناسند مقام و قدر چنین شاعری سخن‌پرداز

به کشوری دگر ار جای داشت بردندی به پاک تربت او اهل شور و عشق نماز
جهان علم ببین خفته در بدستی خاک نه گنبدی نه حریمی نه زینتی نه طراز
این معنی در اندوهیاد صهبا (۱۳۴۰، ج ۱: ۹۹) نیز دیده می‌شود، آن‌جا که گفته:
اگر چنین ملکی در دیار دیگر بود ملک نبود که اندر صف خدایان بود
نوشته‌اش همه چون زر ناب رایج بود نثار مقدم او لعل بود و مرجان بود
ولی به کشور ایران و مهد شعر و ادب مقام شاعر آزاده کنج زندان بود
کسی که داشت بدو افتخار عالم علم درین دیار گرفتار رنج و بهتان بود
در اندوهیادهای صادق سرمد و کاظم پزشکی نیز به این نکته اشاره شده است.^۱ این انتقادهای می‌تواند اثرات فرهنگی و اجتماعی‌ای چون آگاه ساختن مخاطب از وضعیت جامعه، وادار ساختن او به تفکر، ترغیب او به تلاش در تغییر رویه و اصلاح خود، پاسداشت ارزش‌ها، برخورد با ناسپاسان و ... را در پی داشته باشد.

مرگ شاعر در فصل بهار: سرایندگان اندوهیادها بر این باورند که مرگ ملک الشعراء بهار بسیار غم‌انگیز و اسفبار است و بیش از هر زمان دیگری آنها را تحت تأثیر قرار داده و به اظهار تأسف و تحسّر واداشته، زیرا این واقعه در فصل بهار رخ داده که جهان از خواب دی بیدار می‌شود و آغاز بازگشت طبیعت و کمال طراوت است. به‌عنوان مثال، سرمد (۱۳۴۷: ۶۷) از رفتن وی در فصل بهار انتقاد و گله کرده، می‌گوید:

هنگام آن که فصل بهار آمد و آغاز بازگشت طبیعت بود
هنگام آن که گل به چمن سرزد و اندر چمن کمال طراوت بود
هنگام آن که بلبل گویا را در وصف گل حدیث بلاغت بود
اردیبهشت از پی فروردین در جلوه با بهشتی طلعت بود
عمر بهار شعر و ادب طی شد ما را از این بهار چه قسمت بود؟

همایی (۱۳۳۰: ۳۳) نیز این معنی را در سروده‌اش این‌گونه بیان کرده:

موسم سرسبزی باغ و چمن پژمرده گشت گلبنی کش بود بس گل‌های نغز کامکار

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد صادق سرمد (۱۳۴۷). دیوان سرمد: ۶۷؛ جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد کاظم پزشکی (۱۳۸۰). بلند آفتاب خراسان: ۳۴۴.

این مضمون در اندوهیادهای صهبا، امیربختیار، فکری سلجوقی، معتمدی، پژمان بختیاری، مشفق ضرغام، ضیائی سبزواری و کلانتری نیز دیده می‌شود.^۱

به بهشت رفتن ملک الشعراء بهار: اندیشیدن به این موضوع که بهار از این دنیای فانی و روزگار جافی رهایی یافته و در بهشت مکان گزیده، موجب تسلی دل اندوهیادسرایان گشته است و آنها این احساس را در قالب اشعارشان به دیگران منتقل کرده‌اند. از جمله، حشمت‌زاده در سروده‌اش چنین گفته:

چو گشت طایر روحش ز دام جسم آزاد شدش به شاخه طوبی به خوشدلی مسکن
ملک ز هجر برست و به وصل واصل شد به قرب دوست گرفت از ره ولا مأمن
هزار و سصد و سی اول مه اردی بهشت گشت مکانش بدون رنج و محن
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۹)

ضیائی سبزواری (۱۳۷۲: ۵۸) نیز در این باره چنین سروده:

هرچند او به جنت دارالقرار شد ما را ز دل تحمل و صبر و قرار رفت
در اندوهیادهای صهبا و پژمان بختیاری نیز به این موضوع اشاره شده است.^۲

علاوه بر مضامین مطرح شده در اندوهیادها که به تفکیک و با ذکر مثال به آنها پرداخته شد، اندوهیادسرایان در اشعار خود به ترسیم شخصیت، فضای فکری و خصوصیات اخلاقی بهار پرداخته‌اند و ویژگی آثار و بویژه اشعار او را بیان کرده‌اند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

چهره ملک الشعراء بهار در اندوهیادها

با توجه به این نکته که بیشتر اندوهیادها بلافاصله پس از درگذشت بهار سروده شده‌اند،

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد ابراهیم صهبا، دفتر صهبا: ۹۸؛ جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیادهای امیر بختیار، فکری سلجوقی و معتمدی: بلندآفتاب خراسان: ۳۴۲ و ۳۵۱ و ۳۶۲. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد پژمان بختیاری، دیوان: ۱۵. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد مشفق ضرغام، اندیشه‌های رنگارنگ: ۳۵۹. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد ضیائی سبزواری، گزینه اشعار ضیائی سبزواری: ۵۷. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد کلانتری، «در سوگ بهار»، مندرج در هدیه انجمن ادبی صائب، سال شانزدهم، ش ۲ (اردیبهشت): ۹۷.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک.: اندوهیاد ابراهیم صهبا، دفتر صهبا: ۹۸؛ جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد پژمان بختیاری، دیوان: ۱۵.

می‌توان آنها را منبعی مهم در شناخت شخصیت بهار و سبک او دانست و همچنین، می‌توان با بررسی آنها به نظر و عقیده شاعران معاصر درباره وی پی برد. از آن‌جا که اغلب آنها به دلیل عضویت در انجمن‌ها و محافل ادبی روز، یا کسب فیض از محضر بزرگان ادب هم‌چون بهار، یا همکاری و هم‌فکری، روابط نزدیک و مناسبات دوستانه با او داشته‌اند، در اشعار خود از جنبه‌های مختلف زندگی بهار سخن گفته‌اند، درباره شعر و سبک او نظر داده‌اند و در انتهای به مقام استادی و سروری او اعتراف کرده‌اند. بنابراین، بررسی این اشعار، ترسیم شخصیت و فضای فکری بهار از دیدگاه شاعران معاصر را ممکن می‌سازد. بنابراین، در این قسمت از پژوهش حاضر، شخصیت، خصوصیات اخلاقی و شعر و سبک بهار از دیدگاه شاعران معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اشاره به ویژگی‌های اخلاقی بهار در اندوهیادها: در آثاری که در آنها به شاعران معاصر پرداخته شده، درباره زندگی بهار و آثار او مطالبی بیان شده، اما از ویژگی‌های اخلاقی او سخنی به میان نیامده است. اندوهیادسرایان معاصر، به سبب مناسبات دوستانه با ملک‌الشعراء بهار، در سروده‌های خود به این ویژگی‌ها اشاره کرده‌اند. آنها او را انسانی کامل، با لطف و مهر بی‌پایان، یار وفادار، حق‌پرست و مظهر حقیقت، خاکسار، خدمتگزار مردم پرهیزگار، خادم ملت، باخلاص، متواضع و مهربان نسبت به دوستان و غمگسار آنان، بخرد، هوشیار، باصفا، روشن‌روان، باوقار، آزاده، پرشور، صاحب روحی بزرگ و دلی چون کوه، شریف، جهان‌دیده، مبارز، داهیه، نابغه و با فرّ و احتشام معرفی کرده‌اند که اهل بخل و حسد و بغض و عداوت نبوده (سرمد، ۱۳۴۷: ۶۷)، گرد کدورت بر خاطری ننشاند (پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۱۷)، دل‌ها را از شادمانی لبریز می‌خواسته (صورتگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۱) و آزادی و استقلال کشور را آرزو داشته است (مشفق ضرغام، ۱۳۴۹: ۳۵۹). هم‌چنین، آنها او را انسانی خوش‌مشرّب دانسته‌اند که شادی‌فزا و آرزومند شادی دل‌ها بوده و در بیان این معنی از ترکیب "باده‌ی شیرین‌گوار" (پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: ۱۶) استفاده کرده‌اند. شاعران معاصر معتقد بودند که بهار انسانی فیض‌رسان است که «عموم اهل ادب از اشعه انوار فضل او بهره‌مند و برخوردار گشتند» (سمیعی، ۱۳۴۶: ۲۵۲) و از شمس، آفتاب، خورشید، مهر، آفتاب سایه‌ور، اختر فروزان،

بحر و دریا در ترسیم این ویژگی بهره برده‌اند. از جمله، پژمان بختیاری (۱۳۶۸: ۱۵) در بیتی از اندوهیاد خود چنین سروده:

با که گویم کآفتابی سایه‌ور
پیش چشمم سایه‌وار از دست رفت

اشاره به نقش بهار در محافل و انجمن‌های ادبی: یکی از انگیزه‌هایی که سبب سروده شدن اندوهیادها گردیده، حسرت از دست رفتن شاعری است که مایه‌ی رونق و روشنی محفل و مجلس یاران و دوستان بوده و از او با عنوان "شمع"، "شمع جمع" و "شمع انجمن" یاد شده است. با توجه به این که ملک‌الشعراء بهار مؤسس انجمن ادبی دانشکده بوده، ریاست برخی از انجمن‌ها را برعهده داشته و همچنین، در اکثر انجمن‌ها و محافل ادبی حضور می‌یافته و شاعران معاصر از محضر او در انجمن‌ها بهره می‌برده‌اند و راهنما و راهگشای آنها بوده است، واژه "شمع" را در توصیف نقش او در انجمن‌ها به کار برده‌اند. از جمله، صورتگر (۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۱) در بیتی از اندوهیاد خود چنین سروده:

هر انجمن که شمع وجودت بر آن نتافت
وجد و نشاط و شور در آن انجمن نبود
سرمد (۱۳۴۷: ۶۸) او را "شمع جمع اهل سخن" خوانده و گفته:

تو شمع جمع اهل سخن بودی
حالی چه وقت دخمه‌ی ظلمت بود؟
در اندوهیاد امیربختیار نیز در خطاب به بهار چنین آمده:

بهارا شمع جمع و غمگسار دوستان بودی
برفتی و نهاده‌ی دوستان بی‌غمگسار امشب
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۲)

اشاره به فضل ملک‌الشعراء بهار: اشاره به فضل و برتری ملک‌الشعراء بهار در زمینه‌های مختلف، از بارزترین مضامین اندوهیادهای این دوره است و تقریباً همه اندوهیادسرایان به فضل و کمال وی اعتراف کرده‌اند. حتی کرمانی معتقد است «آنان که با بهار سر کین و جنگ داشتند، یا با او لاف همسری می‌زدند، به نام او افتخار می‌کنند و این دلیل روشنی است بر فضل و برتری او» (همان: ۳۶۱) و پزشکی مدعی است «چون او به فضل در همه خاوران نبود» (همان: ۳۴۳)، یا صهبا بر این باور است که «کسی در

فضل و کمال هم‌آورد او نبود» (صهبا، ۱۳۴۰، ج ۱: ۹۸). سمیعی (۱۳۴۶: ۲۵۲) نیز به بهره‌مند و برخوردار گشتن عموم اهل ادب از اشعه انوار فضل بهار اشاره کرده است. در بیان این معنی، برخی فضل را به خورشید، آفتاب، تاج، دربار، گلبن، برگ و بار، مُلک، سپهر، کتاب، مرز و دریا مانند کرده‌اند و بهار را صاحب فضل و کمال، یگانه‌فاضل، استاد فاضل، فرزانه فاضل، شوکت دربار فضل، پادشاه فضل، جان فضل، آب دانش و فضل، مَلک مُلک مردمی و فضل، شمس سپهر فضل و دانایی، جهان فضل و حکمت، مرزبان مرزهای فضل و دانش و دریای فضل خوانده‌اند. به‌عنوان مثال، شهریار (۱۳۶۹: ۲۹۶) در بیان فضل بهار چنین سروده:

سایس و آزاده و استاد نظم و نثر دوست در کتاب فضل او بسیار ازین فصلاست و باب
صورتگر (۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۰) نیز بهار را پادشاه فضل خوانده و گفته:

ای پادشاه فضل که در نظم و نثر تو یک لفظ سست و یک سخن مستعار نیست
در اندوهیاد مستشاری نیز چنین آمده:

ز فقدان تو ای شمس سپهر فضل و دانایی ادب گردیده ماتم‌دار و دانش سوگوار امشب
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۶۳)

اشاره به علم و دانش ملک الشعراء بهار: شاعران معاصر بهار در اندوهیادهای خود به علم و دانش وی اشاره کرده و از او با عنوان "دانشمند"، "دانشور" و "دانش‌مدار" یاد کرده‌اند که افتخار عالم علم، آبرو و اعتبار دانش و فروغ دانش و فرهنگ است. آنها بهار را هم‌سنگ ابن سینا دانسته و او را شمس، خورشید، آفتاب، اختر، گوهر، درّ، تاج، افسر، ملک، پیشوا، شهریار و مرزبان دانسته‌اند. از جمله، حشمت‌زاده از بهار با عنوان مَلک مُلک دانش و فرهنگ یاد کرده و گفته:

بهار آن مَلک مُلک دانش و فرهنگ ز جور چرخ به خاک سیه نمود وطن
(همان: ۳۴۸)

پژمان بختیاری (۱۳۶۸: ۱۵) نیز در اندوهیاد خود چنین سروده:

گریه کن بر ملک شعر و شهر علم کان ملک وان شهریار از دست رفت
تاج دانش بی بها شد بی بها زانکه درّی شاهوار از دست رفت

و در اندوهیاد مشفق ضرغام (۱۳۴۹: ۳۵۹) نیز چنین آمده:

دریغا مرزهای فضل و دانش ز فقدان ملک بی مرزبان شد

اشاره به مقام ملک الشعراء بهار در ادب فارسی: ملک الشعراء بهار در ادب فارسی، بویژه در شعر فارسی، از جایگاهی والا برخوردار است. اندوهیادسرایان، ادب را به طفل، سپهر، مُلک، باغ، آشیان، شهر، گوهر و لعل، نهال، گلشن و جهان تشبیه کرده‌اند و برای توصیف مقام بهار در ادب، تعبیری چون افسر علم و ادب، اختر فروزان سپهر ادب، گل شعر و ادب، بهار علم و ادب، شهسوار ملک ادب، بهار باغ ادب، مرغ نغمه‌گستر آشیان شعر و ادب، شهریار شهر ادب، پاسبان گوهر و لعل ادب، شاخسار باغ ادب، بهار و برگ و بار گلشن علم و ادب، میر ادب، سپهر ادب، یکتاسوار و یکه‌تاز میدان جهان ادب، شهریار ادب، مُلک ادب، درّ شاهوار ادب و شاه ادب را به کار برده‌اند. این تعبیر بیانگر اعتراف و اقرار به مقام والای بهار در ادب فارسی و نزد آنان است. آنها معتقدند که وی در ادب مقام مقدّم داشت (سرمد، ۱۳۴۷: ۶۸)، خنگ جهان‌نورد ادب رامش بود (صورتگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۰) و یکه‌تازی او در میدان ادب سبب شهرت جهانی او شده است. اشاره به مقام والای بهار در ادب فارسی از مضامین مورد توجه در اندوهیادهای سروده شده برای اوست. از جمله، شهریار (۱۳۶۹: ۲۹۶) او را میر ادب خوانده و گفته: هر دم از پیک و پیام دل سلامت می‌کنم چون شدای میر ادب بازت نمی‌آید جواب؟ صدارت نیز استعاره سپهر ادب را در توصیف بهار به کار برده و چنین سروده:

شگفتم آید از این داستان که در دل خاک چگونه خفت سپهر ادب جهان هنر؟
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۵۸)

در بیتی از اندوهیاد صورتگر نیز در بیان این معنی چنین آمده:

یکتا سوار چون تو جهان ادب نداشت جز از تو وصف عشق شنیدن طرب نداشت
(صورتگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۰)

مقام شاعری ملک الشعراء بهار نزد معاصران: بهار را از پیشروان تجدد ادبی ایران دانسته‌اند (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۷۶) و معتقدند سبک او آمیزه‌ای از سبک‌های مختلف

است و می‌توان آن را طرزی مستقل نامید. هم‌چنین، امتیاز بزرگ وی را در آن دانسته‌اند «که با وجود انتساب به مکتب شعر قدیم توانسته است شعر خود را با خواسته‌های ملت هماهنگ سازد» (آرین‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۷) و مسائل نوین روز را در همان اشکال و قالب‌های قدیمی بریزد و به همان سبک و شیوه گویندگان قدیم از مباحث سیاسی و اجتماعی سخن گوید. از این‌رو، اشاره به شاعری و سخنوری بهار بارزترین مضمون اندوهیادهای سروده شده برای اوست. همه اندوهیاد سرایان به برتری او در زمینه شعر و سخن اقرار کرده‌اند و معتقدند او پادشاه شاعران ایران، استاد سخن‌گویان، استاد استادان نظم، ملک شاعران و شاه سخنوران است. از دیدگاه آنان وی شاعری آزاده، ارزنده، توانا، دانش‌مدار، سخندان و شیرین‌زبان و در عصر خویش، استاد سخن بوده که همه سخنوران در مکتب شعر شاگرد او بوده‌اند (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۵۸). هم‌چنین، او را زنده کننده شعر دری دانسته‌اند که خامه فسونگر و کلک شه‌دپرور و معجزنما داشته (صهبا، ۱۳۴۰، ج ۱: ۹۸) و او را شهریار عالم نظم و سخن، شهریار کشور سخن، شهریار ملک سخن‌گویی، پادشاه سخن، سلطان سخن، خسرو سخن، ملک مُلک شعر و سخن، تاجدار اقلیم شعر، تاجدار تاج سخن، استاد (اوستاد) نظم و سخن، سرور ملک سخن، واسطه العقد سخن، هزار بوستان سخن‌سنجی، رکن استوار بسیط سخن، اختر آسمان شعر، شاه‌باز سخن، بهار سخن و بارور شاخسار سخن خوانده‌اند. همه این تعبیر، بویژه شهریار و پادشاه دانستن بهار، بیانگر مقام والای وی در شاعری و اهمیت او نزد شاعران معاصر است.

گفته شد که اشاره به مقام و اهمیت ملک‌الشعراء بهار در زمینه شعر و سخن، مهم‌ترین مضمون اندوهیادهای سروده شده برای اوست ازجمله، در اندوهیاد ادیب برومند چنین آمده:

رواست گر ملک شاعران بود نامش که بس به ملک سخن طرفه شاهکار آورد
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۲)

پرتو بیضایی (۱۳۶۳: ۱۰۹) نیز در بیان این معنی چنین سروده:

ملک ملک سخن شاعر استاد بهار کز هنر جا به دل خلق جهانی دارد

حشمت‌زاده نیز در ابیاتی از سروده خود، چنین گفته:

دریغ و درد که از مرگ اوستاد سخن به باغ غنچه چو گل بردید پیراهن
ز چرخ بینش کرد آفتاب علم افول ز آشیان ادب رفت شاهباز سخن
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۸)

مصاحب نیز در سوگ استاد خود، این گونه سروده:

به کشور سخن امروز شهریار نماند به گلشن ادب آوخ که برگ و بار نماند
گسست عقد سخن از هم و فروپاشید مگر که واسطه‌العقد برقرار نماند؟
تو را به ملک سخن سروری مسلم بود در این سخن به من انکار روزگار نماند
سخن چه باید گوید کنون ز بعد تو کس؟ که در بسیط سخن رکن استوار نماند
(مصاحب، ۱۳۵۱: ۴۳۵)

اشاره به قدرت طبع ملک‌الشعراء بهار: آثار منظوم ملک‌الشعراء بهار متنوع است و انواع شعر سنتی، اشعار به زبان محلی، تصنیف و ترانه‌ها را دربر می‌گیرد، از این جهت می‌توان دیوان او را متنوع‌ترین دیوان ادب پارسی در عصر مشروطه دانست. وی در همان قالب‌های شناخته شده شعر فارسی، مفاهیمی نو را مطرح ساخته و در شعر فارسی فضایی نو با دیدگاهی جدید پدید آورده که تا آن روزگار بی‌مانند بوده است. وی در حوزه‌های گوناگون از جمله وصف طبیعت، خشم و خروش‌های انقلابی، طنز، وطنیات، مسائل سیاسی روز، نفسانیات، احوال خویش در حبس، اخوانیات، مرثیه و در بسیاری حوزه‌های دیگر شعر سروده و این بیانگر قدرت طبع وی در شاعری است. این معنی نیز از نظر شاعران معاصر دور نمانده و در اندوهیادهای خود به قدرت طبع بهار اشاره کرده‌اند. آنان بهار را صاحب طبعی نغز، نادره، شورانگیز، گهرخیز و لعل‌ریز، جوان، روان و سحرآفرین و در گسترده‌گی هم‌چون دریا دانسته‌اند که موج آن به جوش و خروش است (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۶۰) و همگان را به تحسین و آفرین وامی‌دارد (صورتگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۱).

دیدگاه شاعران معاصر درباره نظم و نثر بهار: شاعران معاصر بهار در اشعار خود، به ویژگی‌های آثار ویاعم از نظم و نثر نیز پرداخته‌اند. پزشکی معتقد است که «چون او به

نظم و نثر همه باختر نداشت» (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۴) و به نظر کرمانی «بر نظم و نثر او همه خلقد مشتری»؛ هم‌چنین، وی آثار بهار را «جان‌بخش‌تر ز پرتو خورشید خاوری» خوانده (همان: ۳۶۱). یغمایی (۱۳۳۷: ۱۶۸) نیز بر این باور است که تحقیقات بهار نغز و دقیق، تألیفات او دلکش و خوب، «نظم او همچو نثر او شیرین و نثر او همچو نظم او مرغوب» است. هم‌چنین، نظم‌ی تبریزی نثر او را کامل‌عیار و نظم او را استوار دانسته که فهرست فرّ و آمار افتخار است (نظمی تبریزی، ۱۳۷۷: ۵۹۱).

بیشتر شاعران معاصر به اظهار نظر درباره نظم بهار و بیان ویژگی‌های اشعار او پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، یغمایی (۱۳۳۷: ۱۶۸) در این‌باره چنین گفته:

ریخت در قالبی که بود از پیش
فکر نو شعر نو عبارت نو
در بیت فوق به این نکته اشاره شده که بهار از پیروان سبک قدیم بوده که افکار و احساسات و مسائل نوین روز را در همان اشکال و قالب‌های قدیمی ریخته و سبک و طرزی مستقل ترتیب داده است. هم‌چنین، در اندوهیادها ذکر شده که وی در انواع شعر اعم از قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، مستزاد و ... دست داشته است. درباره قصاید وی نیز در اندوهیادها اظهار نظرهایی صورت گرفته؛ ازجمله، صهبا (۱۳۴۰، ج ۱: ۹۸) معتقد است «چکامه‌های ملک شعر نیست اعجاز است» و ادیب برومند بر این باور است که بهار «در قصیده‌سرایی، عنصری و فرخی و عمق را به زینهار آورده» (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۲). کرمانی نیز معتقد است بهار «در شیوه چکامه‌سرایی از عنصری گرو برده است» (همان: ۳۶۱) و سرمد گفته که وی «استاد عنصری به قصیدت بود» (سرمد، ۱۳۴۷: ۶۸) و از نظر فتحعلی (۱۳۸۳: ۱۸۱)، بهار به‌دلیل وجود شاهکارهای بسیار در قصیده، ملک ملک سخن شده است. از این اشعار این‌گونه استنباط می‌شود که قصاید بهار محکم و منسجم و استوار است و قصاید عنصری را به یاد می‌آورد.

هم‌چنین، در اندوهیادها ذکر شده که بهار در فصاحت و در پند و اندرز، سعدی عصر خویش بوده (سرمد، ۱۳۴۷: ۶۸؛ فتحعلی، ۱۳۸۳: ۱۸۱) و نصایحش شور شعر سعدی را داشته است. اندوهیادسرایان معتقدند لطایف بهار چون حافظ بوده (صهبا، ۱۳۴۰، ج ۱: ۹۸) و وی را در مثنوی و شور حماسی و جدل هم‌چون فردوسی (سرمد، ۱۳۴۷:

۶۸) و تالی او دانسته‌اند (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۶۱). شهریار (۱۳۶۹: ۲۹۶) نیز او را فردوسی، عنصری، فارابی و ظهیر فاریاب خوانده است.

شاعران معاصر بهار بر این باورند که وی صاحب سخن نغز و تازه و آبدار و اشعار بکر و ناب و سحرآمیز است و شعر وی بلیغ، منسجم و منتخب است و در نظم او یک سخن سست و یک لفظ مستعار وجود ندارد (صورتگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۰). هم‌چنین، آنها معتقدند اشعار او آرام‌بخش (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۱۸۱)، جان‌بخش (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۶۱؛ صهبا، ۱۳۴۰، ج ۱: ۹۸) و شادی‌آور است (گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۲) و شعر خراسانی و نظم دری با اشعار بکر او رنگ دگر یافته (همان: ۳۶۰) و روزی که مملکت به هلاکت نزدیک بود، وی با سخن خود آن را احیاء کرده است (سرمد، ۱۳۴۷: ۶۸).

در کنار اظهار نظرهای متعددی که توسط شاعران معاصر درباره اشعار بهار شده، معدودی نیز به جنبه نویسندگی او و بیان ویژگی‌های نثرش پرداخته‌اند. ادیب برومند در توصیف نثر بهار گفته: «ز نثر نفخه راحت به روح و جان بخشد» (۱۳۸۰: ۳۴۲). "بر کمال"، "شیرین و مرغوب"، "نغز و دقیق"، "دلکش و خوب" از جمله صفتهایی است که شاعران معاصر در توصیف نثر بهار به کار برده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت نثر ادیبانه و هنری بهار به پای اشعارش نمی‌رسد و به همین دلیل است که شاعران معاصر در اندوهیادهای خود، بیشتر به نظم او و ویژگی‌های اشعارش پرداخته‌اند و کمتر درباره نثر او و سبک نوشته‌هایش اظهار نظر کرده‌اند. این باور که پشت سر فرد در گذشته نباید بد گفت نیز در این زمینه بی‌تأثیر نیست.

اشاره به فعالیت‌های سیاسی ملک الشعراء بهار: شخصیت ملک الشعراء بهار جنبه‌های مختلف داشت که یکی از آنها جنبه سیاسی است. وی از عنفوان جوانی به هواداران مشروطه پیوست و از زمان فتح تهران به بعد، به نگارش مقاله‌های سیاسی - اجتماعی در روزنامه‌های ملی مشغول شد و شعرش رنگ و بوی معترضانه به خود گرفت. انتشار روزنامه‌های *نوبهار* و *تازه‌بهار* نیز در همین راستا بود. به واسطه اشعار و نوشته‌هایش بارها تبعید شد، یا به زندان افتاد و می‌توان او را پرشورترین شاعر حبسیه‌سرای معاصر دانست. زندگی و فعالیت‌های سیاسی بهار در اندوهیادهای شاعران معاصر کم و بیش بازتاب

یافته و برخی به این جنبه از زندگی او نیز اشاره کرده‌اند. از جمله، صهبا (۱۳۴۰، ج ۱: ۹۸) او را "سیاستمدار" و "ناطق مبارز" خوانده و او را در نامرادی هم‌چون مسعود سعد سلمان دانسته و به این نکته اشاره کرده که او همواره گرفتار رنج و بهتان و مقام این شاعر آزاده در ایران، مهد شعر و ادب و کنج زندان بوده است. حشمت‌زاده نیز در اشاره به این موضوع، چنین سروده:

بر او گرفت چنان سخت دهر سست‌نهاد که با هزار زبانش نمی‌توان گفتن
گهی شکنجه و تبعید و حبس گه تهدید چنان که داد به مسعود سعد پاداشن
(گلبن، ۱۳۸۰: ۳۴۸)

هم‌چنین، سرمد (۱۳۴۷: ۶۸) او را در کار سیاست پیشرو دانسته و شهریار (۱۳۶۹: ۲۹۶) از او با عنوان "سایس آزاده" یاد کرده است. در اندوهیادهای ادیب‌السلطنه سمعی، صورتگر، امیر بختیار، پژمان بختیاری و ضیائی سبزواری نیز به زندگی توأم با رنج بهار به واسطه فعالیت‌های سیاسی پرداخته شده است.^۱

نتیجه

ملک الشعراء بهار از جمله مشاهیر برجسته خراسان است که به دلیل شخصیت چندضلعی (ادبی، سیاسی، روزنامه‌نگاری) و همه‌جانبه بودن در زمینه‌ی علم و ادب مورد توجه محققان معاصر قرار گرفته و آنها در آثار خود به‌طور مستقل یا غیرمستقل به زندگی، آثار و سبک وی پرداخته‌اند. در کنار این منابع، اندوهیادهای سروده شده در سوگ او نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و با توجه به این که بیشتر این اشعار بلافاصله پس از درگذشت وی سروده شده‌اند، اطلاعات ارزشمندی را درباره‌ی این شاعر معاصر در اختیار محققان و خوانندگان قرار می‌دهند. انگیزه‌ی شاعران معاصر از سرودن اندوهیادها ادای حق دوستی، روابط ادبی، همکاری، یکی بودن خط‌مشی سیاسی و ... بوده است. حضور

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد سمعی، دیوان: ۲۵۲. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد صورتگر. نامه صورتگر، ج ۲: ۱۵۰. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد امیر بختیار. بلندآفتاب خراسان: ۳۴۲. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد پژمان. دیوان: ۱۵. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: اندوهیاد ضیائی. گزینۀ اشعار ضیائی سبزواری: ۵۸.

در انجمن‌ها و محافل ادبی زمان، مهم‌ترین علت مناسبات دوستانه میان آنان به‌شمار می‌رود که آنان را به سرودن اندوهیادی در سوگ بهار واداشته است.

با بررسی اندوهیادها، این نتیجه حاصل می‌شود که محمدتقی بهار از دیدگاه شاعران معاصر خود، انسانی والا، ادیبی گرانمایه، دانشمند و دانشوری یگانه، هنرمندی توانا، فاضلی فرزانه و شاعری استاد است. صفات و تعبیرات به‌کار برده شده برای بهار در این اشعار بیانگر مقام والای او نزد شاعران معاصر است و همگی به فضل و برتری و استادی او در زمینه‌های مختلف، بویژه شعر دری، اقرار و اعتراف کرده‌اند.

اندوهیادسرایان، بهار را در شعر فارسی هم‌ردیف و هم‌پایه‌ی شاعران بزرگی چون عنصری، فردوسی، جامی، سعدی، حافظ، ظهیر فاریابی و ... و در علم و دانش هم‌سنگ ابن‌سینا و فارابی قرار داده‌اند و او را به جهت حبس و تبعیدهای متعدد با مسعود سعد سلمان مقایسه کرده‌اند. آنها بهار را زنده‌کننده نظم دری و شعر او و بویژه قصایدش را استوار و منتخب و منسجم دانسته‌اند و به مقام استادی و پیشوایی او در این زمینه اعتراف کرده‌اند.

منابع

- ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۸۰). *گلزار پایدار، مندرج در بلندآفتاب خراسان*. به اهتمام محمد گلبن. تهران: رسانش.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۸۷). *از صبا تا نیما*. ج ۲. تهران: زوار.
- ----- (۱۳۸۷). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.
- امامی، نصرالله (۱۳۶۹). *مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- پرتو بیضایی، حسین (۱۳۶۳). *دیوان*. تهران: روشن.
- پژمان بختیاری، حسین (۱۳۶۸). *دیوان*. تهران: پارسا.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). *سفر در مه*. تهران: زمستان.
- ریحان، یحیی (بی تا). *دیوان*. تهران: بی جا.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶). *با کاروان حله*. تهران: علمی.
- ----- (۱۳۷۹). *آشنایی با نقد ادبی*. تهران: سخن.
- سرمد، صادق (۱۳۴۷). *دیوان*. تهران: چاپخانه بهمن.
- سمیعی، حسین (۱۳۴۶). *دیوان/شعار*. تهران: علمی.
- شهریار، محمدحسین (۱۳۶۹). *کلیات دیوان*. تهران: نگاه.
- صناعی، محمود (۱۳۳۰). "به یاد بهار". *دانش*، سال دوم، ش ۵ و ۶ (تیر): ۲۸۷.
- صورتگر، لطفعلی (۱۳۶۸). *نامه صورتگر*. به کوشش کوکب صورتگر. تهران: پاژنگ.
- صهبا، ابراهیم (۱۳۴۰). *دفتر صهبا*. ج ۱. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ضیائی سبزواری، ضیاءالحق (۱۳۷۲). *گزینۀ شعار*. به اهتمام حسین شنوایی. سبزوار: دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- فتحعلی، علی (۱۳۸۳). *دیوان صفای هفت شهر عشق*. به اهتمام مهدی آصفی. تهران: جمهوری.
- گراهام، گوردن (۱۳۸۳). *فلسفه هنرها*. ترجمه مسعود علیا. تهران: ققنوس.
- گلبن، محمد (۱۳۸۰). *بلندآفتاب خراسان*. تهران: نشر رسانش.
- محمدی، حسنعلی (۱۳۷۹). *از بهار تا شهریار*. تهران: ارغنون.

- مشفق ضرغام، حسینعلی (۱۳۴۹). *ندیشه‌های رنگارنگ*. اصفهان: کتابفروشی شهسواری.
- صاحب، شمس‌الملوک (۱۳۵۱). "در رثای مرحوم ملک‌الشعراى بهار". *باغ صائب*، سال چهاردهم، ش ۷ (مهر): ۲۶۳.
- مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴). *شعر و ادب فارسی*. تهران: زرین.
- میرحسینی، مژگان (۱۳۹۱). "بررسی اندوهیادهای شاعران معاصر در سوغ شاعران دیگر". *رساله‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد.
- نظمی تبریزی، علی (۱۳۷۷). *دیوان*. تهران: چاپخانه سوره.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۳۰). "در رثاء و ماده تاریخ وفات استاد بزرگوار مرحوم ملک‌الشعراء بهار". *مجله یغما*، سال چهارم، ش ۱ (فروردین): ۳۳.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی.
- یغمایی، حبیب (۱۳۴۶). "بر مزار بهار". *مجله یغما*، سال بیستم، ش ۵ (مرداد): ۲۳۸.
- ----- (۱۳۳۷). "به یاد استاد". *مجله یغما*، سال یازدهم، ش ۴ (تیر): ۱۶۸ و ۱۶۹.

تبیین نابرابری‌های نظام آموزشی در توزیع فرصت‌ها مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۳

یعقوب زارعی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نابرابری‌های آموزشی در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی انجام گردید. این مطالعه به لحاظ ماهیت یک پژوهش کاربردی و از منظر روش‌شناسی در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری داده‌ها با توجه به اهداف پژوهش، مبتنی بر ابزارهای استاندارد شده در قالب جداول و فرم‌های رایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (بویژه سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ استان خراسان جنوبی) بوده است. شایان ذکر است که جامعه آماری پژوهش ۱۱ شهرستان واقع در استان خراسان جنوبی بوده است که جهت سنجش سطح توسعه آموزشی، ۲۶ مؤلفه در قالب شاخص‌های آموزشی، از آمارنامه رسمی استان استخراج و با استفاده از روش تاپسیس فازی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل یافته‌های پژوهش ضمن تأیید وجود شکاف عمیق در توزیع و تخصیص فرصت‌های آموزشی بین شهرستان‌های استان خراسان جنوبی، حاکی از آن است که در مجموع شاخص‌ها، شهرستان بیرجند با ضریب ۰/۳۲ دارای بالاترین سطح توسعه‌یافتگی و شهرستان نهبندان با ضریب ۰/۱۵ دارای کمترین میزان توسعه‌یافتگی به لحاظ آموزشی بوده‌اند. نتایج سطح‌بندی شهرستان‌ها نیز نشان داد به لحاظ میزان توسعه آموزشی، یک محرومیت کلی بر فضای استان خراسان جنوبی حکم فرماست.

واژگان کلیدی: نابرابری‌های آموزشی، تاپسیس فازی، خراسان جنوبی

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
yaghoub.zarei@yahoo.com

مقدمه

آموزش همواره از دغدغه‌ی دولت‌ها بوده است و در زمره مهم‌ترین سیاست‌های عمومی قرار داشته است (علیزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۰)، تا جایی که آموزش و پرورش و نحوه بهره‌مندی از آن در جهان کنونی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی محسوب می‌گردد. بر همین اساس، کشورها مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، در صدد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به نظام آموزشی با کیفیت بالا هستند. چرا که یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی، برقراری فرصت‌های یکسان برای دسترسی آزاد جامعه به آموزش و پرورش است (قاسمی اردهائی، حیدرآبادی و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). در این میان، فراهم آوردن شانس مساوی برای دستیابی همه دانش‌آموزان جامعه به فرصت‌های آموزشی مطلوب (نظیر شانس ورود به نظام آموزشی و مدرسه بهتر)، دسترسی به منابع موجود در نظام آموزشی (همانند معلم، متخصص، فضا و تجهیزات آموزشی مناسب و نیز برخورداری از عملکرد مطلوب آموزش)، از جهات متعدد حائز اهمیت است (همان: ۱۲۹). لزوم توجه جدی به نحوه توزیع فرصت‌های آموزشی وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم آموزش ابزار تعدیل‌کننده توزیع درآمد و شرط لازم برای نیل به رشد اقتصادی است و تساوی فرصت‌های آموزشی، وسیله‌ای برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی است (روشن، ۱۳۹۱: ۲۸).

هر چند توزیع برابر فرصت‌ها و دسترسی همگانی به نظام آموزشی مطلوب، از ارکان اساسی توسعه پایدار در هزاره سوم محسوب می‌گردد که هر یک از کشورها، به نوعی در صدد حصول به آن هستند، اما باید اذعان نمود که جوامع مختلف، بویژه جوامع در حال توسعه، در این راستا با موانعی جدی روبه‌رو هستند. یکی از اساسی‌ترین موانع، تمایز در برخورداری و محرومیت از فرصت‌ها و امکانات آموزشی است که منجر گشته سهم افراد از موقعیت‌ها به نسبت جایگاه و طبقه اجتماعی- اقتصادی‌شان به نحو بارزی متفاوت باشد. در این میان، تفاوت منطقه‌ای به‌عنوان نمود آشکار فقدان دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی موجب گردیده تا بویژه در مناطق محروم و دورافتاده، تحرک اجتماعی کمتری جهت تثبیت پایگاه و کسب منزلت اجتماعی وجود داشته باشد.

بر همین اساس، با عنایت به نقش تعیین کننده نظام آموزشی (به عنوان بخشی از کل نظام اجتماعی) در کاهش نابرابری های اجتماعی و رابطه معنادار برابری فرصت های آموزشی با خلق فرصت های برابر در زندگی، این پژوهش تلاش دارد تا با هدف کلی سنجش میزان توسعه آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در قالب یک مطالعه موردی، ضمن ارائه ی سیمایی جامع از میزان دسترسی به فرصت های آموزشی در این استان، به سؤالات ذیل نیز پاسخ دهد:

- ۱- میزان برخورداری آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در دوره ابتدایی چگونه است؟
- ۲- میزان برخورداری آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در دوره متوسطه اول چگونه است؟
- ۳- میزان برخورداری آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در دوره متوسطه دوم چگونه است؟
- ۴- میزان برخورداری آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در دوره بزرگسال چگونه است؟
- ۵- میزان برخورداری آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در مجموع دوره های آموزشی چگونه است؟

مبانی نظری

مفهوم برابری فرصت های آموزشی - که با داشتن آموزشی با کیفیت، مطلوب و مناسب معادل است - این فرصت را برای همگان فراهم می کند تا به دور از هر گونه فشار و محدودیت مالی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی، خود را برای مشارکت فعال و همه جانبه آماده سازند (همانجا). برابری فرصت ها که در بُعد کلان، نوعی نگاه انسان گرایانه و عدالت خواهانه را با خود به همراه دارد، غالباً به عنوان یک شاخص توسعه یافته در نظر گرفته می شود که در بعد خرد نیز ابزار و سازوکاری است که موجب شکوفا شدن اندیشه های خلاق شده و امکان پرورش قابلیت را برای همه به طور مساوی فراهم می سازد

(سرخ، ۱۳۸۶: ۱۰۶). لزوم دسترسی برابر افراد جامعه به امکانات و فرصت‌های آموزشی و اهمیت بالای نحوه توزیع منابع در نظام آموزشی، موجب گردیده تا طی دهه‌های اخیر، مقوله برابری آموزشی بسیار مورد توجه قرار گیرد و نظریه‌پردازان متعددی از زوایا و ابعاد مختلف، این مهم را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند.

شاید بتوان گفت نظریه برابری آموزشی ریشه در نظرات راولز^۱ دارد. او برابری و عدالت در فرصت‌ها در مجموعه‌های آموزشی را در سه اصل فراهم کردن تسهیلات آموزشی برابر برای افراد واجد شرایط، فراهم آوردن حداقل میزان آموزش برای هر فرد و ایجاد امکانات و تدارکات ویژه برای گروه‌های محروم می‌داند (حسنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹، نقل از Rawls, 1971). فارل^۲ یکی دیگر از نظریه‌پردازان، برابری آموزشی را در چهار رویکرد برابری در دستیابی، برابری در مشارکت، برابری نتایج آموزشی و برابری تأثیرات آموزشی بر مراحل زندگی خلاصه نموده است (همان: ۳۹، نقل از Horn, ۲۰۱۰).

کلمن^۳ نیز معتقد است که ایجاد امکان آموزش رایگان برای بچه‌ها بدون در نظر گرفتن سابقه خانوادگی و نژادی و نیز جنس و طبقات اجتماعی و گروه‌های مختلف قومی، از ضروریات برابری فرصت‌های آموزشی می‌باشد (زارع شاه‌آبادی و بنیاد، ۱۳۹۳: ۵۸).

نابرابری آموزشی انواع مختلفی از نابرابری را شامل می‌شود که مشهودترین آنها نابرابری جنسیتی و نابرابری فضایی است. نابرابری جنسیتی، تفاوت قائل شدن بین دو جنس (زن و مرد) در دسترسی به فرصت‌های آموزشی است (کچویان و آقاپور، ۱۳۸۵: ۱۲۴) که در این حالت مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و دستورهای حاکم در جامعه بر پایه جنس، نابرابری را پدید می‌آورد و با جلوگیری از دسترسی به امکانات و همراهی در تصمیم‌گیری، نابرابری جنسی را دنبال‌دار می‌کند (اعظم‌آزاده و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۴).

نابرابری فضایی که مقوله مدنظر این پژوهش است، واژه‌ای مرکب از نابرابری و فضا است و اشاره به وضعیتی دارد که در آن واحدهای مختلف فضایی یا جغرافیایی در سطوح مختلف در برخی متغیرهای مورد نظر قرار دارند (دربان‌آستانه، طهماسبی و رضایی،

1. Rawls

2. Farrel

3. Kolman

۱۳۹۵: ۳۴، نقل از (Lall & Chakravorty, 2005: 47).

نابرابری فضایی را هم چنین می توان توزیع نابرابر فرصت ها و موانع اجتماعی در فضا دانست. نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه ای است، در هر جامعه ای می تواند جنبه های مختلف به خود بگیرد. اشکال قابل رؤیت نابرابری فضایی در کشورهای قابل توسعه عبارت است از نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی در درون شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و غیره (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۲۸). نابرابری فضایی که با رشد قطبی یک یا دو منطقه و عقب ماندن چند منطقه همراه است، به نوعی می تواند پیش درآمد ناهمگونی های اجتماعی نیز قلمداد گردد.

نابرابری اجتماعی که محصول عدم توزیع مناسب منابع و خدمات اجتماعی در یک جامعه است و ریشه در ساختار ناهمگون ملی، منطقه ای و گاه محلی دارد، می تواند با گذشت زمان زمینه ایجاد نابرابری فرهنگی را نیز سرعت بخشد. حال این که نابرابری های آموزشی، خود مصداق بارزی از نابرابری های اجتماعی- فرهنگی است که با شدت و ضعف در نواحی مختلف وجود دارد. در مجموع آنچه مبرهن است این است که پیشرفت های اجتماعی در یک جامعه، منوط به دسترسی آحاد مردم به فرصت های برابر است. از همین رو، نابرابری های آموزشی بایستی با تأمل و تعمق بیشتری توسط مسئولین، برنامه ریزان و متولیان امر مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. بر همین اساس، از آن جا که هیچ توسعه ای بدون توسعه و تکامل نیروی انسانی، مطلوب و مقدور نخواهد بود و توسعه اجتماعی- فرهنگی نیز زمانی در جامعه تحقق می یابد که همگان به امکانات آموزشی موجود در جامعه به شکل یکسان دسترسی داشته باشند، بررسی پیش رو با اعتقاد به ضرورت تحت پوشش قرار دادن تمامی واجب التعلیمان و فراهم نمودن فرصت های آموزشی برابر برای همگان، در صدد است تا با تبیین میزان توسعه شهرستان های استان خراسان جنوبی به لحاظ آموزشی، کیفیت توزیع شاخص های آموزشی در مناطق مختلف این استان را مورد سنجش قرار داده و اولویت های برنامه ریزی را مشخص نماید.

پیشینه تحقیق

مقالات و پژوهش‌های متعددی در خصوص توزیع نابرابری شاخص‌های آموزشی نگاشته شده است که به فراخور اهداف تحقیق، چند مورد از آن‌ها به طور خلاصه ذکر می‌گردد. در مقالات داخلی، پژوهش یزدانی، غفاری گیلانده و علیزاده (۱۳۹۲) که با هدف رتبه‌بندی توسعه آموزشی در استان اردبیل بود، نشان دادند که بین نواحی آموزشی استان اردبیل نابرابری شدید وجود دارد و نیاز مبرم به برنامه‌ریزی آموزشی جهت کاهش نابرابری‌ها وجود دارد. نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای که با هدف سنجش نابرابری فضایی در برخورداری از شاخص‌های آموزشی در استان خوزستان انجام شد، نشان دادند که تفاوت آشکار و محسوسی در میزان برخورداری از امکانات و فضاهای آموزشی در بین شهرستان‌های این استان وجود دارد. اکبری (۱۳۹۴) در مقاله خود با هدف تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه آموزشی در مناطق شهری و روستایی کهگیلویه و بویراحمد، نشان داد شهرستان‌های یاسوج و دهدشت به‌عنوان مناطق دارای توسعه و شهرستان‌های لنده، دیشموک و لوداب به‌عنوان مناطق محروم در زمینه توسعه آموزشی هستند. کاکادزفولی، کاکادزفولی و عبداللهی (۱۳۹۵) در مقاله خود با هدف تبیین توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان کرمان، نشان دادند که توسعه آموزشی در سطح شهرستان‌های استان بسیار نابرابر و در تضاد کامل با عدالت فضایی است. صابری و نصراللهی‌نیا (۱۳۹۶) در مقاله خود که با هدف شناخت میزان برخورداری آموزشی سکونتگاه‌های استان ایلام صورت پذیرفت، نشان دادند که نابرابری در توزیع خدمات و امکانات آموزشی در استان ایلام مشهود است و شهرستان‌های مهران، آبدانان و ایلام از شهرستان‌های نسبتاً محروم به‌شمار می‌آیند.

در مقالات خارجی نیز چنگ (Cheng, 2009) در پژوهشی با هدف بازنگری جامع در آموزش ابتدایی چین و در راستای نقد و بررسی نابرابری آموزشی در این کشور، به نابرابری آموزشی در سه حوزه شهری، روستایی و منطقه‌ای و جنسیتی پرداخته و در انتها، راهبردهایی برای ارتقاء برابری و عدالت در آموزش و پرورش پیشنهاد می‌نماید. داگلاس (Douglass, 2010) در مقاله خود اشاره می‌کند که توسعه

خدمات آموزشی به نوبه خود، سبب شکل گیری سرمایه انسانی و ارتقاء تحرکات اقتصادی- اجتماعی و در نهایت، توسعه یافتگی کشور می گردد.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و نوع روش به کار رفته در آن توصیفی- تحلیلی است که طی آن جهت تبیین میزان توسعه آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی (تعداد ۱۱ شهرستان به عنوان جامعه آماری) مورد بررسی قرار گرفت. شیوه جمع آوری اطلاعات نیز به صورت اسنادی - کتابخانه ای است که با اتکاء به آمارنامه رسمی سرشماری عمومی نفوس و مسکن (بویژه سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ استان خراسان جنوبی) گردآوری شده است. به طوری که ۲۶ متغیر در قالب شاخص آموزش از داده های رسمی آمارنامه استخراج (جدول ۱) و با استفاده از روش های تصمیم گیری چندشاخصه فازی مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول (۱) متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر

دوره	متغیر
ابتدایی	X_1 نسبت دانش آموز مقطع ابتدایی به معلم هر شهرستان، X_2 تراکم دانش آموز ابتدایی در کلاس هر شهرستان، X_3 تراکم دانش آموز ابتدایی در آموزشگاه هر شهرستان، X_4 نسبت کارکنان آموزشی مقطع ابتدایی هر شهرستان به کل کارکنان آموزشی مقطع ابتدایی، X_5 نسبت کارکنان دفتری مقطع ابتدایی هر شهرستان به کل کارکنان دفتری مقطع ابتدایی، X_6 نسبت آموزشگاه ابتدایی هر شهرستان به کل آموزشگاه های مقطع ابتدایی، X_7 نسبت تعداد کلاس ابتدایی هر شهرستان به کل کلاس های ابتدایی
متوسطه اول	X_8 نسبت دانش آموز مقطع متوسطه اول به معلم هر شهرستان، X_9 تراکم دانش آموز مقطع متوسطه اول در کلاس هر شهرستان، X_{10} تراکم دانش آموز مقطع متوسطه اول در آموزشگاه هر شهرستان، X_{11} نسبت کارکنان آموزشی مقطع متوسطه اول هر شهرستان به کل کارکنان آموزشی مقطع متوسطه اول، X_{12} نسبت کارکنان دفتری مقطع متوسطه اول هر شهرستان به کل کارکنان دفتری مقطع متوسطه اول، X_{13} نسبت آموزشگاه مقطع متوسطه اول هر شهرستان به کل آموزشگاه های مقطع متوسطه اول، X_{14} نسبت تعداد کلاس مقطع متوسطه اول هر شهرستان به کل آموزشگاه های مقطع متوسطه اول

متوسطه دوم	X۵۱ نسبت دانش آموز مقطع متوسطه دوم به معلم هر شهرستان، X۶۱ تراکم دانش آموز مقطع متوسطه دوم در کلاس هر شهرستان، X۷۱ تراکم دانش آموز مقطع متوسطه دوم در آموزشگاه هر شهرستان، X۸۱ نسبت کارکنان آموزشی مقطع متوسطه دوم هر شهرستان به کل کارکنان آموزشی مقطع متوسطه دوم، X۹۱ نسبت کارکنان دفتری مقطع متوسطه دوم هر شهرستان به کل کارکنان دفتری مقطع متوسطه دوم، X۰۲ نسبت آموزشگاه مقطع متوسطه دوم هر شهرستان به کل آموزشگاه های مقطع متوسطه دوم، X۱۲ نسبت تعداد کلاس مقطع متوسطه دوم هر شهرستان به کل کلاس های مقطع متوسطه دوم
تکمیلی بزرگسالان	X۲۲ نسبت دانش آموزان دوره تکمیلی بزرگسال هر شهرستان به کل دانش آموزان بزرگسال، X۳۲ نسبت دانش آموزان مرد دوره تکمیلی بزرگسال هر شهرستان به کل دانش آموزان مرد دوره تکمیلی بزرگسال، X۴۲ نسبت دانش آموزان زن دوره تکمیلی بزرگسال هر شهرستان به کل دانش آموزان زن دوره تکمیلی بزرگسال، X۵۲ نسبت تعداد آموزشگاه دوره تکمیلی بزرگسال هر شهرستان به کل آموزشگاه های دوره تکمیلی بزرگسال، X۶۲ نسبت تعداد کلاس دوره تکمیلی بزرگسال هر شهرستان به کل کلاس های دوره تکمیلی بزرگسال

منبع: (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۳)

از آن جا که از یک سو برخی محققین بر این باورند که مفهوم توسعه چندان دقیق نیست و از سوی دیگر، روش های تصمیم گیری چندمعیاره به دلیل انعطاف بیشتر به دنیای واقعی نزدیک تر بوده و نتایج دقیق تر و قابل اطمینان تری ارائه می دهد، این بررسی نیز جهت تحلیل داده های پژوهش از «روش رتبه بندی ترجیحات بر اساس شباهت شان به راه حل مطلوب فازی» (تاپسیس فازی)^۱ استفاده نمود.

این روش رتبه بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه روش رتبه بندی ترجیحات براساس شباهت شان به راه حل مطلوب است (زیاری، زنجیرچی و سرخ کمال، ۱۳۸۹: ۲۳)، اولین بار توسط تسای، هوانگ و وانگ (Tsai, Huang & Wang, 2008: 56) در سال ۱۹۸۱ ارائه شد. این روش یکی از کاراترین روش های تصمیم گیری چندمعیاره^۲ بوده و پاسخی برای اولویت بندی گزینه ها بر اساس شباهت هایشان محسوب می شود که بر اساس یک ماتریس $m \times n$ که دارای m گزینه و n شاخص یا معیار می باشد، مورد ارزیابی قرار می گیرد (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۲۰). مفهوم این الگو، انتخاب کوتاه ترین فاصله از راه حل مطلوب مثبت و دورترین فاصله از راه حل مطلوب منفی به منظور حل مسائلی

1. Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution Fuzzy (TOPSIS)
2. Multi-Attribute Decision Making

است که با ضوابط تصمیم گیری متعدد روبه روست (Jadidi, et al., 2008: 764). در این طرح فرض می شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم گیری دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهشی یکنواخت است (عبدالله زاده فرد، ۱۳۹۶: ۱۴۸). یعنی هر چه مقدار یک شاخص مثبت بیشتر باشد، دارای مطلوبیت بیشتر و هر چه مقدار یک شاخص منفی بیشتر باشد، دارای مطلوبیت کمتری است. روش تصمیم گیری چندمتغیره تاپسیس که با هدف رتبه بندی و تعیین گزینه های مطلوب انجام می گیرد، بین صفر و یک قرار دارد و هر چه به یک نزدیک تر باشد نشان دهنده ی مطلوب بودن آن است. در تاپسیس فازی که در آن عناصر ماتریس یا وزن های متعلق به هر شاخص به صورت فازی بیان می شوند، برای انجام عملیات می توان از روش های متفاوتی بهره گرفت که از متداول ترین آنها روش وضع شده بوسیله هوانگ^۱ و چن^۲ است (اصغرپور، ۱۳۹۳؛ ۴۶-۴۵) که به صورت خلاصه شامل مراحل ذیل می شود:

مرحله ۱: تشکیل ماتریس تصمیم گیری

مرحله ۲: تعیین ماتریس وزن معیارها

مرحله ۳: بی مقیاس کردن ماتریس تصمیم گیری

مرحله ۴: تعیین ماتریس تصمیم فازی وزن دار

مرحله ۵: یافتن حل بهینه فازی^۳ $(FPIS, A^+)$ و حل ضد بهینه فازی^۴ $(FNIS, A)$

مرحله ۶: محاسبه فاصله از حل بهینه و ضد بهینه فازی

مرحله ۷: محاسبه شاخص شباهت

مرحله ۸: رتبه بندی گزینه ها

تحدید حدود فازی و تعیین وزن متغیرها

در راستای تبیین دقیق وضعیت توسعه آموزشی در استان خراسان جنوبی، ابتدا داده های اولیه که به صورت اطلاعات اسنادی و خام از سالنامه آماری استان جمع آوری

1. Hwang

2. Chen

3. Fuzzy Positive Ideal Solution (FPIS)

4. Fuzzy Negative Ideal Solution (FNIS)

شده‌اند، باید جهت انجام محاسبات به ارقامی فازی مبدل گردند. بنابراین، معیارهای مورد نظر ابتدا به شاخص‌های بی‌مقیاس تبدیل شده و سپس ارقام به‌دست آمده به‌صورت تحدیدهای آماری بیان می‌گردند (تقوایی، احمدیان و عزیزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۶). از آن‌جا که تحدیدهای فازی برای داده‌ها به‌صورت سلیقه‌ای بیان می‌شوند (عطایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)، به‌صورتی که دایره نامحدودی از اعداد را در بر می‌گیرد تا به منظور قرار دادن در محاسبات فازی، در مراحل بعد و به شیوه‌های خاص، تبدیل به ارقام صفر تا یک گردند (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۱۸۹)، در این پژوهش نیز جهت افزایش دقت در تحدید فازی متغیرها با طیف زیر استفاده گردید (جدول ۲).

جدول ۲) تحدید حدود فازی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

تعریف زبانی ارزش‌ها	مقیاس فازی مثلثی	وزن فازی	تحدید حدود
کاملاً مطلق	۰/۷،۰/۹،۰/۹	۷،۹،۹	۹۰-۹۹
بین مطلق و خیلی قوی	۰/۶،۰/۸،۰/۹	۶،۸،۹	۸۰-۸۹
خیلی قوی	۰/۵،۰/۷،۰/۹	۵،۷،۹	۷۰-۷۹
بین خیلی قوی و قوی	۰/۴،۰/۶،۰/۸	۴،۶،۸	۶۰-۶۹
قوی	۰/۳،۰/۵،۰/۷	۳،۵،۷	۵۰-۵۹
بین قوی و ضعیف	۰/۲،۰/۴،۰/۶	۲،۴،۶	۴۰-۴۹
ضعیف	۰/۱،۰/۳،۰/۵	۱،۳،۵	۳۰-۳۹
بین ضعیف و یکسان	۰/۱،۰/۲،۰/۴	۱،۲،۴	۲۰-۲۹
یکسان	۰/۱،۰/۱،۰/۳	۱،۱،۳	۱۰-۱۹
دقیقاً یکسان	۰/۱،۰/۱،۰	۱،۱،۱	۰-۹

(منبع: زارعی، ۱۳۹۵)

لازم به ذکر است که در این مطالعه از میان انواع مختلف ارقام فازی، عدد فازی مثلثی به‌کار گرفته شده است که یک مجموعه فازی پیوسته با تابع عضویت زیر است (نعمتی و رئیس، ۱۳۸۴: ۵۲).

$$\mu(x) = \begin{cases} 0; x < a_1 \\ -((a_2 - x)/(a_2 - a_1)) + 1; a_1 \leq x < a_2 \\ -((x - a_2)/(a_3 - a_2)) + 1; a_2 \leq x < a_3 \\ 0; x \geq a_3 \end{cases} \quad (۱۲)$$

قبل از انجام محاسبات، برای از بین بردن تفاوت‌ها بایستی نسبت به محاسبه‌ی وزنی هر یک از متغیرهای مورد نظر اقدام نمود که در این بررسی، ابتدا از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی جهت وزن‌دهی معیارها استفاده شد و سپس اوزان به‌دست آمده به اعداد فازی مبدل گردید (جدول ۳).

جدول ۳ وزن فازی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

شاخص ۷	شاخص ۶	شاخص ۵	شاخص ۴	شاخص ۳	شاخص ۲	شاخص ۱	شاخص
۹،۹،۷	۴،۶،۸	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۳،۵،۷	۹،۹،۷	۶،۸،۹	وزن
شاخص ۱۴	شاخص ۱۳	شاخص ۱۲	شاخص ۱۱	شاخص ۱۰	شاخص ۹	شاخص ۸	شاخص
۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۵،۷،۹	۹،۹،۷	۹،۹،۷	وزن
شاخص ۲۱	شاخص ۲۰	شاخص ۱۹	شاخص ۱۸	شاخص ۱۷	شاخص ۱۶	شاخص ۱۵	شاخص
۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۵،۷،۹	۶،۸،۹	۱،۳،۵	وزن
		شاخص ۲۶	شاخص ۲۵	شاخص ۲۴	شاخص ۲۳	شاخص ۲۲	شاخص
		۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	۹،۹،۷	وزن

معرفی منطقه

استان خراسان جنوبی با ۱۵۰۸۰۰ کیلومتر مربع، بین مدار ۳۰ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است و طبق آخرین تقسیمات کشوری، این استان دارای ۱۱ شهرستان (شکل ۱)، ۲۵ بخش، ۲۸ شهر و ۶۱ دهستان بوده است. براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت استان خراسان جنوبی برابر با ۷۶۸۸۹۸ نفر بوده که در مقایسه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، متوسط رشد سالانه جمعیت معادل ۰/۹۶٪ بوده است. طبق همین سرشماری،

تعداد ۲۲۳۹۸۴ خانوار در استان سکونت داشته‌اند که از این تعداد، ۵۹/۰۲٪ خانوار در نقاط شهری و ۴۰/۹۸٪ خانوار در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. همچنین از کل جمعیت، ۴۵۳۸۲۷ نفر در مناطق شهری و ۳۱۵۰۷۰ نفر نیز در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۶: ۱).



شکل ۱) موقعیت شهرستان‌های استان خراسان جنوبی

تحلیل یافته ها

دوره ابتدایی

تحلیل یافته ها در دوره ابتدایی نشان می دهند به لحاظ نسبت دانش آموز به معلم، شهرستان خوسف با ۱۲ دانش آموز به ازای هر معلم، مطلوب ترین وضعیت و شهرستان بیرجند با ۲۰ دانش آموز به ازای هر معلم، نامطلوب ترین وضعیت را در بین شهرستان های استان خراسان جنوبی داراست. در متغیر تراکم دانش آموز در کلاس در دوره ابتدایی، بیشترین تراکم نیز متعلق به شهرستان بیرجند، با ۲۲ دانش آموز در هر کلاس و کمترین میزان تراکم نیز مربوط به شهرستان خوسف، با ۱۴ دانش آموز در کلاس به دست آمده است. در بررسی نسبت تراکم دانش آموز در آموزشگاه نیز بیرجند با ۱۲۰ دانش آموز در هر آموزشگاه، بیشترین تراکم و شهرستان خوسف با ۳۰ دانش آموز در هر آموزشگاه، کمترین میزان تراکم در آموزشگاه ها را در بین شهرستان های استان به خود تخصیص داده است. بیشترین نسبت کارکنان آموزشی در بین شهرستان های مربوط نیز به شهرستان بیرجند با دارا بودن ۲۷٪ (از کل کارکنان آموزشی استان) و کمترین نسبت کارکنان آموزشی مربوط به شهرستان های خوسف و بشرویه با تخصیص ۰/۰۴٪ (از کل کارکنان آموزشی استان) بوده است. بیشترین و کمترین نسبت کارکنان دفتری نیز در کل استان، به ترتیب مربوط به شهرستان های بیرجند (۳۶٪) و خوسف (۰/۰۳٪) به دست آمده است. در بررسی نسبت آموزشگاه های استان در هر شهرستان نیز بیرجند با اختصاص ۱۸٪ از آموزشگاه های ابتدایی استان، دارای بیشترین تعداد آموزشگاه و شهرستان بشرویه با ۰/۰۳٪ آموزشگاه، از کمترین میزان برخورداری بهره مند بوده اند. در بررسی تعداد کلاس های درسی نیز بیشترین تعداد کلاس ها مربوط به شهرستان بیرجند با ۲۸٪ و کمترین تعداد کلاس های درسی دوره ابتدایی، مربوط به شهرستان خوسف با ۰/۰۳ بوده است. در ادامه رتبه بندی حاصل از روش تاپسیس فازی نیز نشان داد که شهرستان های سریشه و خوسف نسبت به سایر شهرستان ها، به لحاظ برخورداری متعادل از فرصت های آموزشی، وضعیت به مراتب بهتری دارند (جدول ۴).

جدول ۴) برخورداری آموزشی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی در دوره ابتدایی

شماره	نام شهرستان	S+	S-	Cci
۱	سربیشه	۲۸/۷۲	۱۴/۸۱	۰/۳۴۰
۲	خوسف	۲۹/۳۶	۱۳/۴۳	۰/۳۱۴
۳	بیرجند	۲۷/۰۲	۱۱/۹۶	۰/۳۰۷
۴	درمیان	۲۹/۳۴	۱۲/۴۲	۰/۲۹۷
۵	نهبندان	۲۹/۳۴	۱۲/۴۲	۰/۲۹۷
۶	طیلس	۲۸/۵۳	۱۱/۸۵	۰/۲۹۴
۷	بشرویه	۲۸/۱۳	۱۱/۶۰	۰/۲۹۲
۸	قائنات	۲۸/۱۹	۱۰/۷۳	۰/۲۷۶
۹	فردوس	۲۷/۷۹	۱۰/۴۷	۰/۲۷۴
۱۰	زیرکوه	۲۹/۹۹	۱۱/۰۴	۰/۲۶۹
۱۱	سرایان	۲۸/۸۵	۸/۷۶	۰/۲۳۳

دوره متوسطه اول

ارزیابی داده‌ها در دوره متوسطه اول حاکی از آن است که در متغیر نسبت دانش آموز به معلم، شهرستان فردوس با ۸ دانش آموز به ازای هر معلم، بهترین وضعیت و شهرستان بیرجند با ۱۴ دانش آموز به ازای هر معلم، نامناسب ترین وضعیت را در بین شهرستان‌های استان خراسان جنوبی داراست. در بررسی تراکم دانش آموزان دوره متوسطه اول در کلاس، شواهد نشان می‌دهند بیشترین تراکم نیز متعلق به شهرستان بیرجند، با ۲۴ دانش آموز در هر کلاس و کمترین میزان تراکم نیز مربوط به شهرستان خوسف، با ۱۷ دانش آموز در کلاس است. در نسبت تراکم دانش آموز در آموزشگاه نیز بیرجند با ۱۲۰ دانش آموز در هر آموزشگاه بیشترین تراکم و شهرستان درمیان با ۴۳ نفر دانش آموز در هر آموزشگاه، کمترین میزان تراکم در آموزشگاه‌های دوره متوسطه اول را به خود اختصاص دادند. آمارها هم‌چنین نشان دادند که از مجموع کل کارکنان و آموزشگاه‌های استان،

بیشترین نسبت کارکنان آموزشی (۳۰٪)، بیشترین نسبت کارکنان دفتری (۲۶٪)، بیشترین نسبت آموزشگاه (۱۹٪) و بیشترین نسبت کلاس دوره اول متوسطه (۲۹٪)، همگی به شهرستان بیرجند اختصاص داشته‌اند، در حالی که کمترین نسبت کارکنان آموزشی (۰/۰۳٪) متعلق به شهرستان‌های خوسف و سربیشه و بشرویه، کمترین نسبت کارکنان دفتری (۰/۰۳٪) متعلق به شهرستان‌های خوسف و بشرویه و کمترین نسبت آموزشگاه (۰/۰۴٪) و کمترین نسبت کلاس دوره اول متوسطه (۰/۰۴٪) نیز در کل استان، به شهرستان بشرویه اختصاص داشته است. رتبه‌بندی حاصل از روش تاپسیس فازی نیز نشان داد که شهرستان‌های درمیان و نهبندان، به ترتیب بهترین و بدترین شرایط را نسبت به سایر شهرستان‌ها، از لحاظ برخورداری از فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه اول دارا بوده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵) برخورداری آموزشی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی در دوره متوسطه اول

Cci	S-	S+	رتبه	شماره
۰/۳۰۱	۱۲/۰۰	۲۷/۸۳	درمیان	۱
۰/۲۶۹	۱۰/۶۸	۲۹/۰۶	قائنات	۲
۰/۲۶۹	۱۰/۷۶	۲۹/۱۸	بیرجند	۳
۰/۲۵۸	۱۰/۰۲	۲۸/۸۳	خوسف	۴
۰/۲۵۸	۱۰/۰۲	۲۸/۸۳	سرایان	۵
۰/۲۴۲	۹/۵۲	۲۹/۸۲	طبس	۶
۰/۲۴۰	۹/۲۰	۲۹/۰۷	فردوس	۷
۰/۲۰۲	۷/۷۱	۳۰/۵۶	زیرکوه	۸
۰/۱۹۷	۷/۴۴	۳۰/۲۸	بشرویه	۹
۰/۱۷۸	۶/۷۲	۳۱/۰۶	نهبندان	۱۰
۰/۱۷۸	۶/۷۲	۳۱/۰۶	سربیشه	۱۱

دوره متوسطه دوم

تحلیل یافته‌ها در دوره متوسطه دوم مبین این مطلب است که بیشترین تراکم دانش‌آموز در استان خراسان جنوبی در شهرستان بیرجند وجود دارد. به‌طوری که آمارها نشان می‌دهند در شهرستان بیرجند به ازای هر ۱۴ دانش‌آموز، یک معلم وجود دارد و تراکم دانش‌آموز دوره متوسطه دوم در هر کلاس، ۲۵ نفر و تراکم دانش‌آموز در آموزشگاه، ۱۸۲ نفر است. این در حالی است که بهترین وضعیت نسبت دانش‌آموز به معلم در شهرستان فردوس با ۱۰ دانش‌آموز به ازای هر معلم، به‌دست آمده است. کمترین تراکم دانش‌آموز دوره متوسطه دوم در کلاس نیز با ۱۷ نفر در هر کلاس، متعلق به همین شهرستان (فردوس) است. هم‌چنین کمترین تراکم دانش‌آموز در آموزشگاه نیز به شهرستان سرایان، با ۸۸ نفر در هر آموزشگاه اختصاص داشته است. در ادامه آمارها نشان دادند از کل کارکنان آموزشی و دفتری دوره متوسطه دوم استان، شهرستان بیرجند بیشترین سهم و شهرستان خوسف کمترین سهم را داراست. به‌طوری که شهرستان بیرجند ۳۳٪ از کارکنان آموزشی و ۲۵٪ از کارکنان دفتری را به‌خود اختصاص داده است، در حالی که نسبت کارکنان آموزشی در شهرستان خوسف ۰/۰۳٪ و نسبت کارکنان دفتری ۰/۰۴٪ بوده است. ارزیابی کلی نسبت آموزشگاه‌های دوره متوسطه دوم در استان خراسان جنوبی نیز نشان می‌دهد شهرستان بیرجند با اختصاص ۲۵٪ از آموزشگاه‌های دوره متوسطه دوم استان، دارای بیشترین تعداد آموزشگاه و شهرستان خوسف با ۰/۰۴٪، از کمترین میزان آموزشگاه بهره‌مند بوده است. در بررسی تعداد کلاس‌های درسی نیز بیشترین تعداد کلاس‌ها مربوط به شهرستان بیرجند با ۳۰٪ و کمترین تعداد کلاس‌های درسی، مربوط به شهرستان خوسف با ۰/۰۳٪ بوده است. در ادامه رتبه‌بندی حاصل از روش تاپسیس فازی نیز نشان داد که شهرستان‌های بیرجند و قائنات در دوره آموزشی متوسطه دوم نسبت به سایر شهرستان‌ها، به لحاظ برخورداری متعادل از فرصت‌های آموزشی، وضعیت به مراتب بهتری را دارا هستند (جدول ۶).

جدول ۶) برخورداری آموزشی شهرستان های استان خراسان جنوبی در دوره متوسطه دوم

Cci	S-	S+	شهرستان	ردیف
۰/۲۳۲	۹/۱۲	۳۰/۱۱	بیرجند	۱
۰/۲۱۲	۸/۳۹	۳۱/۱۲	قائنات	۲
۰/۱۹۰	۷/۴۰	۳۱/۶۲	طبس	۳
۰/۱۸۹	۷/۲۵	۳۱/۰۷	فردوس	۴
۰/۱۷۷	۶/۶۳	۳۰/۸۶	خوسف	۵
۰/۱۷۷	۶/۶۳	۳۰/۸۶	سرایان	۶
۰/۱۶۱	۶/۱۳	۳۱/۸۴	درمیان	۷
۰/۱۵۶	۵/۸۶	۳۱/۵۷	سربیشه	۸
۰/۱۵۶	۵/۸۶	۳۱/۵۷	بشرویه	۹
۰/۱۳۷	۵/۱۴	۳۲/۳۵	زیرکوه	۱۰
۰/۱۰۱	۳/۷۸	۳۳/۵۶	نهبندان	۱۱

دوره بزرگسال

ارزیابی داده ها در دوره تکمیلی بزرگسال نیز حاکی از آن است که بیشترین تعداد دانش آموز دوره بزرگسال و بیشترین تعداد آموزشگاه و کلاس درس، مربوط به شهرستان بیرجند بوده است، در حالی که شهرستان سربیشه فاقد دانش آموز در دوره بزرگسال بوده است. به طوری که شهرستان بیرجند با ۴۶٪ بیشترین نسبت دانش آموز مرد بزرگسال و با ۴۴٪ بیشترین نسبت دانش آموز زن بزرگسال را به خود اختصاص داده است. در نسبت آموزشگاه های بزرگسال نیز شهرستان بیرجند با دارا بودن ۱۹٪ از کل آموزشگاه های دوره تکمیلی بزرگسالان و ۳۷٪ از کل تعداد کلاس های درسی، بیشترین سهم را نسبت به سایر شهرستان ها به خود تخصیص داده است. رتبه بندی حاصل از روش تاپسیس فازی نیز نشان داد که شهرستان های بیرجند و سربیشه، به ترتیب بهترین و بدترین

شرایط را نسبت به سایر شهرستان‌ها، از لحاظ برخورداری از فرصت‌های آموزشی در دوره تکمیلی بزرگسالان دارا بوده‌اند (جدول ۷).

جدول ۷) برخورداری آموزشی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی در دوره بزرگسال

ردیف	نام شهرستان	S+	S-	Cci
۱	بیرجند	۱۸/۲۰	۱۶/۳۱	۰/۴۷۳
۲	طبس	۲۵/۸۷	۶/۷۴	۰/۲۰۷
۳	قائنات	۲۶/۵۳	۵/۳۹	۰/۱۶۹
۴	فردوس	۲۶/۷۶	۴/۷۲	۰/۱۵۰
۵	بشرویه	۲۷/۸۵	۲/۶۹	۰/۰۸۸
۶	درمیان	۲۸/۷۱	۰/۸۱	۰/۰۲۷
۷	سرایان	۲۸/۸۱	۰/۶۷	۰/۰۲۳
۸	نهبندان	۲۸/۸۱	۰/۶۷	۰/۰۲۳
۹	خوسف	۲۸/۹۷	۰/۳۴	۰/۰۱۱
۱۰	زیرکوه	۲۸/۹۷	۰/۳۴	۰/۰۱۱
۱۱	سربیشه	۲۹/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰۰

شکاف عظیم توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی به‌عنوان مشهودترین پیام پژوهش حاضر، موجب گردید تا در ادامه جهت تبیین دقیق‌تر وضعیت کلی مناطق مورد مطالعه به لحاظ دسترسی به فرصت‌های آموزشی، نسبت به تعیین رتبه‌بندی کلی مناطق مورد مطالعه اقدام گردد. از همین‌رو، با عنایت به نتایج مختلف هر شهرستان در هر یک از دوره‌های آموزشی و همچنین لزوم رسیدن به رتبه نهایی، از روش "ادغام" بهره‌گیری شد. شایان ذکر است که برای یکسان نمودن نتایج، روش‌های مختلفی همانند روش میانگین، روش بردا^۱ و روش کپلند^۲ وجود دارند که در پژوهش حاضر برای ادغام نتایج، از روش میانگین استفاده گردید (زارعی و استعلاجی، ۱۳۹۶:

1. Borda Method

2. Copeland Method

۱۲۵). بر همین اساس، با استفاده از روش ادغام، ضریب توسعه هر یک از شهرستان ها در دوره های مختلف با هم ادغام شد و با استفاده از نمره میانگین آنها، ضریب نهایی توسعه آموزشی هر یک از شهرستان ها مشخص گردید. در ادامه، مجموع محاسبات نشان داد که شهرستان بیرجند با ضریب $۰/۳۲۰$ توسعه یافته ترین منطقه و شهرستان نهبندان با ضرایب $۰/۱۵۰$ محروم ترین منطقه استان خراسان جنوبی، به لحاظ برخورداری از فرصت های آموزشی است. رتبه سایر شهرستان ها نیز در ادامه قابل مشاهده است (جدول ۸).

جدول ۸) رتبه بندی نهایی شهرستان های استان خراسان جنوبی بر حسب توسعه آموزشی

نام شهرستان	ضریب توسعه (ابتدایی)	ضریب توسعه (متوسطه اول)	ضریب توسعه (متوسطه دوم)	ضریب توسعه (بزرگسال)	ضریب میانگین	رتبه نهایی
سربیشه	$۰/۳۴۰$	$۰/۱۷۸$	$۰/۱۵۶$	$۰/۰۰۰$	$۰/۱۶۹$	۹
خوسف	$۰/۳۱۴$	$۰/۲۵۸$	$۰/۱۷۷$	$۰/۰۱۱$	$۰/۱۹۰$	۶
بیرجند	$۰/۳۰۷$	$۰/۲۶۹$	$۰/۲۳۲$	$۰/۴۷۳$	$۰/۳۲۰$	۱
درمیان	$۰/۲۹۷$	$۰/۳۰۱$	$۰/۱۶۱$	$۰/۰۲۷$	$۰/۱۹۷$	۵
نهبندان	$۰/۲۹۷$	$۰/۱۷۸$	$۰/۱۰۱$	$۰/۰۲۳$	$۰/۱۵۰$	۱۱
طبس	$۰/۲۹۴$	$۰/۲۴۲$	$۰/۱۹۰$	$۰/۲۰۷$	$۰/۲۳۳$	۲
بشرویه	$۰/۲۹۲$	$۰/۱۹۷$	$۰/۱۵۶$	$۰/۰۸۸$	$۰/۱۸۳$	۷
قائنات	$۰/۲۷۶$	$۰/۲۶۹$	$۰/۲۱۲$	$۰/۱۶۹$	$۰/۲۳۱$	۳
فردوس	$۰/۲۷۴$	$۰/۲۴۰$	$۰/۱۸۹$	$۰/۱۵۰$	$۰/۲۱۳$	۴
زیرکوه	$۰/۲۶۹$	$۰/۲۰۲$	$۰/۱۳۷$	$۰/۰۱۱$	$۰/۱۵۵$	۱۰
سرایان	$۰/۲۳۳$	$۰/۲۵۸$	$۰/۱۷۷$	$۰/۰۲۳$	$۰/۱۷۳$	۸

در ادامه جهت تسهیل در شناسایی مناطق محروم و برنامه‌ریزی جهت رفع عدم تعادل‌ها، با توجه به میزان توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، گزینه‌ها خلاصه و با توجه به روش تحلیل سلسله‌مراتبی خوشه‌ای در پنج سطح طبقه‌بندی گردیدند (شکل ۱). بدین ترتیب که سطح اول شهرستان‌های بسیار توسعه‌یافته (با ضریب توسعه‌یافتگی ۱ تا ۰/۸۰)؛ سطح دوم مناطق توسعه‌یافته (با ضریب توسعه‌یافتگی بین ۰/۷۹ - ۰/۶۰)؛ سطح سوم مناطق دارای توسعه متوسط (با ضریب توسعه‌یافتگی بین ۰/۵۹ - ۰/۴۰)؛ سطح چهارم مناطق محروم (با ضریب ۰/۳۹ - ۰/۲۰) و سطح پنجم مناطق بسیار محروم (با ضریب کمتر از ۰/۲۰) قرار گرفتند. همان‌طور که در جدول ۹ نشان داد شده، در سطح اول تا سوم هیچ شهرستانی از استان خراسان جنوبی نمی‌تواند در زمره‌ی مناطق برخوردار قرار گیرد و تمام شهرستان‌های این استان به لحاظ برخورداری آموزشی با نگاهی واقع‌بینانه، در زمره مناطق محروم و بسیار محروم قرار می‌گیرند.

جدول ۹) سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی بر اساس میزان توسعه آموزشی

سطوح توسعه	شهرستان
سطح یک (بسیار توسعه‌یافته)	-
سطح دو (توسعه‌یافته)	-
سطح سه (توسعه متوسط)	-
سطح چهار (محروم)	بیرجند، طبس، قائنات، فردوس
سطح پنجم (بسیار محروم)	نهبندان، زیرکوه، سربیشه، سرایان، بشرویه، خوسف، درمیان

نتیجه گیری و پیشنهادها

تردیدی نیست که توسعه انسانی بنیان توسعه پایدار است و توسعه منابع انسانی در گرو آموزش است. لاجرم در چشم انداز نیل به توسعه پایدار، نقش نظام آموزشی بسیار حائز اهمیت است و در کنار آن، مطلوبیت مجموعه آموزشی به مراتب کلیدی تر است. از همین رو، باید اذعان نمود که پیش شرط اصلی استقرار یک نظام آموزشی مطلوب و با کیفیت، توزیع برابر فرصت های آموزشی است و بس. از همین رو، با عنایت به مطالب مذکور، می توان دریافت که نقش آموزش تا چه اندازه بنیادی و ضروری است و بر همین مبنا، وضعیت دسترسی به فرصت ها و امکانات آموزشی مستلزم تأمل جدی تر است. چرا که نقش آفرینی نیروهای انسانی در جامعه، مستلزم آگاهی است و این امر تنها از طریق بهبود دسترسی آنان به فرصت های آموزشی می تواند فراهم گردد.

با عنایت به اهمیت بالای دسترسی به فرصت های آموزشی، نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی میزان توسعه آموزشی در شهرستان های استان خراسان جنوبی از حاکمیت یک محرومیت کلی حکایت می کند. سطح بندی مناطق مورد مطالعه (جدول ۹) بر حسب روش تحلیل خوشه ای سلسله مراتبی نشان داد که قسمت اعظم استان خراسان جنوبی به لحاظ دسترسی به فرصت های آموزشی، در سطح بسیار محروم به سر می برند. تأمل بیشتر در توزیع فرصت ها و امکانات آموزشی در استان خراسان جنوبی، به خوبی روشن می سازد که مناطق شهرستانی این استان به لحاظ برخورداری، حتی از سطح متوسط نیز پایین تر هستند. به طوری که نگاهی دقیق تر به ضریب توسعه شهرستان های مورد مطالعه، حاکی از آن است که از ۱۱ شهرستان مورد مطالعه، حتی شهرستان بیرجند که ضریب برخورداری آن ۰/۳۲۰ است، از متوسط خدمات و امکانات آموزشی (ضریب ۰/۵۰) نیز بهره مند نیست. این در حالی است که وقتی اوضاع، اسفناک تر می شود که نگاهی به جدول سطح بندی شهرستان ها بیندازیم که نشان می دهد هفت شهرستان، در زمره مناطق بسیار محروم قرار دارند و تنها چهار شهرستان هستند که با تقویت امکانات، شاید بتوانند به استاندارد برخورداری از حداقل امکانات و فرصت های آموزشی دست یابند. این مهم ضمن تأیید محرومیت کلی شهرستان های استان خراسان جنوبی،

زنگ خطری است که نشان می‌دهد فضای محروم آموزشی در استان خراسان جنوبی، نیازمند مذاقه و واکاوی بسیار عمیق‌تر است.

در عین محرومیت، از سوی دیگر، نتایج نشان از وجود یک شکاف عمیق منطقه‌ای در دسترسی به فرصت‌های آموزشی دارد، تا جایی که فاصله برخوردارترین شهرستان (بیرجند با ضریب ۰/۳۲) با محروم‌ترین شهرستان (نهبندان با ضریب ۰/۱۵)، معنادار است و به ۰/۱۷ می‌رسد. این ارقام ضمن تأیید وجود شکاف عمیق منطقه‌ای در بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی، به‌نوعی از تمرکز بیشتر خدمات و امکانات آموزشی در برخی مناطق استان هم‌چون بیرجند، طبس و قائنات پرده بر می‌دارد. به‌طوری‌که مادامی‌که تمرکز خدمات آموزشی در برخی مناطق مسلط، زمینه توسعه‌یافتگی آموزشی برخی شهرستان‌ها را فراهم نموده، از سوی دیگر، موجبات محرومیت و عقب‌ماندگی شهرستان‌های دیگری هم‌چون نهبندان، زیرکوه و سربیشه را نیز فراهم کرده است.

هر چند باید عنوان نمود که تحقیقات نشان می‌دهند که نابرابری آموزشی، پدیده‌ای فراگیر و سراسری است و تنها به استان خراسان جنوبی اختصاص ندارد. ازجمله ملکی، احمدی و ترابی (۱۳۹۲)، زارع شاه‌آبادی و بنیاد (۱۳۹۳)، سامری و دیگران (۱۳۹۴)، دربان‌آستانه، طهماسبی و رضایی (۱۳۹۵) همگی در پژوهش‌های خود به توزیع نابرابری فرصت‌ها و امکانات آموزشی در مناطق مختلف کشور پرداخته‌اند.

نگاه کلی به توزیع فرصت‌های آموزشی در کل کشور گواه این مدعاست که به نوعی الگوی مرکز- پیرامون از ساختار کلان به مناطق رسوخ یافته است و هم‌چنان که استان‌هایی هم‌چون تهران، خراسان رضوی، اصفهان و فارس به لحاظ بهره‌مندی از زیرساخت‌های خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با سایر استان‌ها از نظر توسعه آموزشی، در حال رشد هستند، در نقطه مقابل، استان‌هایی هم‌چون خراسان جنوبی قرار دارند که به‌دلیل فاصله با مرکز و انزوای جغرافیایی، از توسعه آموزشی مطلوب به‌دور مانده‌اند. علت این مسأله را که بایستی آن را در الگوهای رایج حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور و به‌کارگیری الگوهای ناصحیح، جست‌وجو نمود، بی‌تردید حاوی این نکته است که ناهمگونی در سطح کلان، موجب رسوخ عدم توازن به داخل

استان ها و به تبع آن، منجر به برهم خوردن تعادل در سطح استان و محرومیت برخی شهرستان ها گردیده است.

در نهایت، با توجه به نقش انکارناپذیر حوزه های آموزشی در تربیت نیروی انسانی و در تحقق توسعه ملی، ضمن تأکید بر ضرورت بازنگری در وضع موجود، جهت دستیابی به توسعه مطلوب در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم استان خراسان جنوبی، پیشنهادهای ذیل ارائه می گردد:

- تدوین سند جامع توسعه آموزشی استان خراسان جنوبی با اولویت دهی ویژه به آمایش مناطق بسیار محروم.

- تلاش برای ارتقاء سطح دسترسی به فرصت های آموزشی و محرومیت زدایی آموزشی در شهرستان های بسیار محروم نهبندان، زیرکوه، سربیشه، سرایان، بشرویه، خوسف و درمیان (از طریق افزایش دسترسی به امکانات آموزشی، همانند مدارس و فضاهای آموزشی و افزایش دسترسی به نیروهای انسانی و معلمان، به خصوص در نقاط دور افتاده، عشایری و محروم استان).

- بهره گیری از ظرفیت بالای بخش خصوصی، جهت سرمایه گذاری در زیرساخت های آموزشی استان، بویژه در مناطقی که نسبت آموزشگاه آن نسبت به سایر شهرستان ها پایین تر است، همانند خوسف، نهبندان، زیرکوه، بشرویه و سربیشه.

- اهتمام در جهت افزایش دسترسی به خدمات آموزشی، بویژه در مقطع ابتدایی (از طریق کاهش تراکم دانش آموزان در کلاس های درسی، افزایش کارکنان آموزشی و احداث آموزشگاه های جدید، بویژه در اکثر شهرستان ها به خصوص نقاط روستایی).

- تخصیص اعتبار ویژه جهت توسعه و ارتقاء شاخص های آموزشی در دوره بزرگسالان در شهرستان هایی که فاقد مدارس دوره بزرگسالان هستند، یا برخورداری بسیار کمی دارند، همانند سربیشه، زیرکوه، خوسف، نهبندان، سرایان، درمیان و بشرویه.

- تقویت و ارتقاء شاخص ها و امکانات آموزشی در همه ادوار آموزشی در شهرستان های بیرجند،

طبس، قائنات و فردوس جهت رسیدن به سطح استاندارد و معقول.

- تشکیل کارگروه‌ها و کمیته‌های تخصصی جهت آسیب‌شناسی دقیق حوزه توسعه آموزشی، چه در ابعاد سرمایه مادی و چه در ابعاد سرمایه انسانی.
- انجام مطالعات و پژوهش‌های بیشتر و کاربردی‌تر در راستای تعیین ضعف‌ها و تهدیدهای توسعه آموزشی و مشخص نمودن راهبردهای توسعه آموزشی در مناطق مختلف استان.

منابع

- اصغری‌پور، محمدجواد (۱۳۹۳). *تصمیم‌گیری چندمعیاره*. تهران: دانشگاه تهران.
- اعظم‌آزاده، منصور؛ رضایی، انیس (۱۳۸۹). "نابرابری جنسیتی آموزشی در بخش درود فرامان کرمانشاه". *فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، سال هشتم، ش ۲۴ (پاییز): ۷-۲۳.
- اکبری، محمود (۱۳۹۴). "تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه آموزشی در مناطق شهری و روستایی کهگیلویه و بویراحمد". *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، سال هشتم، ش ۱۵ (تابستان): ۶۹-۸۴.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹). *کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا*. تهران: سمت.
- تقوایی، مسعود؛ احمدیان، مهدی؛ علیزاده، جابر (۱۳۹۱). "تحلیل فضایی و سنجش توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی". *فصلنامه تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*، سال یکم، ش ۳ (بهار): ۱۳۱-۱۵۴.
- حسنی، محمد، و دیگران (۱۳۹۳). "مدل‌سازی ساختاری تأثیر آرزوهای تحصیلی بر نابرابری آموزشی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع پیش‌دانشگاهی". *مجله روان‌شناسی مدرسه*، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۳۷-۵۰.
- دربان‌آستانه، علیرضا؛ طهماسبی، سیامک؛ رضایی، پانیز (۱۳۹۵). "تحلیل الگوی نابرابری فضای آموزشی شهرستان‌های کشور". *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، سال پنجم، ش ۹ (بهار و تابستان): ۳۱-۵۰.

- دهقان، حسین (۱۳۸۶). "فرصت ها و تهدیدها برای آموزش و پرورش در مواجهه با نابرابری فضایی در فن آوری اطلاعات و ارتباطات". *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و سوم، ش ۳ (پاییز): ۱۶۳-۱۲۵.
- روشن، احمدرضا (۱۳۹۱). "برابری فرصت های آموزشی، ابزاری برای کاهش نابرابری های اقتصادی". *روزنامه دنیای اقتصاد* (۳ دی): ۲۸.
- زارع شاه آبادی، اکبر؛ بنیاد، لیلا (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری آموزشی در بین دانش آموزان شهر کازرون". *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*، سال چهارم، ش ۱۳ (بهار): ۶۹-۳۸.
- زارعی، یعقوب (۱۳۹۵). "بررسی، تحلیل و سطح بندی توسعه روستایی در نواحی جنوبی ایران با تأکید بر روش های تصمیم گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: استان بوشهر)". رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات).
- زارعی، یعقوب؛ استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۶). "سنجش میزان برخورداری سکونتگاه های روستایی شهرستان بروجرد (با بهره گیری از مدل های ترکیبی فازی)". *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*، سال هفتم، ش ۲۶ (تابستان): ۱۳۰-۱۱۳.
- زیاری، کرامت الله؛ زنجیرچی، محمد؛ سرخ کمال، کبری (۱۳۸۹). "بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس". *فصلنامه پژوهش های جغرافیایی*، سال چهل و دوم، ش ۷۲ (تابستان): ۱۷-۳۰.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی (۱۳۹۳). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی ۱۳۹۳*. بیرجند: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی، معاونت آمار و اطلاعات.
- ----- (۱۳۹۶). *مقایسه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵*. بیرجند: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی، معاونت آمار و اطلاعات.

- سامری، مریم، و دیگران (۱۳۹۴). "تحلیل وضعیت و ارائه الگوی کاهش نابرابری‌های آموزشی و عدالت‌گستری بر اساس آموزه‌های دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی)". تربیت / سلامی، سال دهم، ش ۲۰ (بهار و تابستان): ۷۳-۹۲.
- سرخ، اسماعیل (۱۳۸۶). "نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی: دوره‌ی ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰)". فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست‌وسوم، ش ۳ (پاییز): ۱۰۳-۱۲۴.
- صابری، حمید؛ نصراللهی‌نیا، اعظم (۱۳۹۶). "ارزیابی توسعه آموزشی شهرستان‌های استان ایلام با استفاده از مقایسه مدل‌های چندشاخصه". فصلنامه پژوهش‌های مکانی-فضایی، سال یکم، ش ۲ (بهار): ۵۱-۶۵.
- عبدالله‌زاده فرد، علیرضا (۱۳۹۶). "مکان‌یابی شهرک صنایع دستی، گامی در راستای تحقق توسعه گردشگری پایدار (نمونه موردی: شیراز)". فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال هفتم، ش ۳۳ (بهار): ۱۴۳-۱۵۴.
- عطایی، محمد (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی. شاهرود: دانشگاه صنعتی شاهرود.
- علیزاده، یوسف (۱۳۹۲). "تحلیل و سطح‌بندی توسعه‌یافتگی آموزشی: نمونه نواحی آموزش و پرورش استان / اردبیل". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- قاسمی اردهایی، علی؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ رستمی، نیر (۱۳۹۰). "زمینه‌های خانوادگی نابرابری فرصت‌های آموزشی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر)". مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال یکم، ش ۱ (بهار): ۱۲۵-۱۴۷.
- کاکادزفولی، امین؛ کاکادزفولی، انیس؛ عبداللهی، علی‌اصغر (۱۳۹۵). "تبیین و ارزیابی توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان کرمان". فصلنامه مطالعات

- برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، سال یازدهم، ش ۳۵ (تابستان): ۸۳-۹۹.
- کچویان، حسین؛ آقاپور، علی (۱۳۸۵). "کندوکاو در نابرابری های آموزشی در ایران". فصلنامه راهبرد یاس، سال چهارم، ش ۷ (پاییز): ۱۱۵-۱۵۴.
 - کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). مدل های کمی در برنامه ریزی (منطقه ای، شهری و روستایی). تهران: فرهنگ صبا.
 - ملکی، سعید؛ احمدی، رضا؛ ترابی، ذبیح الله (۱۳۹۲). "سطح بندی توسعه آموزشی در شهرستان های استان خوزستان". مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال یکم، ش ۴ (پاییز و زمستان): ۱۶۷-۱۹۷.
 - نظم فر، حسین؛ علی بخشی، آمنه (۱۳۹۳). "سنجش نابرابری فضایی در برخورداری از شاخص های آموزشی با استفاده از روش تاپسیس (مطالعه موردی: استان خوزستان)". مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال سوم، ش ۶ (پاییز و زمستان): ۱۱۵-۱۳۴.
 - نعمتی، رمضان؛ رئیسی، غلامعلی (۱۳۸۴). "رتبه بندی عملکردها در مهندسی ارزش فازی". در: مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مهندسی صنایع. گردآوری انجمن مهندسی صنایع ایران. تهران: دانشگاه تربیت مدرس: ۵۰-۵۷.
 - یزدانی، محمدحسن؛ غفاری گیلانده، عطا؛ علیزاده، یوسف (۱۳۹۲). "بررسی و رتبه بندی توسعه آموزشی نواحی نوزده گانه آموزش و پرورش استان اردبیل". مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال دوم، ش ۴ (پاییز و زمستان): ۳۷-۶۶.
 - Cheng, Henan (2009). "Inequality in Basic Education in China: A Comprehensive Review". *International Journal of Educational Policies*, Vol. 3, No. 2: 81-106.
 - Douglass, John Aubrey (2010). "Creating a Culture of Aspiration: Higher Education, Human Capital and Social Change". *Journal of Procedia Social and Behavioral Sciences*, Vol. 2, No. 5: 6981-6995.
 - Jadidi, Omid, et al. (2008). "TOPSIS and fuzzy multi-objective

model integration for supplier selection problem”. *Journal of Achievements in Materials and Manufacturing Engineering*, Vol. 31, No. 2: 762-769.

- Tsai, Hui-Yin.; Huang, Bao-Huey; Wang, An Siou (2008). “Combining ANP and TOPSIS Concepts for Evaluation the Performance of Property-Liability Insurance Companies, Science Publications”. *Journal of Social Sciences*, Vol. 4, No. 1: 56-61.

Social and Economic Concerns of Women After Divorce and Related Factors (Case Study: Sabzevar City)

Maryam Mostafavi ¹

Azam Mahdavi Poor ²

Shafie Ghodrati ³

Abstract

Divorce is a phenomenon that quickly changes people's social and economic status. How to deal with situations after divorce and to adapt to it is different among women and men. Because women are more vulnerable than men, faced with the conditions after the divorce and its consequences, they experience more problems. The purpose of this study is to investigate the concerns of women and some of its related factors after divorce. The mixed method was used for this research. Initially interviewed with 20 divorced women and in the next step, a questionnaire was arranged and a scrolling method was used. The findings showed that none of the variables related to their families had a significant effect on reducing their social worries. On the other hand, women's economic concerns are influenced by the characteristics of the women's family, and the education of parents, the number of children of women, and how to receive alimony has a significant and decreasing relationship with their economic concerns. In this way, it can be said that the social aspects of concerns have a deeper dimension. In other words, women's social and economic concerns are large and economic concerns are slightly more than social. Among the components studied,

1. MA, Women Studies, Sociology, Payam Noor University, Sabzevar; Email: maryammostafavi770@gmail.com

2. Assistant Prof, Criminology, Kharazmi University, Tehran; Email: amahdavi poor@yahoo.com

3. Assistant Prof, Demographics, Research Center of Geosciences and Social Studies, Hakim Sabzevari University; Email: shghodrati@gmail.com

worries about social status and worries about financial status are the most important social and economic concern of women. Investigating factors associated with social and economic concerns has shown that the family can be important in reducing the economic concerns of women, but it does not relieve women's social concerns. In other words, women's social concerns have a structural dimension and goes beyond women's and their families.

Keywords: Women, Divorce, Social and Economic Concerns, Mixed Approach, Sabzevar

The state of addiction Internet and its predictive role in the social health of students

Hadi PourShafei ¹

Fateme Naderi ²

Abstract

The using of modern technologies, including the Internet, should be considered both an opportunity and a threat. Regardless of the opportunities provided, this communication tool can provide a healthy function or threaten the mental and physical health of users, including students. The objective of this study was to investigate the status of Internet addiction and its predictive role in social health in students of Birjand University. The research method is descriptive-survey. The statistical population consisted of all students of Birjand University studying in the academic year of 96-95. Among them, 300 randomly selected cluster sampling was selected as the statistical sample. The research tool is the Young Yang Internet Addiction (IAT) questionnaire (1996) and Keys Social Health Questionnaire (1998). Data analysis was performed using t-test, one way ANOVA, correlation, independent t-test and regression at a significant level of $P < 0.05$. The results indicated that there was a significant negative relationship between internet addiction and social health of students, and there was a significant reverse relationship between social health subscales, subscales of social acceptance, social integration, and social adaptation using Internet. There was a significant difference between the Internet addiction and the social health of girls and boys. The results also showed that Internet addiction could predict the social health of students. However, it can be said that the phenomenon of Internet addiction is a health problem that has hit people. Therefore,

1. Associate Professor, Faculty of Education and Psychology, Birjand University; Email: hpour-shafei@birjand.ac.ir

2. Phd Student, curriculum planning, Birjand University; Email: fateme_naderi1390@yahoo.com

university officials should work on the health of students, especially their social health, and plan their use of the Internet and its networks in the field of proper education and proper education.

Key words: Internet Addiction, Social Health, College Students

**Reflection of Society's Political Changes in Epic Poetry of
Akhavan-Sales Case Study: Zemestan (winter)**

Mojtaba Attarzadeh ¹

Abstract

In Iran's contemporary literature, Mehdi Akhavan-Sales (a.k.a M. Omid 1928-1990, born in Khorasan province) is one of the most trustworthy and politically-oriented poets, whose social and political commitment is evidently observed in his poetries. He has always scrutinized the society, people's life and hardships. Following the 19 August 1953 Iranian coup d'état that affected the people's thoughts and emotions and resulted in desperation and hopelessness, Akhavan began to reflect liberation, as one of his main concerns, in his works. After reviewing his works, and by using an analytical-descriptive approach, this work concludes that, unlike general presumption, Akhavan had never desired and attempted to give up the strive and hope; rather, the despondency observed in his poetries stem from the frustration and dissatisfaction from his life, his people and the social hurdles. He felt committed to improve the social and political situations and did not get disappointed. This study highlights the realism, processing the social events, hope, combat and symbolism, as the most distinguished features in his poems.

Keywords: Social symbolism, Nimai style, Heroic poetry, Socialism, 19 August 1953 coup d'état, Akhavan-Sales

1. Associate Prof, Political Sciences, Isfahan University; Email: mattarzadeh1@gmail.com

Human designs in the Petroglyph of East of Iran

Sara Sadeghi ¹

Hamid Reza Ghorbani ²

Hasan Hashemi Zarjabad ³

Abstract:

Rock cliffs, rock art, or a commonly used concept among archeologists, “Archeology of Rocky Art,” is an extraordinary piece of evidence in the field of archaeological studies and other related disciplines and knowledge. These massive treasures of diverse information, to the extent that they are broader and identified, discovered and studied, are our knowledge of how the process of culture and social life, including the type of economy and livelihoods, trade practices and value systems, and population beliefs. In the past, human has become richer, deeper, and more secure. Millions of rock art sites around the world have witnessed human creativity over a period of more than 10 millennia to prehistoric times. This art has wide geographic dimensions that have been found in many parts of the world. In recent decades there has been a lot of research in this field. This research studies humorous designs in rock paintings in southern Khorasan province. The research method is descriptive-analytical and information gathering tool, library studies and field method. The research objectives are the study and introduction of human designs, the classification of human designs, comparative comparisons of designs with other Iranian rock paintings, the symbolism of the role of human resources and the relationship of designs with the beliefs and culture of life of the past people. The results

1. Ph.D. student, Archeology, University of Ardebil; Email: sara_sadeghi809@yahoo.com

2. Assistant Prof, Faculty of Art, Department of Archaeology, Birjand University; Email: ghorbani.hr@birjand.ac.ir

3. Associate Prof, Faculty of Arts and Architecture, Mazandaran University; Email: h.hashemi@umz.ac.ir

indicate that the theme of human relics in the six individual categories is in the ceremony (ritual, dance), in battle, in the show (racing, horseback riding), pasture or livestock, along with symbolic motifs. These motifs represent the past lives of people who believe in their beliefs, and make clear to us the sign and verbal of the dark angles of the ancient world.

Key Words: Rock Art, Human Motif, Southern Khorasan.

Malek al Shoara Bahar in the Mirror of Elegies

Mojgan Mir Hosseini ¹

Abstract

The great Khorasan, the Iranian literary cradle, has raised outstanding celebrities that have transformed the knowledge and literary world with their great works and have created a dramatic transformation in the field of poetry and prose. Among these celebrities, contemporary poet Grande Esung, Mohammad TaghiBahar, has led many contemporary scholars to comment on themselves and critique and analyze his works and poems for a comprehensive coverage of various scientific and literary aspects. A lot has been said aboutBahar, but in this feat, the goal is to find out how he interacts with contemporary poets, including friendships, collaborations and competitions, and their views on him, his character and his intellectual space, the features of the works and especially his poems are know. In order to achieve this, after collecting poems written in theBahar of mourning, we examined these poems from various aspects. By examining the elegies he wrote, it was concluded that literary associations and conferences played an important and important role in shaping the relations of contemporary poets with the Bahar that their fellow or like-minded people are remarkable in this regard. It should be said that everyone admitted to the bounty of Bahar in various fields and accepted his professorship. Also, the study of these poems brings to the readers and researchers the ethical features, the intellectual space and the characteristics of his poems.

Keywords: Malek al-shoare, modern poetry, elegies, literary associations

1. Assistant Prof, Persian Language and Literature, Kosar University of Birjand; Email: mmirho-seinif@yahoo.com

Explaining Educational System Inequalities in the Distribution of Opportunities (Case Study: South Khorasan Province)

Yaghoub Zarei ¹

Abstract

The present study was conducted with the aim analysis of educational inequalities in the Counties of South Khorasan Province. This study is based on the nature of an applied research and from a methodological point of view in the descriptive-analytical research category. The method of collecting information from type of library and the data collection tool has been based on research goals based on standardized tools in the form of tables And common forms of population census and housing (Especially the 2014 Statistical Yearbook of South Khorasan Province). It is worth noting that the statistical population of the study was 11 Counties in South Khorasan province, which measures the level of educational development, 26 components in the form of educational indicators, from official statistics of the province, extraction, and were evaluated using Fuzzy TOPSIS technique and main component analysis. Analyzing the research findings while confirming the existence of a deep divide in the distribution and allocation of educational opportunities between the Counties of South Khorasan province, It is indicative that in total, Birjand county with a coefficient of 0.320 has the highest level of development and Nehbandan county with a 0.150 coefficient has the least development level Have been in terms of educational development. The results of Counties level were also shown, in terms of educational development, general deprivation dominates the space of South Khorasan province.

Keywords: Educational Inequalities, Fuzzy TOPSIS, South Khorasan.

1. Phd, Geography and Rural Planning, Yong Researchers and Elite Club, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran, Email: Yaghoub.zarei@yahoo.com

Table of Content

Social and Economic Concerns of Women After Divorce and Related Factors (Case Study: Sabzevar City)

Maryam Mostafavi/ Azam Mahdavi Poor/ Shafieh Ghodrati 7

The state of addiction to the Internet and its predictive role in students' social health

Hadi Poorshafei/ Fatemeh Naderi 33

Reflection of Society's Political Changes in Epic Poetry of Akhavan-Sales: Case Study: Zemestan (winter)

Mojtaba Atarzadeh 57

Human designs in the Petroglyph of East of Iran

Sara Sadeghi/ Hamidreza Ghorbani/ Hasan Hashemi Zarj Abad 91

Malek al Shoara Bahar in the Mirror of Elegies

Mojgan Mir Hosseini 123

Explaining Educational System Inequalities in the Distribution of Opportunities (Case Study: South Khorasan Province)

Yaghob Zarei 147



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

- Dr. Mohammad Akbari Borang; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Mohammad Bagher Akhondi; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Samira Poor; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Alireza Hosseini; Assistant Prof, Kosar University, Bojnord
- Dr. Reza Dastjerdi; Assistant Prof, Medical Univeristy, Birjand
- Dr. Mahammad Ali Rostami Nejad; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Ali Zarei; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Saman Farzin; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Hossein Shokohi Fard; Assistant Prof, Birjand University
- Dr. Zahra Alizadeh Birjandi; Associate Prof, Birjand University
- Dr. Ebrahim Kanani; Assistant Prof, Kosar University, Bojnord
- Dr. Ahmad Lamei Giv; Associate Prof, Birjand University
- Dr. Hasan Hashemi Zarj Abad; Associate Prof, Mazandaran University



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 48

ISBN 1735-8256

Vol. 12. No. 4. Summer 2018

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zerang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: fekreBekr puplications.

Lithography & Press: Gnostic Institute

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ

..... ریال طی فیش شماره به حساب ۱-۴۵۱۶۷-۱۲-۳۶۱۱

بانک قرض الحسنه مهر ایران - شعبه محلاتی - بابت اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی
مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره تا واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

<http://Farhangekhorasan.ir>